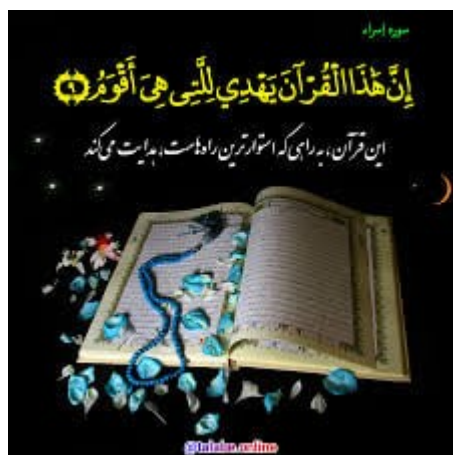


قران كتاب هدايت



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء
محمد مصطفی و آل طاهرینش

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

بی تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می کند، و به مؤمنانی که کارهای
شایسته انجام می دهند، مژده می دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است...

مهم ترین و کامل ترین و جامع ترین کتاب هدایت برای بشریت، قرآن کریم
است که از زمان نزول آن بر پیامبر خدا تاکنون میلیونها انسان را هدایت نموده
است. و آنها را از تاریکی خارج کرده داخل نور نموده است.

به چند مورد از افرادی که بوسیله قرآن هدایت شدند اشاره میشود:

خانمی از کانادا که به تازگی اسلام را پذیرفته است، از نحوه آشنایی خود با
اسلام اینگونه می گوید

شنیدم دینی است به نام اسلام که برای حضرت عیسی (ع) احترام ویژه‌ای قائل است. قرآن را گرفتم و به مطالعه آن پرداختم. سوره اول قرآن را که مطالعه کردم، متوجه شدم اسلام یک دین حقیقی است.

قبل از مسلمان شدن، همه توجهم به مادیات بود به خانه، ماشین و همیشه در زندگی خود احساس خلأ می‌کردم اما از زمانی که اسلام را پذیرفته‌ام احساس شادی و آرامش خاصی در زندگی دارم...

تشریف یک خانواده نروژی به اسلام پس از شنیدن تلاوت قرآن

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب - تمامی اعضای یک خانواده نروژی که برای مسافرت به شهری در ترکیه مسافرت کرده بودند پس از شنیدن تلاوت قرآن در مسجد جامع این شهر مسلمان شدند.

، تمامی اعضای "Islam.ru" به گزارش خبرگزاری رسا به نقل از پایگاه خبری یک خانواده نروژی پس از شنیدن تلاوت قرآن در مسجد جامع یکی از شهرهای ترکیه مسلمانان شدند.

این خانواده غیرمذهبی برای مسافرت در ایام تعطیلات به شهر مارماریس ترکیه مسافرت کرده بودند که در دیدار از مسجد جامع این شهر و شنیدن تلاوت بیست دقیقه ای قرآن در این مسجد تحت تاثیر قرار گرفتند

زمانی که تلاوت قرآن به اتمام رسید تمامی اعضای این خانواده نروژی در حالی که گریه می کردند از قاری قرآن درخواست کردند که اطلاعات بیشتری در مورد اسلام داده و آنان را مسلمان کند

لیندا نایمن " و "فروده سیگوارستن" به همراه دو فرزند کودک خود همگی " مسلمان شدند

لیندا نایمن، با بیان خاطرات خود در این زمینه می گوید: ما به مسجد رفتیم و به مدت بیست دقیقه به تلاوت قرآن گوش کردیم، آن زمان بود که قطرات اشک از چشمان ما جاری شد

وی افزود: زمانی که به قرآن گوش می کردم احساس سبکی داشته و واقعا احساس آزادی می کردم. واقعا خوشحال هستم که اسلام را به عنوان دین خود انتخاب کردم...

اخيراً سارا بوکر، هنر پیشه، مدل و مانکن تازه مسلمان آمریکایی، توضیحاتی را
درباره خود ارائه داده است.

او در گفتگویی خود را این گونه معرفی و علت مسلمان شدنش را این گونه بیان
می کند:

من یک زن امریکائی هستم که در مرکز امریکا به دنیا آمده‌ام. من مانند هر دختر
دیگری بزرگ شدم. با علاقه و تعلق خاطر شدید به زرق و برق زندگی در گران
شهرها. در نهایت من به فلوریدا و از آنجا به ساحل جنوبی میامی نقل مکان کردم.
یک منطقه پرشور برای آن‌هایی که در جستجوی زندگی پر زرق و برق هستند.
طبیعتاً، من آنچه که یک دختر معمولی غربی انجام می دهد را انجام می دادم. بر
اساس ارزیابی ارزش خودم بر مبنای میزان جلب توجه دیگران من به ظاهر و
جذابیت و گیرایی خودم توجه داشتم. من مرتباً ورزش می کردم و یک مربی
شخصی شدم. یک خانه شیک لب دریا خریدم و توانستم یک سبک زندگی با
کلاس برای خود فراهم کنم.

سال‌ها گذشت تا متوجه شوم که هر چه بیشتر در جدایت زنانگی‌ام پیشرفت می‌کنم درجه رضایت شخصی و خوشبختی‌ام افت می‌کند. من برده‌مد بودم. من .گروگان ظاهرمد بودم

به علت افزایش مستمر فاصله میان رضایت شخصی من و سبک زندگی‌ام، من در فرار از الکل و مهمانی‌ها (پارتی‌ها) به مراقبه (مدیتیشن) و مذاهب غیر متعارف پناه می‌بردم. اما یک فاصله کوچک به یک دره تبدیل گشت. و در نهایت متوجه شدم که تمامی آن‌ها فقط یک مسکن هستند و نه یک درمان موثر

یازده سپتامبر ۲۰۰۱، زمانی که من شاهد رگبار پی در پی اسلام، ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی، و اعلام شرم آور جنگ صلیبی جدید بودم، توجه‌ام به چیزی بنام اسلام آغاز شد. تا آن زمان، تمام چیزهایی که برای من با اسلام تداعی می‌گردید عبارت بودند از: زنان پوشیده در چادر، کتک زندگان زنان .(همسران)، حرام‌ها، و یک دنیا ترور و وحشت

یک روز من با قرآن، کتابی که در غرب به طور منفی کلیشه‌ای معرفی شده است برخورد کردم. در ابتدا سبک و نحوه برخورد قرآن مرا تحت تأثیر قرار داد، و سپس نگاه آن به هستی، زندگی، آفرینش، و ارتباط میان خالق و مخلوق مرا به

شگفتی آورد. من قرآن را خطابه ای مملو از بصیرت و بینش برای قلب و روح، بدون نیاز به هیچ مترجم (مفسر) و کشیشی یافتم

سرانجام من حقیقت را دریافتم: فعالیت ارضاء کننده جدید من چیزی جز قبول مذهبی بنام اسلام، که می تواند سرچشمه آرامش برای من به عنوان یک مسلمان فعال باشد، نبود

من یک ردای زیبای بلند و یک پوشش سر که شبیه لباس عرفی زنان مسلمان است خریداری کردم و در خیابان ها و محله هایی که روزهای پیشین با شلوار کوتاه، بیکینی، و یا با لباس کار شیک سبک غربی در آن ها راه می رفتم، ظاهر شدم. اگر چه مردم، چهره ها، و مغازه ها همه همان ها بودند، اما یک چیز به طرزی چشمگیر و استثنائی متفاوت بود، من همان نبودم و نه آرامشی که من برای اولین بار در زن بودن تجربه کردم

من احساس کردم که همه زنجیرها پاره شده اند و من بالاخره آزاد شده ام. من از چهره های حیرت زده جدید مردم، در مکانی که زمانی چهره هایی که پر از نگاه های شکارچی برشکار بود را تجربه کرده بودم، لذت می بردم. ناگهان یک بار از دوش من برداشته شد. من دیگر تمامی وقت ام را صرف خرید، آرایش، درست

کردن موهایم، و تمرین بدنی برای خوش اندام شدن نمی کردم. سرانجام، من آزاد شدم.

من از حجاب رضایت داشتم، اما دیدن رو به افزایش زنان مسلمانی که از نقاب استفاده می کنند کنجکاوی مرا درباره نقاب برانگیخت. من نظر همسر مسلمانم را، که پس از اسلام آوردن با او ازدواج کردم، درباره گذاشتن نقاب و یا بسنده کردن به حجاب را جویا شدم. به نظر او حجاب در اسلام امری واجب است، در حالی که نقاب نیست. در آن زمان، حجاب من شامل پوشش سری که تمامی سر مرا بجز صورتم رامی پوشاند، و یک ردای سیاه بلند گشاد بنام عبا که تمامی بدن مرا از گردن تا نوک پا را می پوشاند، بود.

هیچ چیز مرا از تعویض بیکینی ام در ساحل جنوبی و زندگی پر زرق و برق سبک غربی ام با زندگی کردن در آرامش با خالقم و لذت بردن از زندگی در میان هموعانم به عنوان یک شخص با ارزش، خوشحال نمی کند. بدین دلیل است که من استفاده از نقاب را انتخاب کرده ام، و تا پای مرگ از حق لاینفک ام برای پوشیدن اش دفاع خواهم نمود...

یعنی صاحبان عقل متوجه هدایت عظیم قرآن کریم شده اند و با اینکه اولوالباب از آن خیلی استفاده می کنند اما هنوز **قرآن در بین بشریت غریب است** بطوری که از یک میلیارد و خورده ای جمعیت مسلمانان تعداد کمی از قرآن بهره میبرند.

یکی از مهم ترین علل اینکه اکثر مردم بلد نیستند قرآن بخوانند این است که پدر آنها به وظیفه ای که خدا به عهده او گذاشته عمل نکرده است. وظیفه پدر این است که یا خود به فرزندش قرآن را یاد بدهد مانند پدر ما که به همه فرزندانش قرآن را یاد داد یا اینکه برای فرزندش معلم بگیرد مانند امام حسین علیه السلام که برای فرزندش معلم گرفت و وقتی معلم سوره حمد را به فرزند یاد داد امام دستور داد صد دست لباس گرانقیمت به معلم دادند و دهانش را پر از جواهر نمودند

گاهی والدین نسبت به آشنایی فرزندانشان با قرآن بی تفاوتند ولی برای آموزش های دیگر اهتمام عجیبی دارند در حالی که قرآن راه رستگاری را آموزش می دهد. تنها معجزه ای که در حال حاضر از پیامبران در اختیار بشر قرار دارد قرآن کریم است، قرآن وسیله هدایت انسان از ظلمت به سوی نور است ولی به تنهایی کافی نیست و به تبیین کننده نیاز دارد. آموزش قرآن کودکان یکی از حقوقی است که برگردن والدین می باشد و برای آشنا کردن آنها با مهم ترین حقشان باید آن را بلند در حضورشان بخوانیم

تلاوت قرآن در خانه در سایر افراد خانواده اثر دارد، پدر و مادری که خواندن قرآن جزو برنامه زندگی آنان است فرزندان‌شان نیز به فراگیری و خواندن قرآن علاقه مند می شوند و این خود یکی از راه های تعلیم قرآن به فرزندان است، زیرا کودک و نوجوان به طور عمده تحت تأثیر سخنان والدین، معلمان و دوستان است و این تأثیرپذیری در کودکی بیشتر از پدر و مادر است

اولیاء خدا به قرآن خیلی اهمیت می دادند و در شبانه روز در چند نوبت قرآن می خواندند

خانم دباغ روایت می کند: وقتی غذای امام را داخل اتاق می بردم وارد اتاق که کرده اند و مشغول قرائت قرآن هستند مدتی این می شدم می دیدم #قرآن را باز مشغول کرده بود تا اینکه روزی به امام مسئله (کثرت قرائت قرآن) ذهنم را عملی است دیگر چرا اینقدر عرض کردم: «حاج آقا شما سراپای وجودتان قرآن»
«قرآن می خوانید؟»

امام مکثی کردند و فرمودند: 

«هر کس

»بخواهد از آدمیت سر در بیاورد و آدم بشود باید دائم قرآن بخواند.^۱

آیت الله #مرعشی-نجفی رحمه الله علیه به خویشاوندان و نزدیکان، به ویژه فرزندان خود سفارش می-کرد که در منزل هیچ گاه #قرآن را دور از دسترس قرار ندهند؛ بلکه همیشه آن را در جایی قرار دهند که در معرض دید باشد تا دیده شود و می فرمودند: «یادتان نرود که هرگاه چشم تان به آن می افتد، چند آیه-ای تلاوت کنید و کوشش نمایید تا آیاتی از آن را #حفظ کنید.» توصیه می-کردند که حتماً با وضو و طهارت قرآن را تلاوت کنید.^۲

قرآن به ما خبر داده است که:

پیرزنی نازا باردار شد.(همسر حضرت زکریا مادر اسحاق- همسر حضرت ■

ابراهیم مادر یحیی)

۱.مرضیه حدیدچی (دباغ)، پابه پای آفتاب، ج ۲، ص ۱۵۷

۲.علی اکبر دیلمی، انس با قرآن، ص ۶۲ - ۶۰

دختری مجرد و پاکدامن فرزندی به دنیا آورد. (حضرت مریم) ■

چاقو گلو را نبرید. (حضرت اسماعیل) ■

آتش نسوزاند. (حضرت ابراهیم) ■

ماهی ، قورت داد اما هضم نکرد. (حضرت یونس) ■

شتری از دل صخره بیرون آمد. (حضرت صالح) ■

ماه شکافته شد. (حضرت محمد ص) ■

نوزادی سخن گفت. (حضرت عیسی) ■

رودی همچون نیل بزرگ شکافته شد. (حضرت موسی) ■

مرده هایی زنده شدند. (معجزات زیاد) ■

.....

خداوند می خواهد به ما بگوید که او پروردگار ناممکن هاست ، ❄️

پس هرگز ناامید نشوید و به تقدیراتش گمان نیک داشته باشید ✨

قران اگر با حضور قلب تمام خوانده شود می تواند انقلابی در ادبی ایجاد کند...

با تلاوت قران از دنیا رفت...

یکی از شاگردان مرحوم علی آقای قاضی که قدری جوان هم بود، روزی
مرحوم قاضی می بیند که او روز به روز رنگش زرد و خودش لاغر می شود. از

ایشان می پرسد: چه کار می کنی که این طور می شوی؟ جواب می دهد: هر شب غیر از مقررات عادی، یک ختم قرآن انجام می دهم و تقریباً خواب ندارم. ایشان می فرماید: از امشب فکر کن که من در مقابله نشسته ام و بخوان! آن شخص فردا آمد و گفت: بیشتر از یک جزء نتوانستم بخوانم. بعد از چند روز دستور می دهد که خیال کن برای امام زمان (ع) می خوانی و یا پیامبر و یا علی (ع). فردا آمد و گفت: هر چه کردم نتوانستم بیشتر از یک حزب بخوانم. بعد از چند روز فرمود: خیال کن برای خدا می خوانی! می گویند آن جوان از اول قرآن شروع نموده بود و در ایام نعبه و ایام نستعین مانده بود و صبح همان شب از دنیا رفت...

در این کتاب که سخنرانی هایی است که تبدیل به متن شده درباره قرآن کریم مطالبی را آورده ایم.

پاییز 1404. کرمانشاه

فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۚ

مزمل ایه 20

آنچه را از قرآن برای شما میسر است بخوانید

این توصیه خداوند به تلاوت قرآن تا انجایی که میسر است دوبار در ایه مذکور آمده است. و این نشان می دهد که قرآن در سعادت آدمی خیلی تاثیر گزار است لذا در روایت است که امیرمومنان(ع) فرمود بر شما باد به تلاوت قرآن در روز و در شب..

حضرت امام هر موقع فرصت می کرد قرآن می خواند و در ماه رمضان بیشتر قرآن ختم می کرد امام در این ماه مبارک حداقل ۱۰ بار قرآن ختم می کرد ماه مبارک رمضان معروف است به ماه بهار قرآن. چون قرآن در ماه رمضان نازل شده لذا میگویند بهترین عمل در ماه مبارک رمضان، قرائت قرآن هست

یه حدیث عجیبی من دیدم که **بعضی از امامان ما در ماه رمضان ۴۰ بار قرآن ختم** می کردن یعنی روزی بیشتر از یک ختم با قرآن.

البته درباره **علامه امینی** می‌گند ایشون در ماه رمضان ۱۵ بار قرآن را ختم می کردند ۱۴ تا برای ۱۴ معصوم ثوابشو هدیه می کردند یکی هم برای پدر و مادر خودشون. پدر ایشونم از علمای بسیار با تقوای آذربایجان بود در هر حال یکی از عیب‌هایی که ما مسلمانان مخصوصاً مردم ایران داریم اینه که اکثراً با قرآن آشنا نیستند در حالی که قرآن آنقدر توش معارف هست آنقدر توش گنج‌ها هست که تمومی نداره

در سوره نمل داستان سلیمان نبی و بلقیس رو آورده. که سلیمان به درباری های داخل قصرش شامل جن ها و انسان های که داخل تالار قصر ایشان بودند گفت کی میتونه تخت بلقیس را از یمن. بیاره فلسطین پیش من در مدت کوتاهی؟ یک جنی بلند شد گفت به اندازه که شما بلند شی و بشینی من اینو میارم گفت نه من از این زودتر می‌خوام اصف بن برخیا گفت من در یک چشم به هم زدن تخت ایشونو از قصرش برات حاضر می‌کنم! الله اکبر.

حضرت سلیمان چشماشو بست باز کرد دید تخت بلقیس حاضره

حالا قرآن درباره آصف چی میگه. میگه این کسی بوده که مقداری از قرآن را بلد بوده چون می‌دونید قرآن یک ترکیبی هست از تورات و از انجیل و از زبور و از صحف ابراهیم و از صحف نوح و از تمام کتاب‌های آسمانی در این قرآن هست پس معلوم است که مقداری از قرآن در زمان‌های قدیم هم بین اولیا خدا بوده ازش تلاوت می‌کردند. قرآن میگه :

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ ۚ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ۚ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌ كَرِيمٌ

نمل ایه 40

کسی که دانشی از کتاب [لوح محفوظ] نزد او بود گفت: من آن را پیش از آنکه پلک دیده ات به هم بخورد، نزد تو می‌آورم. [و آن را در همان لحظه آورد]. پس هنگامی که سلیمان تخت را نزد خود پابرجا دید، گفت: این از فضل و احسان پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاس گزارم یا بنده‌ای ناسپاسم؟ و هر کس که سپاس‌گزاری کند، به سود خود سپاس‌گزاری می‌کند و هر کس ناسپاسی ورزد، [زیانی به خدا نمی‌رساند]؛ زیرا پروردگارم بی‌نیاز و کریم است.

کسی که مقداری از قرآن را بلد بود توانست این کارو انجام بده لذا امام رضا علیه السلام با روسای مذاهب مختلف بحث می کرد همه از قرآن با اون به وسیله آیات قرآن اونا را محکوم می کرد چرا ما خودمون ازاین کتاب عظیم بی بهره ایم؟

باز آمده که زکریا از خداوند درباره این ایه **كهيعص (ایه اول سوره مریم)** پرسید این چیه؟

خداوند با «كهيعص» قصه آن را خبر داد؛ «كاف» نام کربلاست، «ها» (هلاک) کشته شدن عترت طاهره است، «یا» یزید ستمگر، قاتل حسین علیه السلام است، «عین» عطش حسین علیه السلام و «صاد» صبر و مقاومت اوست. زکریا سه روز در مصیبت حسین علیه السلام گریست و از خدا خواست که فرزندی به او عطا کند و با محبت او، آزمایشش کند و آن گونه که محمد صلی الله علیه و آله را در سوگ فرزندی به داغ نشاند، او را هم داغدار کند. پس خداوند، حضرت یحیی را به او عطا کرد. یحیی نیز همچون حسین علیه السلام شش ماهه به دنیا آمد... پس آیاتی از قرآن در گذشته بین پیامبران و اولیاء خدا بوده است. علم به ان داشته اند.

خدا در سوره اسراء می فرماید **ما قرآن را شفا قرار دادیم**

شفا مراد هم شفا جسمه هم شفای روح. هم روح آدمو شفا میده الان

یک خواننده‌ای هست به نام یوسف اسلام این اسمش بوده کت استیونس ایشون
میگه من قبل اسلام اوردم همیشه دچار مشکلات روحی بودم ولی وقتی مسلمان
شدم با یک آیه قرآن تمام بیماری های من برطرف شد

با آیه

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَقُلُّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ال عمران ایه 189

و مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خداست، و خدا بر هر
کاری تواناست.

پادشاه آسمان و زمین خداست بقیه چه کاره هستند؟ امریکا چه کاره است؟
شورای امنیت چه کاره است؟ پادشاهان که در کشورهای مختلف هستند چه
کاره هستند **خدا همه کاره است** برای همین که حضرت امام از این قدرتها هیچ

نمی ترسیدند . گفتن آقا ناوهای آمریکا اومده خلیج فارس! امام گفت آمریکا غلطی نمی تونه بکنه. ترسی نبود در امام همچنین ترسی در مقام معظم رهبری نیست امریکا کیه در حالی که دولتهای کشورهای دیگه هنوز مقابل امریکا ترسانند چرا؟ چون اینا اعتقادی ندارن به اینکه خدا پادشاه آسمان زمینه.

اگر در خانواده قران حاکم باشد تو خانواده اختلافی پیش نمیداد!

ما الان مشکلی که تو خانواده ها داریم اختلافاتی که بین زن و شوهرها هست اختلافاتی که بین بچه ها با پدراشون است الان بعضی از خانواده ها میگویند ما از دست پسرانمون عاصی هستیم بعضی میگویند از دست دخترانمون عاصی هستیم چرا چون تو خانواده قران حاکم نیست. از تلاوت قران خبری نیست فقط موقع عروسی قرانو میذارند تو سفره عقد! یا موقع سال تحویل میذارن تو سفره هفت سین!

اینها خیال می کردند اگر پول باشه سعادت هم هست در حالی که ما بینیم خانواده هایی هستند پولدار ولی آرامش ندارند. پول آرامش نیاره پول سعادت نیاره اون چیزی که سعادت میاره همین قرآنی است که خدا به ما داده و به حمدالله این قرآن ما همه چی توش هست

وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

و هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتابی روشن [ثبت] است

هیچ تر و خشکی نیست مگر در قرآن وجود داره ولی ما خودمونو محروم کردیم
اونایی که بلد نیستند اگر الان یاد نگیرند روز قیامت گیرند چرا چون الان با ۱۵
جلسه با همین موبایل بهترین اساتید هستند تو اینترنت پیدا می کنی استادایی هستن
همین تو خانه ات بشین قرآن را باز کن در ۱۵ جلسه قرآن هم به شما یاد میدند
ولی گر گدا کاهل بود تقصیر صاحبخانه چیست

انا انزلناه فی لیله مبارکه قرآن کریم در شب قدر نازل شد شبی که به فرمایش
قرآن شب مبارکی هست. چرا مبارک است برای اینکه به وسیله قرآن بشریت
می تواند از نادانی از تاریکی از گمراهی نجات پیدا بکنه

میگن ناپلئون وقتی که کشور مصر و گرفت یه روز در کتابخانه قاهره کتابها را
نگاه می کرد یه دفعه چشمش افتاد به قرآن. قرآنو برداشت و چند روزی مطالعه
کرد بعد این جمله رو گفت چون ناپلئون شخصیت سیاستمدار پادشاه فرانسه بود
که پیروزی های زیادی هم داشت تا قلب روسیه رفت گفت تا زمانی که قرآن بین
مسلمونا حاکم هست ما نمی توانیم بر مسلمونا تسلط پیدا کنیم ...

منتها میگند **قدر زر زر گر شناسد قدر گوهر گوهری** چه کسی قدر قرآن میداند.
یکی امامان ما.ا.نها قران شناس بودند.

نقل است سید بحرالعلوم که در نجف بود یه دفعه دیدن از حرم امیرالمومنین
بیرون آمد و این جمله رو گفت

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رُخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

گفتن سید چی شد شما همیشه عربی حرف می زدی. گفت دیدم امام زمان علیه
السلام کنار سر مبارک امیرالمومنین یک قرآنی می خواند که تو عمرم همچو
قرآنی من نشنیده بودم از جهت زیبایی و خوش صدایی

همونی که امام سجاد(ع) وقتی که می خوند سقاهاى مدینه می آمدن کنار پنجره
گوش می دادند.

خیال کردید مثلاً این عبدالباسط و منشاوی و دیگران اینا قرآن می خوانند! قرآن
امامان اونا قرآن می خواندن اونا مفسر قرآن بودن لذا قدر قرآن رو امامان
می دونن و بعد از امامان(ع)، اولیاء خدا می دانستندو

نقل است جناب آیت الله العظمی میرداماد شبی ۱۵ جز قرآن تلاوت می کردند

حضرت امام روزی چند بار به هر بهانه‌ای فرصتی پیدا می‌کرد قرآن می‌خواندند

...

دلی که با قرآن باشد خدا اون دل رو را عذاب نمی‌کنه کسی که با قرآن باشد
دچار مفاسد اخلاقی نمی‌شه دچار مال حرام نمی‌شه دچار انحراف عقیدتی نمیشه
بیشتر انحرافات که بشریت دارد برای اینکه از قرآن دور شدیم ما مسلمانا
مشکلاتی که داریم زندان‌های ما پره برای اینکه به قرآن عمل نکردیم. ما آدم
داریم تو عمرش یه بار لای قرآنو باز نکرده...

اگر ما به سفارشات قرآن عمل کنیم حتما سعادتمند میشویم. از ام سلمه پرسیدند از
اخلاق و رفتار پیامبر برای ما بگو. جواب داد پیامبر، قرآن مجسم بود. یعنی هرپه
در قرآن سفارش شده انها را رسول خدا انجام می‌داد.

مثلا قرآن گفته:

قل للمومنین یغضوا من ابصارهم.. قل للمومنات یغضضن من ابصارهن... به مردان
مومن بگو به زنان مومن بگو چشمشونو بر حرام ببندند.

اگر همه به این ایه عمل کنند چقدر از آسیبها کاهش پیدا می کند. در روایت آمده کنترل نگاه بزرگترین غنیمت است.

امام صادق علیه السلام

ما اغْتَنَمَ أَحَدٌ بِمِثْلِ مَا اغْتَنَمَ بَغْضُ الْبَصَرِ لَأَنَّ الْبَصَرَ لَا يُغْضُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ  ... تَعَالَى إِلَّا وَقَدْ سَبَقَ إِلَى قَلْبِهِ مُشَاهَدَةُ الْعَظَمَةِ وَالْجَلَالِ

هیچ غنیمتی مانند غنیمتی که آدمی از راه کنترل چشم به دست می آورد  نیست؛ زیرا دیدگان از نگاه به نامحرم فرو بسته نمی شود جز آنکه در قلب او عظمت و جلال الهی مشاهده می شود^۳.

حضرت داود (ع) به فرزند خود فرمود: ای فرزند من ، به دنبال شیر حرکت کن ولی پشت سر زن راه مرو که شیطان لعین گفته است: « نگاه کردن کمان قوی من است و تیری است که هرگز به خطا نمی رود...»

۳. مصباح الشریعة، ص ۹

جامعه ما این روزها با یک ناهنجاری مواجه است، گرفتار یک ضداخلاق است، با یک معضل دست و پنجه نرم می کند و دست به گریبان است با یک بیماری؛ بیماری مزمنی به نام چشم چرانی که برآمده از یک عادت نکوهیده درمان نشده است.... سرها، گردن ها، صورت ها و چشم هایی که زاویه و جهت دارند، به سوی جنس مخالف و نگاه هایی عمیق و ژرف که ثابت می مانند به روی دیگران به قصد لذت و حظ. به زبان ساده تر، دوختن نگاه آلوده به نوامیس مردم برای کامجویی بصری. گاه عیار و میزان این چشم چرانی ها و نظربازی ها چنان بالا می رود که فغان اعتراض مردم را هم بلند می کند. حتما دیده اید مردانی را که در مترو، اتوبوس و حتی کوچه و خیابان با معترضانی روبه رو می شوند که شاکی اند از نگاه های ناپاکشان و مطرح کننده یک پرسش تاریخی: مگر خودت خواهر و مادر نداری؟... یک مطالعه در انگلستان نشان داده مردها به طور میانگین روزانه 43 دقیقه از وقت خود را صرف خیره شدن به جنس مخالف می کنند که این میزان برابر با 259 ساعت یا تقریباً 11 روز در سال است. جمع این زمان در فاصله بین هجده تا پنجاه سالگی یک مرد می شود بیش از 11 ماه و 11 روز یعنی یک مرد انگلیسی در این فاصله، نزدیک یک سال از عمرش را صرف کاری کرده که در فرهنگ ما اسمش «چشم چرانی» است.

:خانمی گفته

مردا اکثرا تمایل دارن به چشم چرانی و این کارو وصف العیش نصف و العیش " میدونن

زنها هم خودشون و خفن درست میکنن و استایلاي انچناني ، کمی طبیعیه این رفتارا از مردا

چشم چرانی جزو ویژگی های روانیه اکثر مرداست...

حضرت علی - علیه السلام - به نقل از انجیل می فرماید: " در تورات نوشته شده زنا نکن، ولی من می گویم اگر حتی با نظر شهوت آلود به کسی نگاه کنی همان ". وقت در دلت با او زنا کرده ای

و نیز می فرماید: " نابینا بودن بهتر از نگاههای نامشروع است « پس فاصله بین نگاه " و گناه اندک است

شخصی از امام صادق - علیه السلام - پرسید: آیا نگاه کردن به پشت سر زنهایی که عبور می کنند جایز است؟ حضرت پاسخ داد: اگر به ناموس شما این گونه نگاه کنند، خوشنود می شوید؟! آنگاه فرمود: برای مردم همان را بخواهید که برای خود می خواهید...

این یکی از صدها توصیه خیلی مفید قرآن است. یا اینکه قرآن توصیه به پرداخت خمس و زکات کرده است.

این آیات خمس رو باید برای کی بخونیم؟ چند درصد مردم خمس میدن؟ خیلی کم. مگر حضرت امام در کتاب تحریر الوسیله فرمود هر کسی که خمس نده جزو ظالمین به اهل بیت اسمشو ثبت می کنند!

یعنی وقتی کسی که خمس نمیده زیارت عاشورا می خواند و میگه خدایا لعنت کن ظالمین به اهل بیت را. خودش داره لعنت می کنه

کسی که درباره خمس سوال کردن که آقا ما جایی مهمان هستیم. مال حرام میارن می دونیم یه غذایی که آوردن ۱۰۰ درصد از مال حرامه چیکار بکنیم؟ مراجع تقلید میگند اینجا حق نداری بخوری یه بهانه ای بیار و نخور.

ولی اگر می‌دونی که این مالیست که خمس بهش تعلق گرفته و خمس نداده می‌تونی بخوری بعداً خمس اون بشقابو حساب کنی مثلاً اگر قیمت اون غذا ۵۰ هزار تومن یا ۱۰۰ هزار تومنه یک پنجمشو خمسشو بدی اون موقع دیگه اشکال نداره الان که در جامعه ما، مال حرام زیاده مگر خدا نفرمود

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ
إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

بقره ایه ۱۶۸

ای مردم! از آنچه [از انواع میوه ها و خوردنی ها] در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است.

کسی که دنبال مال حرام باشه نمی تواند مورد عنایت اهل بیت (ع) باشد.

نقل است دو نفر بنا بود محضر امام زمان مشرف بشن داشتن پیاده میرفتند از کنار

یک مزرعه گندمی رد شدن یکیشون دست کرد یه خوشه گندم چید گندم زیر

دندونش امتحان کرد که رسیده یا نه. بعدم از دهانش بیرون انداخت. در همین

موقع رسیدن نزدیک چادر. صدای حضرت بلند شد که فرمود آقایی که گندم

چیدند و در زیر دندون آزمایش کردند برگردند ما شما را نمی‌پذیریم ...

چقدر پولش بوده شاید هزار تومان هم نبود ولی حرام حرامه.

باز نقل است جنازه‌ای آوردن پیامبر نماز بخواند پیامبر متوجه شد که ایشون
بدهکاره و طلبکار داره. حضرت فرمود من بر بدن این میت نماز نمی خوانم ...
این همه آیات قرآن سفارش کرده که حلال بخورید حرام نخورید اما چون ما به
قرآن عمل نمی کنیم گرفتار میشیم...

حضرت علی علیه السلام فرمود بر شما باد که روز و شب قرآن بخوانید و بهش
عمل کنید

ما باید متوجه باشیم که وظیفه‌مون نسبت به قرآن چیه. روایت میگه روز قیامت
قرآن شکایت می‌کنه از اونایی که قرآن گرفتن و نخواندن و قرآن رو تو طاقچه
گذاشتن.

قرآن‌هایی که تو خانه دارید حتماً هر کدومشو باز کنید ازش بخونید تو خانه
چهار پنج تا قرآن همینجور مونده تو طاقچه سال می‌گذره یه بار اینا باز نمیشه
استفاده نمیشه اگر ما از قرآن استفاده نکنیم حتماً در زندگیمون تغییر ایجاد میشه.
خداوند بر کاتشو نازل می‌کند چون قرآن نوره. قرآن هدایته. قرآن شفا است.
قرآن راهنما است.

نقل است که یک کسی ایرانی بود در کوفه . خیاط بود شغلش خیاط بود گاهی اوقات هم حالش خوش بود میزد زیر آواز. حضرت علی(ع)رد میشد صدای آوازشو شنید حضرت بش فرمود چرا آواز میخونی .بجای آواز،قرآن بخونید گفت یا امیرالمومنین میخوام قرآن بخونم بلد نیستم. حضرت امیر(ع)در گوشش مطلبی فرمود ناگهان این خیاط بر کل قرآن مسلط شد دیگه همیشه قرآن می خوند

امامان ما شریک قرآن و مفسر قرآن هستند . قرآنی که ما در دست داریم اینا قرآن صامته و قرآن ناطق امامان ما هستند

و مقام امامان از قرآن بالاتر است. برای اینکه خداوند به پیامبرش فرمود **لولاک لما خلقت الافلاک** اگه به خاطر تو نبود اصلاً جهانو خلق نمی کردم بعد فرمود اگه به خاطر علی نبود تو را خلق نمی کردم بعد فرمود اگه به خاطر فاطمه نبود نه تو رو خلق می کردم نه علی رو خلق می کردم

یکی از مسائل مربوط به قرآن اینه که. ما هر روز وقت بزاریم نیم ساعت یه ساعت درباره تفسیر قرآن تدبر کنیم

چون قرآن به ما دستور تدبر داده و با تدبر گاه معرفت ما به خدا خیلی بالا میره

الان ما بحمدالله آقای قرائتی تفسیری داره تفسیر خیلی ساده تفسیر نور می تونیم
دانلود کنیم اگه کسی نمی تونه کتاب تهیه بکنه همچنین تفسیر نمونه آقای مکارم
۴۰ ۳۰ بار تا به حال تجدید چاپ شده به زبان های مختلف تفسیر کم نداریم بینیم
قرآن چی از ما خواسته.

در تهران آقای حجتی تعمیر کار چرخ خیاطی است میگه من سوره انعامو شروع
کردم سه سال در سوره انعام موندم از بس حکمت داشت از بس درسهای موزنده
داشت در این سوره انعام من موندم هرچی می خواستم برم تموم کنم نمیشد. سه
سال تو سوره انعام موندم. ایشان خدا بهش عنایت کرده

یه نقاش اسپانیایی میگه که. من یه روز داشتم می رفتم تو اسپانیا تو خیابان یه دفعه
در کتابفروشی رفتم و یک قرآن خریدم همه فامیلا تعجب کردند!

من قرآنو پر از نور می بینم. من قرآنو می دارم رو سینه ام می بینم یک نوری از
قرآن وارد سینم شد. شب قرآنو می دارم بالا سرم می خوابم

ایشان یک مسیحی هست. مسلمانم نیست ولی از قرآن استفاده می کنه به اندازه
خودش.

از خدا بخواهیم بین ما و قرآن پیوند محکمی قرار بده و ما تا آخرین لحظه
عمرمون از قرآن مرتب استفاده کنیم روزی چند بار قرآن بخونیم بحمدالله الان
این همه امکانات هست قلم‌های نوری آمده قلم نوری که اینو شما رو قرآن هر
آیه که بگی برات می‌خونه اونم نه یه قاری قاری‌های مختلف از شهریار بگید تا
دیگر قاریان مختلف

آدم تهیه کنه قلم قرآنی برای خانواده‌اش برای بچه‌هاش . بچه‌های ما خیلی
استعداد دارند تلویزیون نشون داد برنامه محفل خواهره می‌خونه اول آیه رو. آخر
آیه رو دختر کوچولو خواهرش می‌خواند

روایته که علم در کودکی مانند نقش روی سنگ تو ذهن کودک نقش می‌بند
یعنی شما اگر روی سنگ یه چیزی حکاکی کنید دیگه می‌مونه برا همیشه ولی در
بزرگی مثل کف روی ابه یا نوشتن روی ابه. زود محو میشه

خانواده‌ها باید بچه‌ها رو قرآنی بار بیارند تا انشالله تا آخر عمرشون از قرآن
استفاده کنند و از انحرافات نجات پیدا کنند

پیامبر فرمود دوست دارم ،دوست دارم مسلمان در حالی از دنیا برود یا در حال
آموختن قرآن باشد یا در حال تعلیم به دیگران باشد

فرمود دوست دارم مسلمانان، اونایی که مسلمان امت منند اینجوری باشند...

خیلی برای ما بده. که من مسلمان نتونم یه صفحه بدون غلط بخونم. ما باید
هممون هم قرائت قرآن را بلد باشیم هم در تمام عمر با قرآن مانوس باشیم چون
قرآن نور و هدایت است و ما برای رسیدن به کمال به ان نیاز داریم.

آیت الله حسن زاده آملی فرمودند من به دو چیز غبطه می خورم یکیش اینه که :

از همان ابتدا عشق عجیبی به دیوان شعرا و نظم و شعر داشتم روی این ذوق 
همان وقت تمام دو بیتی های باباطاهر را حفظ بودم و تمام رباعیات خیام و اکثر
. غزلیات حافظ و همین طور اشعار دیگران را

ولی کاش از همان وقت کسی به من می گفت آقا به جای اینکه اینها را 
حفظ کنی شروع کن به

حفظ قرآن

والآن این حسرت برای من به جا مانده است که این عشق و علاقه ای که به این شعرا داشتم کاش در حفظ قرآن به کار می بردم^۴.

و یکی هم اینکه آیت الله نجابت از شاگردان آقای قاضی وقتی زنده بودند من نرفتم محضر ایشانو درک بکنم. (آیت الله نجابت شیرازی بودن ایشان از شاگردان آقای قاضی بودن. اونقدر این روحیه اش لطیف بود این آیت الله نجابت کلمه عشق رو می دید عشق به خدا همینجور اشکش سرازیر میشد کلمه عشق رو هر کجا می دید اشکش میومد)

ما باید از این قرآنی که خدا به ما داده کمال استفاده رو کنیم ...

یک آیه قرآن گاه انقدر تاثیر گزاره که انسان را از این رو به اون رو میکنه.

نقل است یه عربی آمد محضر پیامبرو عرض کرد یا رسول الله به من قرآن یاد بده

آقا رسول الله به شخصی فرمودند آی مسلمان دست این آقا را بگیر ببر گوشه

مسجد بهش قرآن یاد بده

کتاب گفتگو با علامه حسن زاده آملی صفحه 23⁴

مسلمان به اینکه از بیابان آمده بود از عشایر بود گفت **بسم الله الرحمن الرحيم** اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان مالها وقتی که زلزله روز قیامت میشه انسان از قبر بیرون میاد میگه چی شده؟ زمین پاسخ میده میگه امروز قیامته امروز باید دادگاه تشکیل بشه شما در دادگاه حاضر بشی.

فمن يعمل مثقال ذره خيرا يره هر کسی یه ذره مثقال عمل خوب انجام داده نشونش میدن و اگر خدا نکرده یه ذره مثقال عمل بد داشته باشه نشونش میدند اون عرب عشایر گفت این آیه اخری رو برای من دوباره بخون اونم خوند. عرب گفت گفت واقعاً هر کار بد و خوبی بکنیم خدا به ما نشون میده؟ مسلمان گفت بله حتما. اون عرب گفت خدا حافظ شما انچه که باید یاد بگیرم یاد گرفتم. او رفت مسلمان آمد گفت یا رسول الله این نموند زیاد یاد بگیره فقط سوره زلزال یادش دادم آقا رسول الله فرمود رجع فقیها دانشمند برگشت. با یک سوره قرآن دانشمند شد. فهمید نقشه راه چیه تا بسعادت برسه

قرآن همه آیاتش درسه برای ما. اگر با دل و قلبمان قرآن را بفهمیم

نقل است یه کسی آمد خدمت آیت الله بروجردی آقا فرمود سوره حمد تو بخون گفت کدام سوره حمد و بخوانم آیت الله بروجردی گفت مگه چندتا سوره

حمد داریم گفت آقای بروجردی یه سوره حمدیست که امام صادق می‌خوند
اونو نه شما میتونی بخونی نه من یه سوره حمدیست که شما که آیت الله هستی
میخونی اونو من بلد نیستم بخونم یه سوره حمد هست ما ادمای عادی بلدیم
بخوانیم اونو میخوای تا بخونم!

قرآن در ماه رمضان نازل شده...

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ ۖ وَالْفُرْقَانِ

(بقره ایه 185)

ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که سراسرش هدایتگر مردم است و
دارای دلایلی روشن و آشکار از هدایت می باشد، و مایه جدایی [حق از باطل]

است

چرا ماه رمضان اینقدر عظمت دارد به سه دلیل

یک دلیلش اینه که ماه نزول قرآنه. اگر ماه نزول قرآن نبود انقدر اهمیت نداشت

دوم شب قدر توشه

سوم شهادت مولا امیرالمومنین (ع) قرآن ناطق در این ماه است

قرآن خیلی مهمه خیلی با ارزشه ولی خب در سوره همین فرقان هم هست پیامبر شکایت می کنه قوم من قرآن را محجور کردند کنار زدن

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

(فرقان ایه 30)

اینقدر ما از این گنج کم استفاده می کنیم مثل کسی میماند که کنار یه رود خانه آب زلال باشه بعد بره از آب گندیده بخوره. انشالله امام زمان علیه السلام ظهور کنند اون موقع دیگه از قرآن خوب استفاده میشه

قرآن قانون اساسی ما مسلمانانست. قانون اساسی ما مسلمانان باید همه بتونند ان را بخوانند. تمام مسلمانان باید با قرآن آشنا باشند حداقلش اینه که بتوانند قرآن را قرائت کنند حالا چرا در کشور ما، ما با کشورهای دیگه کار نداریم. در کشور ما اکثر مردم توانایی درست خواندن قرآن را ندارند با قرآن تقریباً قهرند.

سه تا دلیل داره دلیل اول پدران هستند که در نوشته های بالا به ان اشاره شد بازهم توضیح می دهیم حق فرزند بر پدر اینه که پدر به فرزندش قرآن یاد داده. اکثر پدر این حقو انجام نمیدند! اگه بچه اش تو درس شیمی ریاضی علوم تجدید بشه ضعیف باشه گاهی معلم می گیره هزینه می کنه خیلی ناراحت میشه ولی در

ارتباط با قرآن اهمیت برایش نداره بلد باشه نباشه .باید پدرها حتما فرزندانشون رو قران خون تربیت کنند.یک نفر از اقایون می گفت در کودکی روستا بودیم پدرمون از شهر یک ملا آورد تو روستا تو خانه ما گفت جناب ملا این اتاقت این حقوق باید به این دو تا پسر من قرآن یاد بدی اجازه تنبیه کردن هم داری و این ملا به ما قرآن یاد داد

دومین عاملی که اکثرا نمی تونند قرآن بخونند مدرسه است مدارس ما نمی توانند دانش آموزان را قرآن خون بکنن سیستمی که دارن اون روشی که دارن روش درستی نیست بنده در شهرستانی با رئیس آموزش پرورش انجا بازدید رفتیم دبیرستان اون موقع چهارم دبیرستان هم بود همه سن های بالا. کلاس چهارم دبیرستان که بعدش دیپلمه هیچ کدوم بلد نبودند قران بخوانند!

مقصر سوم خود انسانه اگر بابات بهت یاد نداد مدرسه یاد نگرفتی الان با این امکانات که هست بهترین اساتید هستند. تو این اینترنت سرچ کنی در مدت کوتاهی یاد میدن قرآن بخونی. چون ما زبانمون با زبان عربی یکیه حروفمون یکیه عربی ۲۸ حرفه ما چهار حرف بیشتر داریم 32 حرف داریم اکثر حرفامون کلمات عربی استفاده می کنیم.

پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر کسی به
فرزند خود قرآن را آموزش دهد خداوند تاج افتخاری بر سر او میذارد. و لباسی
بر اندامی پوشاند که احدی مانند آن را ندیده. یه لباس تن این پدر مادر میکنند به
والدینی که به فرزندشون قرآن یاد بدند که مانند اون دیده نشه

امیرالمومنین فرمود حق فرزند بر پدر آن است که اسم خوب براش انتخاب کنه
و ادب خوب یادش بده و قرآن را به او یاد دهد

امام صادق فرمود سزاوار است مومن نمیرد تا اینکه قرآن را یاد بگیرد. یا اینکه
در حال آموزش باشه یعنی وقتی اجلش می رسه یا قرآنو یاد گرفته باشه بعد بمیره
یا در حال آموزش باشه

که اکثراً این کارو انجام نمیدن به این وظیفه ای که هست عمل نمی کنند
اما تعلیم قرآن آنقدر ارزشمند است که شما اگه یه معلمی بگیرید برای بچه ها ماهی
۱۰ میلیون بهش بدی ارزش داره

نقل است امام حسین (ع) برای حالا ظاهراً علی اکبر بود معلم قرآن استخدام
کردند. بعد معلم سوره حمد و یاد داد به علی اکبر و او آمد برای امام حسین

سوره حمد رو خواند. امام حسین فرمود دهان این معلم را پر از جواهر کنید ۱۰۰ دست لباس لباس یمنی مثل کت شلوار گران قیمت ۱۰۰ دست بش بدید.

آنقدر به معلم جایزه داد که اصحاب گفتن آقا مگه چیکار کرده یه سوره حمد یاد داده. امام رمود از بین رفتنی لباس از بین میره جواهر ولی سوره حمد چون یک اثر معنوی هست باقی ماندنی هست همراه انسان تو قبر انسان هم هست ولی هیچ کسی همراهش لباس و امثال اینا تو قبر نیست

توصیه شده **ما برای معلم قرآن ارزش قائل باشیم** حتی در روایات هست که فرموده اند در هنگام جهاد و جنگ با دشمنان اسلام هر کی قرآن بیشتر بلده اون فرمانده باشه

در روایتی حضرت علی (ع) فرمود کسی که حافظ قرآن باشد باید از بیت المال سالی ۲۰۰ سکه بهش بدن سکه طلا

بعد فرمود اگه در دنیا بش ندهند تو آخرت خداوند بش میده

الان حافظ قرآن باید از استاد دانشگاه مقامش بالاتر باشه از یک پزشک، حافظ قرآن معلم قرآن مقامش بالاتره ولی تو جامعه ما برعکس مقام معلم قرآن از دیگر معلم ها کمتره.

چقدر الان قرآن مهجوره

بنده در دانشگاهی درس می‌دادم صد و خورده‌ای دانشجو داشتیم ۱۰ نفر شون بلد بودن صحیح و درست قرآن بخونند. گاهی از ۷۰ نفر گاهی از ۱۴۰ نفر ۱۰ نفر بلد بودن قرآن بخوانند. بعضیا قرآن می‌گیرن می‌ذارن تو طاقچه تا سال به سال باز نمی‌کنن استفاده نمی‌کنند. در حالی که امامان ما و اولیاء خدا مرتب قرآن می‌خواندند.

نقل است وقتی که امام رضا علیه السلام به دعبل خزایی شاعر اهل بیت خواستند صله مرحمت کنند هدیه بدن یه دونه عبا دادن عبا یا پیراهن بود فرمودند **من در این پیراهن هزار بار قرآن را ختم کردم و هزار شب شبی هزار رکعت نماز خوندم.**

کتاب‌های دیگر رو شما یه بار که می‌خونید دوبار که می‌خونید دفعه بعد می‌خونی خسته کننده است ملال انگیزه اما قرآن اینجور نیست لذا از امام علیه السلام پرسیدند چرا قرآن اینجوریه که ادم از خواندن ان خسته نمیشه؟ فرمود خداوند قرآن را برای یک زمان خاصی قرار نداده برای همه زمان‌ها قرار داده برای همینه که همیشه قرآن تازه است برای کسی که می‌خوانه ...

نقل است **سیده نفیسه**. قبری داخل خانه‌اش کنده بود صبح می‌رفت داخل قبر قرآن می‌خوند تا غروب روزه هم بود ۶۰۰۰ بار قرآن ختم کرد شما تا به حال نشنیدید که یک مرد بزرگی وقتی می‌خواد از دنیا بره بگه وصت کنه که یک خانم بر من نماز بخواند ولی امام شافعی رئیس سنیا خواست بمیره گفت سیده نفیسه بر بدن من نماز بخواند.

قبر سیده نفیسه در پایتخت مصر هست در حد یک امامزاده است مردم حاجت می‌گیرند. سیده نفیسه عروس امام صادق همسر اسحاق بوده. خود این سیده نفیسه از اولاد امام حسن مجتبی می‌شه با چند نسب با چند واسطه جزو اولاد امام مجتبی علیه السلام است

. ما باید انشاءالله تلاش بکنیم که این فاصله‌ای که بعضیا با قرآن دارند این فاصله رو کم کنند و حتماً مانند حضرت امام روزی چند بار قرآن بخونیم هر موقع بیکار بودیم قرآن تلاوت بکنیم چرا باید این کارو انجام بدیم چون قرآن کتاب سعادت و هدایت و نور است

یکی از سفارشات قرآن به ما این است که **باهم مهربان باشیم**

﴿ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ۖ

محمد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند،

این ایه میگوید کسانی که جزو اصحاب پیامبرند دو تا خصلت دارد نسبت به کفار شدید و نسبت بهم مهربانند

واقعا این مهربانی اگر تو جامعه ما حاکم بشه تمام دعواهایی که مردم با هم دارند تمام دعواهایی که تو خانواده‌ها هست خواهر با برادر پدر و مادر با فرزند با دیگران همه این دعواها تموم میشه

بنده یک روزی از نماز جماعت ظهر برمیگشتم. سربازی کنار خیابان منتظر ماشین بود. سوارش کردم آوردم تا در خانه اش. ایشان از من سوال کرد چیکار کنم منم مثل شما مهربان باشم؟

مهربانی یک چیزیه که خداوند به اصطلاح در ما طوری قرار داده همه مهربانی را دوست دارد به ما خداوند در این آیه شریفه فرموده که مهربان باشید با همدیگه . بنده داشتم با سمند می‌رفتم رسیدم به چراغ قرمز خب وایسادم. ماشین پشت سری یه دفعه زد به ماشین ما از پشت. تو اینه نگاه کردم دیدم یک زن و مردی هستند

خب مثلاً بنده خدا ترمز گرفته ترمزش مثلاً قوی نبوده زده بود به ما. چراغ سبز شد رفتم پیاده نشدم یقه طرف رو بگیریم چرا زدی چرا فلان شد!

مفضل از اصحاب بزرگ امام صادق (ع) تو کوچه دید دو نفر شیعه باهم دعوا می کنند. با هم دعوا می کنند. بردشون خانه. پرسید دعوا سر چیه. گفتند سر صد درهم. مفضل صد درهم به طلبکار داد و اونهارو باهم اشتی داد و گفت این پول امام صادق. مقداری پول پیش من گذاشته. گفته اگر دعوای دو نفر با مبلغی پول حل میشه پول بده نذار با هم دعوا کنن

ما باید با هم مهربان باشیم هم رو ببخشیم اگه کسی اشتباهی ازش سر زد نادیده بگیریم اگه کسی به ما اذیتی رسوند خسارتی وارد کرد ولی بعد معذرت خواهی کرد گذشت کنیم

امام سجاد فرمود اگه کسی از سمت راست فحش داد بعد از سمت چپ معذرت خواهی کرد قبول کن

اینکه کینه ای باشیم و ادامه بدیم دعوا رو. اینا رو اسلام قبول نمی کنه میگه اگه دو نفر با هم دعواشونم شد تا دم در اتاق. از در اتاق که رفتن باید فراموش کنند که اصلاً ما مثل بچه ها باشیم.

روایتی چند چیز از بچه ها یاد بگیرید یکی دعوا کردن رو از بچه ها یاد بگیرید
بینید دو تا بچه با هم یه دعوای سختی می کنن بعد از ۱۰ دقیقه کنار هم نشینند .
با هم دارن بازی می کنن اینو از بچه ها یاد بگیرید...
پس سفارش قران به مهربانی باهم رو تا اخر عمرمون بکار بگیریم...

قرآن خواندن آدابی داره.

آداب قرآن رو ما اگر رعایت کنیم خیلی ازش می تونیم استفاده بکنیم .هم
استفاده هم معنوی هم استفاده مادی هم برای شفا

چرا ما از برکات قران محرومیم؟

آیت الله شیخ محمد تقی آملی (ره) می فرمود: «من در بحث فقه آیت الله سید
علی آقا قاضی شرکت می کردم. روزی از ایشان سؤال کردم - آن روزها هوا
بسیار سرد بود - که ما می خوانیم و می شنویم که عده ای موقع قرائت قرآن
کریم جلوی شان آفاق باز می شود و غیب و اسرار برای آنها تجلی می کند... و در
!حالی که ما قرآن می خوانیم و چنین اثری نمی بینیم؟

مرحوم قاضی مدت کوتاهی به چهره من نظر کرد سپس فرمود: بلی! آنها قرآن کریم را تلاوت می کنند و با شرائط ویژه، رو به قبله می ایستند... سرشان پوشیده نیست، کلام الله را با هر دو دستشان بلند می کنند، و با تمام وجودشان به آنچه تلاوت می کنند توجه دارند و می فهمند جلوی چه کسی ایستاده اند. اما تو قرآن را قرائت می کنی در حالی که تاجانه ات زیر کرسی رفته ای؟! و قرآن را روی زمین می گذاری در آن می نگری ...؟

آیت الله شیخ محمد تقی آملی می فرمود: بله، من همین طور قرآن می خواندم و زیاد به قرائت آن می پرداختم، مثل اینکه مرحوم قاضی با من بود و مراقب و ناظر وقت قرائتم بوده است. بعد از این ماجرا با تمام وجودم به سویش شتافتم و ملازم جلسه هایش شدم

شفای بیمار صرع با یک ایه

علامه امینی میگه یک مجلسی بودن همه از مخالفین منم وارد شدم اصلاً برای من ارزش قائل نبودند من همون آخر نشست یه دفعه یه بچه ای آمد هی به من نگاه می کرد. می گفت آیا تو همونی به زبان عربی گفتم کی گفت یه آقای هست مادرم مرض صرع داره یه آقای هست یه دعایی نوشته برای مادرم. مادرم گذاشته به رو سریش خوب شده ولی حالا دعا رو گم کردیم تو همون هستی؟ گفتم منم

دعا می نویسم فوری یه کاغذ درآوردم یه آیه از قرآن نوشتم گفتم اینو بذار رو
رو سری مادرت رفت بعد آمد گفتم مادرم خوب شد تا اهل مجلس فهمیدن که
ما. یه چیزی نوشتیم و خانم شفا پیدا کرد همه بلند شدن احترام کردن گفتن آقا
باید بیاد صندلی اول بشینید

آیات قرآن، شفا دهنده است خودش می فرماید: **و نزل من القرآن ما هو شفاء و
رحمة**

قرآن مریضی رو شفا میدهد

«خلاصه میکنم» معجزه شد برام حتما بخونین

سر درسا حملات عصبی من شروع شد

حمله ی عصبی پشت سر هم ،حتی بابام خونه نبود با همسایه مون ساعت ۳ میرفتم
بیمارستان

هر شب بیمارستان

قلبم به مشکل برخورد تپش قلبم هر ثانیه و هر لحظه خیلی نامنظم بود

بعد چند روز دمای بدنم به ۳۱-۳۰ درجه رسید

خیلی موقع ها بدنم سبک میشد احساس میکردم روحم از بدنم خارج میشه همه
جارو سفید میدیدم

انگار بایه رشته هایی روحم به بدنم وصل شده بود

بدنم سبک میشد

انگار بیه بخار یا به قول خودمون دود رو از بدنم خارج میکردن و احساس سبکی
میکردم درد هارو حس نمی کردم

گذشت چند بار حس کردم که مردم

(تا دم مرگ رفتم بعد ها فهمیدم روحم هم از بدنم خارج میشه)

..اربعین بود کل خانواده و فامیل بلیط گرفته بودن ولی

بلیط من کنسل میشد چون حالم بد بود دکترا جواب نمیدادن

ولی روز آخر یادیه خانمی توی این سایت افتادم

که گفته بود برو سوره ی واقعه رو بخون هدیه کن به شهید ابراهیم هادی و شهید

سامانلو و سردار سلیمانی و تمامی شهدا

من بعد سالها لای قرآن رو باز کردم و شروع به خواندن سوره ی واقعه کردم

در کمال ناباوری در حد راه رفتن خوب شدم

گفتم منم میام کربلا

گفتن حالت بده اونجا غریبه هستیم بیمارستانی رو نمیشناسیم

گفتم من میام و شروع کردم به جمع کردن چمدانم

بهشت بود خدای من

رفتم حرم امام حسین گفتم منو دست خالی برنگردون

من خیلی تلاش کردم زنده بمونم پیام حرمت

می دونم الان حمله عصبی من شروع میشه من توی عراق غریبه ام نمی دونم
بیمارستان کجاست

فقط به خاطر تو اومدم

اومدم تا شفا بمدی

شب توی موکب با استرس اینکه صبح حمله ی عصبیم شروع میشه خوابیدم صبح
پاشدم

باورم نمیشد نه تنها حمله ی عصبی نداشتم قلبم و تنفس ام هم خوب شده بود
دمای بدنم هم ۳۸ درجه شده بود

الان سالها میگذره من هنوز که هنوز حمله عصبی ندارم

معجزه شد

هنوزم باورم نمیشه

و اونجا بود که من ایمان قلبی به امام حسین و قرآن و شهدا آوردم

فقط خواستم بگم اگه توی دلت حاجتی داری

فقط آرزو میکنم بری کربلا

♥ چون امام حسین معجزه می کنه برات

قران مرده رو زنده می کنه اگر خدا بخواد

نقل است: تعدادی از دوستان ورفقای خاص آقا شیخ مرتضی زاهد که به ایشان نزدیک و محرم بودند و آقا شیخ مرتضی بسیاری از حرف ها را به راحتی می توانست به آن ها بگوید نقل می کنند

دور ایشان جمع بودیم که نگاه آقا شیخ مرتضی زاهد به مورچه ای بی جان افتاد. لحظاتی در فکر فرو رفت و سپس رو به ما کرد و گفت: می گویند این دانشمندی جدید همه چیز را براساس آزمایش و امتحان، قبول یا رد می کنند همه حاضران به خوبی فهمیده بودیم که ایشان از گفتن این جملات منظوری دارند.

آقا شیخ مرتضی نگاهش را به آن مورچه متمرکز کرد

نگاه حاضران نیز به آن مورچه ی بی جان معطوف شد. آقا شیخ مرتضی آن مورچه ی بی جان را برداشت و آن را دو نیم کرد

همه از این عمل شگفت زده شدیم! اگر چه آن مورچه، جان در بدن نداشت، اما انجام چنین عملی از ایشان بعید بود

آقا شیخ مرتضی به گونه ای بود که هر کاری می کرد فقط و فقط برای خدا می کرد و کار بیهوده از او سر نمی زد، مردی که حتی نفس کشیدن ها و پلک زدن های او نیز نشانه های فراوانی از اخلاص داشت

آقا شیخ مرتضی زاهد، هر دو نیمه ی مورچه را با مقداری فاصله بر روی زمین گذاشت، سپس سرش را بالا آورد و گفت: می گویند این دانشمندان جدید همه چیز را باید آزمایش و امتحان کنند...، پس بیاید ما هم یک آزمایش کنیم

:درحالی که به آن مورچه ی دونیم شده نگاه می کرد، ادامه داد

در روایات آمده است اگر بر مرده ای هفتاد مرتبه، سوره حمد را قرائت «
کردید، اگر دیدید آن جنازه، جان پیدا کرد و زنده شد، زیاد تعجب نکنید! پس
». «بیاید ما هم این مطلب و این حمدهای خود را امتحان و آزمایش کنیم

. آقا شیخ مرتضی زاهد شروع به خواندن سوره حمد کرد

چند بار سوره حمد قرائت شد، معلوم نشد، ولی پس از لحظات و دقایقی همه حاضران با چشمان شگفت زده مشاهده کردند که هر دونیمه مورچه، تکان تکان خوردند و به هم نزدیک شدند و به هم چسبیدند و سپس مورچه ای کامل و سالم جان گرفت و به راه افتاد !! کتاب اقا شیخ مرتضی / 42

. قرآن درباره آصف بن برخیا میگه. میگه ایشان یه مقدار از قرآن بلد بود

حضرت سلیمان گفت کی می تونه تخت بلقیسو از یمن برای من در سریع ترین زمان تخت پادشاهیشو بیاره اینجا که من هستم یعنی بیاره فلسطین. یه جنی گفت به اندازه ای که بلند شی و بشینی من میتونم

سلیمان نبی گفت از این زودتر می خوام آصف بن برخیا که مقداری از قرآن بلد بود گفت من در یه چشم به هم زدن میارمش. شما چشم ببند باز کن

آقا خیلی عجیبه تخت از تو آسمان ها هم که آمده باشه چقدر سریع بوده.

حضرت سلیمان چشماشو بست باز کرد دید تخت بلقیس اینجااست

سوال پیش میاد این تخت در فاصله یمن تا فلسطین از کجا رد شده بالاخره سر

راهش درختی دیواری خانه ای ساختمانی خود کاخ سلیمان دیوار داشته شیشه

داشته در داشته از کجا این تخت امد؟

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ ۚ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ۚ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌ كَرِيمٌ

کسی که دانشی از کتاب [لوح محفوظ] نزد او بود گفت: من آن را پیش از آنکه پلک دیده ات به هم بخورد، نزد تو می آورم. [و آن را در همان لحظه آورد]. پس هنگامی که سلیمان تخت را نزد خود پابرجا دید، گفت: این از فضل و احسان پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاس گزارم یا بنده ای ناسپاسم؟ و هر کس که سپاس گزاری کند، به سود خود سپاس گزاری می کند و هر کس ناسپاسی ورزد، [زیانی به خدا نمی رساند]؛ زیرا پروردگارم بی نیاز و کریم است.

(اگر سوال شود زمان سلیمان که هنوز قرآن نبوده جواب می دهیم قرآن کریم از کتب پیامبران قبل هم دران وجود دارد از تورات و انجیل و صحف ابراهیم و...) تمام آیات قرآن شفا هستند

هم شفای مادی هم شفای معنوی

نقل است عده ای از مردم آمدن پیش آیت الله بید ابادی ایشون هم صاحب کرامات بودند گفتن آقا مدتی بارون نیومده ایشون کاغذی نوشت گفت اینو

برید بذارید تو صحرا همین کارو کردند بارون اومد . چشمه‌ای خشک شده بود
چشمه باز شد

باز نقل است که :

سید مرتضی علم الهدی یه شاگردی داشت همیشه از اونور شط بغداد می آمد
بغدادم یه پلی داشت بهش می گفتن **جسر بغداد** .شب که می شد پل رو
برمی داشتند. چون می گفتن راهزنان نیان تو بغداد صبح دوباره پلو می داشتن این
طلبه گاهی که می آمد هنوز پل رو نداشته بودند.هی منتظر میموند تا این پلو
بذارن بیان وقت میومد می دید درس تمام شده!

به استادش آیت الله سید مرتضی گفت اگر میشه شما درسو دیر بگوتا منم برسم.
استاد گفت . همون سر وقت میگم ولی من یه چیزی می نویسم تو کاغذ .این
همراحت باشه هر موقع آمدی دیدی پلو نداشتن پاتو بذار تو آب بیا
خلاصه یه دفعه این شاگرد آمد دید پولو نداشتند پاشو گذاشت تو اب و راحت
از رودخانه گذشت و به درس رسید. چند بار که این معجزه رو دید شیطان

وسوسه‌اش کرد بینه استاد چی نوشته تو این کاغذ رو باز کرد دید نوشته بسم الله الرحمن الرحيم

باز نقل است که پادشاه روم سردرد داشت هرچی پزشکا تلاش کردن نتونستن درمانش کنند شاه روم به حاکم شام که معاویه بود نامه نوشت که اگر شما پزشک خوبی دارید بفرستید منو درمان کنه. معاویه نامه نوشت به حضرت علی که آقا این پادشاه روم از ما درخواست کمک کرده آبروی اسلام در خطره حضرت علی کلاهی فرستاد گفت بهش بگو کلاه رو بذار سرش سردردش خوب میشه! پادشاه روم وقتی کلاه بدستش رسید سرش گذاشت. سردرد رفت کلاه رو برداشت سردرد آمد

گفت یک چاقو بیارید کلاه رو بشکافید وقتی شکافتند دیدند کاغذی تو کلاه هست توش بسم الله الرحمن الرحيم نوشته...

روایتی وقتی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) مریض می‌شدن پیامبر (ص) یه لیوان آب می‌آورد چند بار سوره حمد روی اب می‌خواندند و می‌پاشید رو صورت این دو سرور جوانان بهشت. اونها خوب میشدند. چند بار سوره حمد و می‌خوند سوره ناسو می‌خوند سوره فلق می‌خوند خوب میشدند

تلاوت قرآن در ماه مبارک رمضان ویژه است. هر آیه‌ای در ماه مبارک رمضان معادل یه ختم قرآنه. شما می‌گید مثلاً بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد يه ختم قرآن براتون نوشته شد. الله صمد يه ختم قرآن. لم يلد ولم يولد. يك ختم قرآن. ولم يكن له كفوا احد. يك ختم قرآن. اين همه ثواب خدا در اين ماه مبارك ريخته.

قرآن در ماه مبارك رمضان نازل شده البته قرآن دو جور نازل شده يك بار تمام قرآن در شب قدر بر پيامبر نازل شد و يك دفعه به صورت تنزيلي تدريجي ۲۳ سال طول كشيد تا آيات قرآن به مناسبت هاي مختلف بر پيامبر خدا نازل شد پس قرآن دو جور نزول داشته يكي نزول تدريجي داشته. يكي نزول دفعي يك دفعه بر پيامبر خدا نازل شده اما پيامبر خدا گاهي اوقات به عبدالله بن مسعود مي فرمود شما برايم قرآن بخوان

يكي از ياران پيامبر كه خيلي به اسلام خدمت كرد و قرآن هم تقريباً به وسيله ايشون جمع آوري شد **عبدالله بن مسعود بوده**

نقل است یه روز که هنوز اسلام قوت نگرفته بود این عبدالله مسعود به مسلمونا گفت می‌خوام برم برای این مشرکین قرآن بخونم! گفتند آقا کتکت می‌زنن گفت باشه من نمی‌ترسم رفت شروع کرد چند آیه قرآن که خواند مشرکین ریختن سرش اینقدر این عبدالله رو زدن. چه شجاعتی داشته مثل این می‌ماند که کسی بره تو کنگره آمریکا اونجا شروع کنه علیه آمریکا صحبت کردن و آیات قرآن و سوره برائت رو براشون بخوانه

نقل است یکی از علمای شیعه بنام محمد حسین کاشف الغطاء در یکی از شهرهای اروپایی میره کلیسا می‌گه اجازه است من چند دقیقه صحبت کنم می‌گن بفرما میاد می‌گه که آقا شما از یک طرف می‌گید خدا واحد است از یک طرف می‌گید پدر پسر. روح القدس یکی درسته یا سه تا درسته؟ می‌گید عیسی پسر خداست از یه طرف می‌گید خود خداست

می‌گفت شب بود مسولین کلیسا برق‌ها رو به یه بهانه‌ای قطع کردن و ریختن سر این عالم بیچاره کتکش زدند!

یه روز آقا رسول الله به عبدالله ابن مسعود فرمود برای من قرآن بخون. عبدالله تعجب کرد گفتش که یا رسول الله من برای شما قرآن بخوانم؟ قرآن بر شما

نازل شده پیامبر فرمود دوست دارم از زبان تو بشنوم. عبدالله مسعود میگه من هم آیاتی را خواندم ناگهان اشک‌های پیامبر سرازیر شد

اری این قرآن باید اینجوری خوانده بشه با گریه با حزن با اندوه که اثر بکنه و الا اگه لق لق زبان باشه شاید قرآن اثری بر روی انسان نداشته باشه

و گاهی قاری قرآن ادم بدی است که وقتی قرآن میخونه در این موقع قرآن لعنش می کنه

چه بسا کسی داره قرآن می خونه قرآن لعنتش می کنه

نقل است یکی از علما میگه من مدتی بود ریاضت می کشیدم همه روزها روزه می گرفتم افطار غذای چرب نمی خوردم یه نان پنیری نان پیازی. گفت یواش یواش یه حالت‌های معنوی برام پیش آمد یه قبرستانی دارداصفهان بنام قبرستان تخته فولاد بعضی بزرگان مانند حضرت یوشع نبی همچنین پدر علامه مجلسی اونجا دفند.

این عالم بنام **سید جمال الدین گلپایگانی** میگه من تو یکی از حجره‌های اون قبرستان مشغول همین ریاضت بودم ذکر می گفتم. یکشب وقت افطار یه دفعه دیدم یه جنازه آوردن که دفن کنن تو اون حجره. بعد اون فامیل‌های جنازه به

یک نفر قاری قرآن پول دادن گفتن که برای این میت تا صبح قرآن بخون ما صبح میایم دفش می کنیم این قاری قرآنم شروع کرد برای این جنازه قرآن خواندن گفت یک دفعه دیدم چشم برزخی دارم ملائکه عذاب آمدند قاری به هر آیه قرآن می رسید مثلاً به آیه نماز. این میت رو کتکش می زدند و می گفتند چرا نماز نخوندی! قاری می رسید به آیه زکات اینو کتک می زدند می گفتن چرا زکات ندادی به هر آیه ای خلاصه قاری می رسید ملائکه عذاب اونو می زدند و سوال می کردند که چرا به این ایه قرآن عمل نکردی؟

اینکه قرآن بعضی افراد رو لعنت می کنه چون انها خلاف قرآن عمل کردند. یکی از اونها تیمور لنگه

مثلاً این تیمور لنگ که اینهمه از مردم کشت قرآن رو از اول به آخر می خوند وهم از آخر به اول میخوند! ولی چون ظالم بوده قرآن خواندن براش هدایت نبوده بلکه قرآن خواندن ضررش رو بیشتر میکرده چون قرآن میگه **ولا یزید الظالمین** **الا خسارا** یعنی خواندن قرآن برای ظالمین خسارت و ضرر است دیگه براش هدایت نیست. مثلاً صدام هم شاید قرآن می خوند یزیدم می خوانده معاویه هم می خوانده ولی قرآن برای ایناهدایت نشده

روزی ولید بن یزید بن عبد الملک حاکم جبار اموی برای پیش بینی آینده اش به قرآن تفأل زد، اتفاقاً این آیه آمد: «وَأَسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ: پیامبران از خدا یاری خواستند و هر زورگوی لجوجی ناکام می شد» عصبانی شد، قرآنی را که در دستش بود پاره کرد و این اشعار را سرود

أَتُوْعَدُ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ؟ فَهَآ أَنَا ذَاكَ جَبَّارٍ عَنِيدٍ
إِذَا مَا جِئْتَ رَبِّكَ يَوْمَ حَشْرِ قُلُوبٍ يَا رَبِّ مَزَّقْنِي الْوَلِيدِ

آیا هر جبار عنید را تهدید می کنی؟ من نیز همان جبار عنیدم. چون «
پروردگارت را روز رستاخیز ملاقات کردی، بگو: خداوندا، ولید مرا پاره پاره
کرد».

اما چیزی نگذشت که به وسیله دشمنانش به بدترین صورتی کشته شد و سرش را
بریدند، ابتدا بر بام قصرش و سپس از آنجا برداشته بر دروازه شهر آویختند.
(تفسیر قرطبی)

گاهی ظالمین خودشان قرآن چاپ می کردند! در حالی که قرآن ظالمین را لعنت
کرده و گفته:

الا لعنه الله على القوم الظالمين

شاه ایران در زمان طاغوت هم قرآن چاپ کرد به نام قرآن سلطانی برای علما می‌فرستاد قرآن قشنگی بود خط قشنگی هم داشت اما علما ناراحت بودند چرا ادم ظالمی مانند شاه قرآن چاپ کرده!

چون شاه اعتقادی به قرآن نداشت. شاهی که ضد قرآن بود قرآن چاپ می‌کرد! یا مثل همین بن سلمان در عربستان که اعتقادی به اسلام نداره می‌گه با آمریکا یکی هستیم آمریکا که عدو و دشمن اسلام است. قرآن می‌فرماید لا تتخذوا عدوکم اولیاء دشمنان را دوست نگیرید. تو بن سلمان اومدی دشمنو دوست گرفتی و دوست رو دشمن گرفتی.

قرآن در خیلی موارد باعث بیداری افراد غفلت زده میشود. افرادی هستند در خواب غفلتند ولی گاه با آیات قرآن از خواب بیدار میشوند...

نقل است اردوی دخترهای دبیرستانی در یه شهری برگزار شده بود. در اردوگاه دخترها دو دسته شده بودند یک دسته دخترهای مومن و نمازی. کم بودن اینها متأسفانه. یک دستم دخترهای بی‌نماز و دخترای بی‌حجاب و دخترای بد. یکی از این دخترای بد مرتب می‌ومد این گروه دخترهای اقلیت مومن رو مسخره می‌کرد

تا اینکه خبر به مربی رسید مربی اون دختر خاص رو خواست و چیزی تو گوشش گفت دختر رفت و دیگه از اون به بعد ندیدن این بیاد مسخره کنه کنجکاو بودن چی گفت مربی تو گوش این. که خیلی اثر کرد. یه روز ازش سوال کردند دختر تو که خیلی میومدی مسخره می کردی مرتب. چی شد چی بهت گفت مربی خیلی معلومه یه حرف مهمی بوده؟ گفت مربی به من گفتش که آیات آخر سوره مطفین رو بخوان درباره تو و امثال تو نازل شده رفتم این آیات رو خوندم دیدم قران میگه:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ

بدکاران همواره [در دنیا از روی ریشخند و استهزا] به مؤمنان می خندیدند

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ

و هنگامی که بر آنان می گذشتند آنان را با اشاره چشم و ابرو به مسخره می گرفتند،

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ

و چون به خانواده خود باز می گشتند [به سبب تمسخر مؤمنان] خوشحال و شادمان باز می گشتند،

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ

و هنگامی که مؤمنان را می دیدند، می گفتند: بی تردید اینان گمراه اند؛

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ

پس امروز همواره مؤمنان به کافران می خندند

کافران از کنار مومنین که رد میشن با چشم و ابرو مسخره می کردند

می گفتن اینها اُمْل هستند! اینا عقب مانده اند! ولی ما پیشرفت کردیم بی حجابی
پیشرفته تمدنه! اینا که حجاب دارن عقب مانده اند. بعد می فرماید که اما روز
قیامت که می شود برعکس می شه مومنین کافرا رو مسخره می کنند مثلاً در
بهشت رو باز می کنند کفار میاند برند بهشت تا میان. در بهشت بسته میشه و کفار
مسخره میشند و مومنین می خندن و به کفار میگند یاد تونه تو دنیا ما را مسخره
می کردید که فلانی نماز خونه فلانی با حجاب امله!

ما یکروز رفتیم در یک نانوائی سه بار این. شاگردش صلوات میداد ظاهراً از
روی مسخرگی

این آیه قرآن چقدر به درد این مسئله می خوره اگه کسی ما را مسخره کرد آخر
سوره مطفین رو بخونه شاید عبرت بگیره

تعجب جهانگرد....

قرآن باید ازش در همه ارکان اجتماع استفاده بشه نه اینکه فقط در قبرستان و
سرسره عقد و هنگام افتتاح ساختمانی و....

میگند که یک کسی که جهانگرد بود آمد ایران شهرها رو می گشت یه روز رفت قبرستانی. با مترجم رفت دید یه نفر سر قبر داره یه کتابی می خونه از مترجم پرسید این داره چی می خونه؟ گت داره قرآن می خونه. گفت بین الان داره چه ایاتی میخونه؟ گوش داد گفت داره سوره مطفین رو می خونه

بسم الله الرحمن الرحيم وای بر کم فروشان اونایی که وقتی که کالا رو می فروشند کم میدن و وقتی می خرنند زیاد می گیرند این جهانگرد تعجب کرد گفت آقا. در شهر شما مرده ها خرید و فروش با هم دارند که این رفته سر قبر میگه وای بر کم فروش ها؟ این وای بر کم فروش ها رو باید برند تو بازار بخونن نه سر قبر مرده تا شاید بازاری ها دست از کم فروشی بردارند!

یه آقایی بود میگفت فلانی من استادی داشتم شیرفروش بود سه تا پیمانه یک لیتری داشت یکی واقعا یه لیتر بود یه یکی روش نوشته بود یه لیتر ولی بزرگتر از یه لیتر بود یکی هم نوشته بود یه لیتر ولی کمتر بود.

. وقتی می خواست شیر از تولید کننده بگیره با او ظرفی که بیشتر از یه لیتر بود می گرفت! وقتی می خواست به مردم بفروشه با اونایی که کمتر بود می فروخت وقتی هم که بازرسی می آمد اونایی که درست بود واقعا یک لیتر بود بش نشون میداد!

ما می توانیم از قران برای اثبات ولایت و امامت استفاده کنیم اگر با قران مانوس

باشیم

نقل است:

حُرَّه خواهر رضاعی نبی اکرم (ص)، دختر حلیمه سعدیه، روزی به کاخ حکومتی حجاج بن یوسف ثقفی وارد شد. حجاج در جنایت و خونریزی و ظلم به شیعیان و سادات شهره خاص و عام است

حجاج از طرز ورود و بی اعتنایی او به دستگاه حکومتش دانست که این زن یک بانوی عادی نیست بلکه از متانت و عظمت روحی فوق العاده ای برخوردار است، پس از اندکی تأمل پرسید: حُرَّه دختر حلیمه تویی؟

در پاسخ گفت: فَرَّاسَةٌ مِنْ غَیْرِ مُؤْمِنٍ یَعْنِیْ اِیْ غَیْرِ مُؤْمِنٍ، درست فهمیدی

اعتقاد حره درباره امام علی (ع)

حجاج گفت: مِنْ مَدَّتْ هَاسِتْ دَرِ اَنْتِظَارِ دِیدارِ توام، به من گفته اند که عقیده تو این است که علی افضل اصحاب پیغمبر است

حرّه گفت: به شما دروغ گفته‌اند چرا که عقیده من درباره امیرالمؤمنین علی (ع) بیش از آن است که تنها او را بر اصحاب ترجیح دهم

حجاج گفت: مقصود خود را واضح تر بگو. افضل از اصحاب پیغمبر چه کسانی هستند؟

....گفت: کسان بسیاری مانند: آدم و نوح و ابراهیم و داوود و سلیمان و

حجاج گفت: وای بر تو که اکتفا نکردی که علی را افضل اصحاب بدانم بلکه او را در ردیف انبیاء نام بردی! زود باش و دلیل خود را بر این مدّعا بگو و اگر دلیل واضح و برهان قاطعی بر این ادعا نیآوری تو را خواهم کشت

افضلیت امام علی (ع) در قرآن

حرّه گفت: این فضیلت را خداوند در قرآن به امیرالمؤمنین علی داده است و آن به این شرح است

افضلیت امام بر حضرت آدم (ع)

خداوند در قرآن مجید درباره آدم گوید: وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (و آدم نافرمانی خدای کرد و گمراه شد) (1).

ولی درباره علی (ع) گوید: وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا، (و سعی و تلاش شما مورد
(2) قدردانی است)

آدم از همه نعمت‌های بهشتی مستفید بود و در بهره‌برداری از تمام نعمات آزاد
بود و تنها از درخت گندم ممنوع بود که فرمود: وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ، (نزدیک
(3) این درخت مشوید)

ولی آدم (ع) یکسر به سراغ گندم رفت و از گندم خورد و علی (ع) منعی از گندم
نداشت و همه نعمت‌ها بر او حلال و مباح بود ولی با این وجود نان گندم نخورد
افضلیت امام بر حضرت نوح (ع)

حجاج بی‌اختیار گفت: احسنت یا حرّه! اما دلیل تو بر افضل بودن علی از نوح و
لوط چیست؟ حرّه گفت: خداوند در مورد همسر نوح و لوط می‌گوید: خداوند
برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو
تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و
ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت و به آنها
(4) گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند»

ولی علی بن ابی طالب را همسری است که خشنودی او خشنودی خدا و خشم او خشم خداست، اگر فاطمه از کسی راضی نباشد خداوند از او راضی نشود.

افضلیت امام بر حضرت ابراهیم (ع)

حجاج گفت: احسنت یا حرّه! اما بگو بدانم دلیل برتر بودن علی از ابراهیم چه خواهد بود؟

حرّه گفت: خداوند در قرآن مجید از قول ابراهیم (ع) حکایت کرد: «خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده ای؟!»
(5) «عرض کرد: «آری، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد

اما حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره جمله ای فرموده است که دوست و دشمن و خویش و بیگانه این سخن را از او نقل کرده اند و همگی شهادت به صحت آن داده اند. فرمود: لَوْ كُشِفَ الْغَطَاءُ مَا أَزْدَدْتُ يَقِينًا، اگر پرده ها از جلوی چشمانم کنار رود ذره ای بر یقینم افزوده نشود. (6 و 7)

افضلیت امام بر حضرت موسی (ع)

حجاج گفت: احسنت یا حرّه! اما دلیل تو بر افضل بودن علی از موسی چیست؟

حرّه گفت: حضرت موسی(ع) وقتی که در دفاع از مظلوم، یکی از یاران فرعون را کشت و به او خبر دادند که طرفداران فرعون می خواهند تو را به قتل برسانند، در حالی که می ترسید، از مصر خارج شد و به سوی مدین رفت.(8) اما علی در لیلۀ المبیت در بستر پیغمبر خوابید و جان خود را بی تشویش فدای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) کرد به طوری که خداوند بر علی نزد فرشتگان مباحات کرد و در شأن او فرمود: و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا (9). می فروشد

افضلیت امام بر حضرت سلیمان(ع)

حجاج گفت: احسنت یا حرّه! اما دلیل تفضیل علی بر حضرت سلیمان چیست؟ گفت: سخن سلیمان در قرآن این است که: پرورد گارا! مرا ببخش و حکومتی به (10). من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد

ولی علی مرتضی گوید: لَا حَانَ حَيْنُكَ! هَيْهَاتِ! غُرِّي غَيْرِي لَا حَاجَةَ لِي فَيْكَ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا رَجَعَهُ فِيهَا، ای دنیا از من دور شو و سراغ من میا، چرا که من تو را (11). سه طلاقه کرده ام و لذا رجوعی از من بر تو نیست

حجاج که انگشت تعجب به دندان گزیده بود گفت: احسنت یا حرّه! به خدا قسم که در دفاعیات تو کوچک‌ترین خدش‌ای وارد نیست. آنگاه او را اکرام کرد و جایزه داد.

بحار الانوار، ج ۴۶، صص ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ *

از: ویکی فقه

۱. طه، آیه ۱۲۱.

۲. بقره، آیه ۳۵.

۳. انسان، آیه ۲۲.

۴. تحریم، آیه ۱۰.

۵. بقره، آیه ۲۶۰.

۷. نهج البلاغه؛ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۶۱۴۲

۸. قصص، آیه ۱۲۱.

۹. بقره، آیه ۲۰۷.

ص، آیه ۳۵. 10.

نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۲۸، حکمت ۷۷. 11.

داستان کربلایی کاظم ساروقی

این آقای کربلای کاظم که بعدا معروف شده به **معجزه قران** یه جوانی بود. ۱۵
۱۶ ساله ۲۰ ساله بی سواد بی سواد بی سواد تو روستا زندگی می کرد روحانی آمد
تبلیغ محرم رفت سر منبر. کاظم هم رفته بود مسجد. اون روحانی گفت ای مردم
هر کی زکات نده نمازش قبول نیست

کاظم آمد خانه به پدرش گفت بابا زکات میدی گفت نه تو کاری به این کار ا
نداشته باش. کاظم گفت بابا پس من دیگه سر سفره تو غذا نمی خورم یه زمینی
به من بده خودم کشت می کنم خودم برداشت می کنم از همون زکات میدم از
همون میخورم پدرش گفت باشه فلان زمینم مال تو فردا دیگه برو زمین مال تو
هست!

کاظم هر سال کشت میکرد بعد برداشت اول ز کاتش رو می داد بعد استفاده می کرد. یکروز با خان مواجه شد از خان سوال کرد جناب خان شما زکات میدی گفت نه کاظم گفت چرا نمیدی گفت تو چه کاره ای به من میگی تو کی هستی گفت من نمیگم قرآن میگه

در هر حال کاظم مقید بود هر سال ز کاتش رو بده. او قبل اینکه گندم رو از زمین بیاره خانه اش می گفت فقرا بیایید. اونها می آمدند و ایشان سهمشونو می داد می گفت حالا ببرمش بقیه رو خانه

یه روز داشت میرفت خانه. دید دوتا سید روحانی جوان آمدن گفتن کاظم یه امامزاده اینجا هست بیا با هم بریم امامزاده. با هم رفتن کاظم گفت همین داخل امامزاده شدیم دیدیم یکی از این سیدا دور این ضریح می گرده یکی اومد جلو من وایساد دست گذاشت رو سینم سوره حمد و خوند. من یه دفعه من بیهوش شدم شب تا صبح این تو امامزاده بیهوش بود. خانواده اش هرچی گشتن نمی دونستن امامزاده است پیداش نکردند

کاظم گفت صبح از خواب بلند شدم این دور امامزاده آیات قرآن بود. دیدم منکه سواد ندارم می تونم آیات قران رو بخونم **ان ربکم الذی خلق السماوات و الارض فی سته ایام** خدای شما آسمان و زمین رو در شش روز خلق کرد

گفت قرآنی آوردم دیدم تمام قرآنو بلدم بخونم. همه مردم اونجا این قضیه رو فهمیدند بعد خبر رسید به آیت الله مرعشی نجفی دعوتش کرد قم اول رمضان گفت آقای کاظم شما یک ماه مهمان منی یه روز شما یه جزء بخون من با این قرآن تطبیق کنم بینم میگند قرآن تحریف شده کم و زیاد شده راسته یا نه. یه روز من از این می خونم تو با او قرآن تو سنت تطبیق بده یک ماه این کارو کردم بعد از ماه رمضان آیت الله مرعشی نجفی فرمود من شهادت می دهم که یک حرف از قرآن کم و زیاد نشده همه این قرآن که تو سینه تو خدا قرار داده با این قران هایی که دست مردم است یکیه

کاظم این توانایی را داشت که هم از اول به آخر قران می خوند هم از آخر. علما دیگه اومدن امتحانش کنن آمدن یه صفحه آوردن کاغذ. دو کلمه عربی الکی نوشتند دو کلمه قرآن گفتند بگو بینم کدام قرآنه کدام قرآن نیست کاظم می گفت این قرآن این نیست گفتند تو که سواد نداری از کجا می فهمی گفت آیات قرآن همه نور دارد از اون نورش من می فهمم این قرآنه....

علمای نجف دعوتش کردند و انجا ازش امتحان گرفتند دیدند صحت دارد و ایشان با معجزه الهی قران را کاملاً درست قراادت می کند و انجا شد کربلایی کاظم...

سوال چرا ما نمی‌بینیم این نوری که کربلایی کاظم در آیات قران می‌دید؟.
جوابش اینه چون که حجاب‌های دنیا ما را گرفته عشق به زن و بچه عشق به دنیا
حرام خوری خمس ندادن زکات ندادن حسادت‌ها حرص‌ها ارث‌خوری‌ها اینا
جلو ما را گرفته نمیداره نور قران رو ببینیم

تفسیر به رای ممنوع!

یکی از مسائل بسیار مهم درباره قرآن، تفسیر به رای کرده.
بعضی متاسفانه افراد هستند قران رو طبق رای و نظر خودشون تفسیر می‌کنند!
در روایات آمده تفسیر به رای کردن حرامه قرآن را باید بدید اهلش تفسیربکنند
مثلا یه بنده خدایی می‌گفتش که قرآن گفته هفت تا دانه زیتون و یه دونه انجیر
بخورید برای یبوست خوبه! گفتم کجای قرآن گفته کدام آیه است بعد از یه
ساعت گفت جون تو قرآن ۷ بار از زیتون صحبت شده یک بار از انجیر. من
برداشتم این بوده که هفت تا دانه زیتون و یه دونه انجیر بخورید!
باید گفت تفسیر به رای نکنید خیلی خطرناکه تفسیر به رای

خوارج تفسیر به رای می کردند. ایه لا حُکْمَ إِلَّا لِلَّهِ (هیچ حکمی جز حکم خداوند نیست) شعار خوارج در اعتراض به حُکْمیت در جنگ صفین بود. خوارج با این شعار در مرحله اول مخالفت خود را با داوری انسان‌ها اعلام کرده و حکمیت ابوموسی اشعری و عمرو عاص را که از طرف امام علی (ع) و معاویه به عنوان حُکْم انتخاب شده بودند را نپذیرفتند و گفتند که حکومت تنها از آن خداست و هیچ کس حق حکومت ندارد.

امام علی (ع)، این شعار را سخن حقی دانست که از آن معنای باطلی اراده شده است. او وجود فرمانروا را چه نیکوکار و چه تبه‌کار برای اداره جامعه لازم شمرد.

این شعار برای خوارج بعد از جنگ نهروان نیز ادامه داشت و به عنوان یکی از اصول اعتقادی آنها شناخته شده و در قیام‌های بعدی آنها نیز به کار رفت. و با همین تفسیر به رای آیه مذکور امیرالمومنین روگشتند...

یا اینکه گروه فرقان اول انقلاب آیه‌ای است در سوره توبه **فقاتلوا ائمه**
الکفر.. سران کفر را بکشید

سران کفر را بکشید. گروه فرقان می گفتند سران کفر یکی مطهریه که از سران کفره. از جمله سران کفر رو مفتح میدونستند و اینهارو شهید کردند این نتیجه تفسیر به رای است

در حالی که در واقع سران امریکا و اسرائیل و جزو سران کفرند نه شهید مطهری که آزارش به یه مورچه‌ای هم نرسیده همه عمرشو صرف هدایت مردم کرده الانم کتابهاش به زبان‌های مختلف باعث هدایت خیلی ها شده لذا حدیث می فرماید هر کسی که تفسیر به رای بکند به خدا دروغ بسته و حتی در روایت داریم کافر هست کافر شده به خدا.

باید برای تفسیر به مفسرین مراجعه کنیم همیشه خودمان با رای خودمان قران را تفسیر کنیم

مثلا ما در احکام شرعی باید به رساله مرجع تقلید مراجعه کنیم. مثلا درسته قران گفته که زن‌هایی که پیر هستند نگاه کردن به موهای سرشون اشکال نداره

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ ۖ وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و بر زنان از کار افتاده ای که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند، در صورتی که با زیور و آرایش خویش قصد خودآرایی نداشته باشند. و پاکدامنی برای آنان بهتر است؛ و خدا شنوا و داناست.

ولی ما نمی‌تونیم به این آیه عمل کنیم باید ببینیم رساله مرجع مون چی گفته چرا چون قرآن عام داره خاص داره مطلق داره. قرآن ناسخ داره منسوخ داره یه آیه یه زمانی بوده بعد نسخ شده خدا گفته دیگه این آیه بهش عمل نکنید ما که وارد نیستیم مجتهد وارده مجتهد میره آیات قرآن بررسی می‌کنه و باید مجاهدتها بکنه تا بتواند احکام شرعی را از قران در بیاورد و در اختیار ما بگذارد می‌گند برای آیت الله بروجردی شام آوردن بعد صبح گفتش که دیشب شام نیاوردید گفتند آقا شام کنارته نگاه کرد دید اره شام کنارشه گفت غرق مطالعه بودم هیچ نفهمیدم کی شام آوردید. اینقدر علما زحمت می‌کشیدند تا حکم خدا را از قران و سنت در بیاورند.

این کتاب مقدس در بردارنده تمام احکام، سنت‌ها و نیز مشتمل بر تمام حقایق عالم و به تعبیر قرآن «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» یعنی بیانگر و مبین هرچیز است. در این

بین رسول گرامی اسلام(ص) از سوی خداوند متعال به عنوان مبین و مفسر حقیقی

قرآن به بیان معارف باطنی و احکام آن به مسلمانان پرداخت. پس از وفات رسول

گرامی اسلام(ص) این مأموریت عظیم از سوی حضرت بر عهده اهل بیت(ع)

گزارده شد؛ زیرا دستیابی به اقیانوس معارف قرآن جز از مسیر اهل بیت وحی

ممکن نخواهد بود. بنابراین اهل بیت(ع) معلمان حقیقی قرآن کریم شناخته

می شوند و این مسأله را در طول زندگی پر برکشان بارها در معرض دیگران قرار

دادند. در یکی از مناظرات امام جواد(ع)، گوشه‌ای از این علم بی‌نهایت حضرت

نسبت به معارف و احکام قرآن را می‌خوانیم

امام جواد(ع) حد سارق را از قرآن معین کردند...

زُرْقَان که با ابن ابی دُؤاد(از مخالفان اهل بیت) دوستی و صمیمیت داشت،

می‌گوید: یک روز «ابن ابی دُؤاد» از مجلس معتصم بازگشت، در حالی که

بشدت افسرده و غمگین بود. علت را جویا شدم. گفت: امروز آرزو کردم که

کاش بیست سال پیش مرده بودم! پرسیدم: چرا؟ گفت: به خاطر آنچه از ابو جعفر

!(امام جواد) در مجلس معتصم بر سرم آمد! گفتم: جریان چه بود

گفت: شخصی به سرقت اعتراف کرد و از خلیفه (معتصم) خواست که با اجرای کیفر الهی او را پاک سازد. خلیفه همه فقها را گرد آورد و «محمد بن علی» (حضرت جواد) را نیز فرا خواند و از ما پرسید: دست دزد از کجا باید قطع شود؟ من گفتم: از میچ دست. گفت: دلیل آن چیست؟ گفتم: چون منظور از دست در آیه تیمم: «فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ» صورت و دستهایتان را مسح کنید» تا میچ دست است.

گروهی از فقها در این مطلب با من موافق بودند و می گفتند: دست دزد باید از میچ قطع شود، ولی گروهی دیگر گفتند: لازم است از آرنج قطع شود، و چون معتصم دلیل آن را پرسید، گفتند: منظور از دست در آیه وضو: «فَاغْسِلُوا وُجُوْهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» صورتها و دستهایتان را تا آرنج بشوید» تا آرنج است.

آنگاه معتصم رو به محمد بن علی (امام جواد) کرد و پرسید: نظر شما در این مسئله چیست؟ گفت: اینها نظر دادند، مرا معاف بدار. معتصم اصرار کرد و قسم داد که باید نظرتان را بگویید. محمد بن علی گفت: چون قسم دادی نظرم را می گویم. اینها در اشتباهند، زیرا فقط انگشتان دزد باید قطع شود و بقیه دست باید

باقی بماند. معتصم گفت: به چه دلیل؟ گفت: زیرا رسول خدا(ص) فرمود: سجده بر هفت عضو بدن تحقق می پذیرد: صورت (پیشانی)، دو کف دست، دو سر زانو، و دو پا (دو انگشت بزرگ پا). بنابراین اگر دست دزد از مچ یا آرنج قطع شود، دستی برای او نمی ماند تا سجده نماز را به جا آورد، و نیز خدای متعال می فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»؛ سجده گاه ها (هفت عضوی که سجده بر آنها انجام می گیرد) از آن خداست، پس هیچ کس را همراه با خدا. مخوانید (و عبادت نکنید)» و آنچه برای خداست، قطع نمی شود.

ابن ابی دؤاد» می گوید: معتصم جواب محمد بن علی را پسندید و دستور داد «انگشتان دزد را قطع کردند و ما نزد حضار، بی آبرو شدیم و من همانجا از فرط شرمساری و اندوه آرزوی مرگ کردم. (طبرسی، مجمع البیان، ج 10، ص 372)

پس ما باید در مسائل تفسیر قرآن سراغ مفسرین واقعی بریم کیا مفسر واقعی هستند اهل بیت(ع) مفسرین واقعی هستند و بعد از آنها علمایی که مجتهدند.

زیرا کلام اهل بیت رو چه کسانی می توانند تبیین کنند؟ روشن کنند؟ علامه طباطبایی شیخ طبرسی آیت الله مکارم شیرازی آیت الله خویی اینا تفسیر قرآن

دارند ما ده‌ها تفسیر قرآن داریم باید به این تفاسیر مراجعه کنیم و تفسیر به رای
نماییم.

تدبر در قرآن باعث تحول مثبت میشود...

بعضی از آیات قرآن اگر انسان در آن تدبر کنه. دچار تحول روحی میشه و آدم
بسیار خوبی میشه

چرا مردم مدینه تا صبح گریه کردند

وقتی آیات اول سوره حج نازل شد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، بی تردید زلزله قیامت، واقعه ای بزرگ
(۱). است

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى
النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾

روزی که آن را ببینید [مشاهده خواهید کرد که] هر مادر شیر دهنده ای از
کودکی که شیرش می دهد، بی خبر می شود، و هر ماده بارداری بار خود را
سقط می کند، و مردم را مست می بینی در حالی که مست نیستند، بلکه عذاب
خدا بسیار سخت است

مردم مدینه تا صبح گریه کردند

آری، پیامبر این دو آیه تکان دهنده را بر مردم خواند و صدای گریه مجاهدان
بود که در آن دل شب و آن دشت خسته و سوزان طنین افکند. آن شب مردم
آن قدر گریه کردند و باران اشک از آسمان دیدگان بر دامان خویش فرو باراندند
و ضجه زدند که به یادماندن و بی سابقه بود، و بامداد آن شب به گونه ای از دنیا و
ارزش های مادی دل ها گسسته و به زندگی بی رغبت شده بودند که کسی نه دل
داشت تا زین بر روی مرکب نهد و نه بردارد و نه کسی انگیزه ای برای برافراشتن
خیمه و چادر داشت. بله گروهی در اندوه فرو رفته بودند و گروهی می نگرستند
. و دسته ای دیگر در اندیشه رستاخیز و آن روز هراس انگیز بودند...

نقل است پیامبران و امامان ما وقتی به یاد قیامت می افتادن اشک می ریختن ما هیچ عین خیالمون نیست که قیامتی در کار است. در حالی که **بیش از هزار ایه قران درباره مرگ و قیامته**

توجه به مرگ باعث دوری از گناه میشه...

با اینکه مهم ترین مسئله در زندگی ما مرگ هست ولی اکثر ما بی اهمیت ترین مسئله برامون مسئله مرگه!

علامه طباطبایی حرف بسیار خوبی دارند می فرمایند **با اینکه مهم ترین مسئله در زندگی ما مرگ هست ولی اکثر ما بی اهمیت ترین مسئله برامون مسئله مرگه!** مسائل دیگه برامون خیلی مهمه مرگ دیگه آخرین مسئله است می گیم حالا کی مرده حالا هنوز خیلی مونده خیلی وقت داریم

یامبر اکرم "صلی الله علیه و آله" می فرماید: «لو تعلم البهائم من الموت ما يعلم ابن آدم ما أكلتم منها سمیناً؛ {همان ص 486} اگر چهارپایان به آنچه فرزند آدم درباره مردن آگاهی دارد، آگاه می شدند، دیگر شما نمی توانستید گوشت حیوان «فربهی را بخورید».

به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام مروی است که : ((بسا باشد مرده در تنگی و شدت است و خداوند به او وسعت می دهد و از تنگی بیرون می آورد ، پس به او می گویند این راحتی که برایت پیش آمد به سبب نمازی است که . فلان برادر مؤ من تو برایت بجای آورد))

و فرمود : ((میت شاد می شود و به دعا و استغفاری که برایش می کنند فرج می یابد چنانچه زنده شاد می شود به هدیه ای که برایش ببرند))

و فرمود : ((بر میت داخل می شود در قبرش نماز و روزه و حج و صدقه و سایر کارهای نیک و دعا و ثواب آن کارها برای کسی که بجا آورده و برای مرده هر . دو نوشته می شود))

امام صادق علیه السلام می فرماید: «ما مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ شَعَرَ وَلَا وَبَرَ إِلَّا وَمَلَكَ الْمَوْتِ يَتَصَفَّحُهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ؛ هیچ خانواده ای؛ از شهر نشین و بادیه نشین نیست مگر اینکه فرشته مرگ شبانه روزی پنج بار آنان را از نظر می گذراند.»..

حضرت مسیح علیه السلام در جواب حواریین که سؤال کردند؛ «مَنْ أَوْلِيَاءُ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ اولیایی که هیچ ترس و اندوهی بر آنها نیست چه کسانی هستند؟» یکی از ویژگیهای اولیای خدا را دوست داشتن یاد مرگ و رها

نمودن یاد دنیا معرفی می کند و می فرماید: «أَحْبُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ وَتَرَكَوا ذِكْرَ الْحَيَاةِ؛ یاد مرگ را دوست دارند و یاد زندگی را رها می کنند...»

در مورد **حالات امام حسن مجتبی علیه السلام** نقل شده است که: «إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ النُّشُورَ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْعَرْضَ عَلَى اللَّهِ ذَكَرَهُ شَهَقَ شَهَقَةً يُغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا؛ وقتی یاد مرگ می کرد، می گریست. و چون یاد قبر می کرد، می گریست. و چون از [قیامت و] بعث و نشور یاد می کرد، می گریست. و چون متذکر عبور از صراط می شد، می گریست. و هر گاه به یاد توقف در پیشگاه خدای تعالی [در محشر] می افتاد، فریادی می زد و بی هوش [روی زمین] می افتاد»

خدا می فرماید که

إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

پس ما چرا درباره این سختی های قیامت تفکر نمی کنیم . چرا اولیاء خدا متحول میشدند ما نمی شویم؟ چون اونا باور داشتند ما هم باید تلاش کنیم باور پیدا بکنیم باید بفهمیم قیامت خیلی سخته

جناب سید محی الدین فاطمی فرزند مرحوم حجت الاسلام و المسلمین فاطمی
(ره) که در حال حاضر در تهران ساکن هستند نقل می کنند: شبی در عالم رویا
دیدم که روز قیامت به پا شده و مرا به همراه عده زیادی از مردم که به صورت
یک صف طویل بودیم به سمت جهنم می بردند، زمین زیر پای ما به صورت پله
برقی حرکت می کرد و ما را به طرف دوزخ حرکت می داد و مردم دسته دسته
در جهنم سرنگون می شدند، به طرف چپ نگاه کردم، دیدم یک باغ بسیار
سرسبز و خرم است که با نرده هایی که اطراف آن است از ما جدا می شود و
پدرم در آن باغ زیر درختان قدم می زند، هرچه او را صدا زدم و فریاد کردم ابداً
توجهی نمی کرد و من هم به سمت دوزخ نزدیک و نزدیک تر می شدم. من
یکباره فریاد زدم: پدر تو را به جده ات زهرا (س) مرا دریاب! و به محض اینکه
نام حضرت زهرا (س) را گفتم، زمین از حرکت ایستاد و من بر لبه پرتگاه جهنم
توقف کردم و به درون گودال جهنم سقوط نکردم ولی حرارت آتش صورت
مرا سوزاند، دست به صورتم گذاشتم، دیدم دستم هم سوخت، در این هنگام نعره
ای کشیدم و متوجه شدم، همسرم مرا بیدار کرد و گفت: چه خبره؟ چرا در
خواب داد و فریاد می کنی؟ گفتم: چراغ ها را روشن کن، لامپ ها که روشن
شد و همسرم به صورت من نگاه کرد با تعجب گفت: چرا صورت شما سوخته؟
من جریان را برایش نقل کردم. فردا به پزشک مراجعه کردم و پزشک پماد

سوختگی برای من نوشتند. گفتم: آقای دکتر شما به عنوان یک پزشک تأیید می
نمایید که صورت و دست من سوخته است؟ و چند بار تکرار کردم. پزشک
گفت: مگر خودت شک داری؟ صورت و دست شما سوخته و من هم برای
پماد سوختگی نوشته ام. سید محیی الدین فاطمی اضافه کردند که مدت ها از این
پماد استفاده کردم تا خوب شدم.

بعضی نوجوانان و جوانان میگویند بعد مردن، جهان دیگری نیست و بهشت و جهنم
همین دنیا است.. در جواب اینها چی بگیم که بفهمند معاد وجود دارد؟...

جواب: برای اثبات معاد دلایل خوبی داریم.

دلایل معاد: یکی از، اصول عقاید ما مسلمان ها اعتقاد به معاد است... همه ادیان
...الهی هم اعتقاد به معاد جزو اصول آنهاست

بیش از هزار ایه درباره وجود جهان پس از مرگ و وجود بهشت و جهنم است...
هزاران پیامبر آمدند و همه گفتند جهان پس از مرگ وجود دارد....پیامبر خدا در
سفر معراج از، بهشت و جهنم بازدید کردند.... در برنامه زندگی پس از زندگی
صدها نفر، جهان پس از، مرگ را دیدند.. اعتقاد به معاد نقش مثبتی در زندگی

دارد و باعث میشود آدمی دنبال خلاف نرود و کارهای نیک انجام دهد..طبق
عدل الهی، حتما در قیامت دادگاه تشکیل میشود تا به خوبان پاداش و بدان
مجازات شوند... اعتقاد به معاد باعث میشود زندگی معنا پیدا کند والا اگر اعتقاد
به معاد نباشد زندگی تکراری و بی معنای میشود...

حالات مجرمین و گناهکاران در قیامت

«شخصی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه: «فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا»

یعنی: فوج فوج می آید. سؤال کرد. حضرت گریست و فرمود: سؤال مهمی
کردی! در قیامت، عده‌ای از مردم، بصورت‌های مختلف، محشور می‌شوند

شایعه سازان، بصورت میمون

حرام خواران، بصورت خوک

- ربا خواران، بصورت واژگون

قاضی ناحق، بصورت کور

- خود خواهان مغرور، بصورت کر و لال

عالم بی عمل، در حال جویدن زبان خود

همسایه آزار، بصورت دست و پا بریده

خبرچین، بصورت آویخته به شاخه‌ای آتش

عیاشان، بدبوتر از مردار

متکبران، در پوششی از آتش

حضرت فرمود: ای جبرئیل! امروز چرا ناراحتی؟

روزی جبرئیل در حالی که آثار ناراحتی در چهره‌اش ظاهر بود نزد رسول خدا
علیه‌السلام آمد. در حالی که او قبلاً خوشحال و متبسم می‌آمد. حضرت فرمود:
ای جبرئیل! امروز چرا ناراحتی؟

جواب داد: امروز از دُمهایی که بر آتش جهنم می‌دمیدند، دست کشیدند. فرمود:

دُمهای جهنم چیست؟

گفت: ای رسول خدا! خداوند سبحان امر فرمود تا هزار سال بر آتش جهنم دمیدند تا سفید شد! و هزار سال دیگر دمیدند تا سرخ شد! و هزار سال دیگر دمیدند تا سیاه شد و الان سیاه و تاریک است! اگر قطره‌ای از ضریع که عرق اهل جهنم و چرک فرجهای زناکار است، را که در دیگهای جهنم جوشیده شده و بعوض آب به جهنمیان می‌خورانند، در آبهای دنیا بریزند، همه مردم از گندش بمیرند! و اگر یک حلقه از زنجیری که هفتاد ذرع - 35 متر - است و بر گردن جهنمیان می‌گذارند، بر دنیا قرار دهند، از گرمی آن تمام مردم بگدازند! و اگر پیراهنی از پیراهن‌های اهل جهنم را میان آسمان و زمین بیاویزند، اهل دنیا از بوی بد آن هلاک شوند! در این موقع رسول خدا صلی الله علیه و آله و جبرئیل هر دو به گریه افتادند. خداوند سبحان ملکی را فرستاد که پروردگارتان سلام می‌رساند و می‌فرماید: من شما را از اینکه گناه نمائید، مصون نمودم.

به یاد آتش جهنم

در حالات حضرت آیه الله مرحوم علامه حاج شیخ مهدی مازندرانی (قدس سره الشریف) آمده است: آن عالم بزرگوار گاهی که در خودشان احساس غفلت

می نمودند همراه با پسر و خادمش به خارج از محیط شهر و در بیابان می رفته
است .

مرحوم مازندرانی به این دو نفر می گفته است : آیا اجراء دستور من لازم است یا
. خیر ؟ آنها جواب می دادند : بلی ، البته که لازم است

آنگاه آن مرحوم می گفت : من مقداری هیزم جمع آوری می کنم . شما هم نیز
مقداری هیزم جمع کنید . آنگاه علامه مازندرانی هیزمها را آتش زد . در همان
وقت که شعله های آتش هیزم برافروخته ای می شد دستوری داد : مرا به سوی
آتش ببرید . پسر و خادم ،

. مرحوم مازندرانی را کشان کشان به نزدیکی آتش می بردند

معظم له به آن دو می فرمود : در این حال به من بگویید

ای پیرمرد گناهکار ! خیال کن روز قیامت برپاشده است و عجیب تر از همه آنکه
آن عالم ربّانی دستور می داد : باتوسری من را به سوی آتش ببرید بلکه سوزش
آتش مرا بیدار کند

در سوره تکویر آمده:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

(۱) هنگامی که خورشید را به هم درپیچند

2

﴿۲﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ

(۲) و هنگامی که ستارگان تیره و بی نور شوند

3

﴿۳﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ

(۳) و هنگامی که کوه ها را به حرکت آرند و از جا برکنند

4

﴿۴﴾ وَإِذَا الْعُشَارُ عُطِّلَتْ

(۴) و هنگامی که اموال نفیس و با ارزش رها و بی صاحب شود

5

﴿۵﴾ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ

(۵) و هنگامی که همه حیوانات وحشی محشور شوند

6

وَإِذَا الْبَحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾

(۶) و هنگامی که دریاها مشتعل و برافروخته گردند

7

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾

و هنگامی که هر کس [با همسان خود] قرین و جفت شوند [خوبان با خوبان و

(۷) بدان با بدان]

8

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾

(۸) و هنگامی که از [دختر] زنده به گور بپرسند

9

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾

(۹) به کدام گناه کشته شده؟

10

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿١٠﴾

(۱۰) و هنگامی که نامه های اعمال را بگشایند

11

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿١١﴾

(۱۱) و هنگامی که آسمان را به شدت برکنند و برچینند

12

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ﴿١٢﴾

(۱۲) و هنگامی که دوزخ افروخته شود

13

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿١٣﴾

(۱۳) و هنگامی که بهشت را نزدیک آرند

14

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أُخْضِرَتْ ﴿١٤﴾

[در چنین موقعیت و زمانی است که] هر کس هر عملی را [از خیر و شر] حاضر
(۱۴). کرده است، بداند

خیلی به اصطلاح قیامت سخت هست. حالا زلزله هزار ریشتری ۲۰۰۰ ریشتری
خدا می دانه تمام کوه ها از بین میره کوه زمین از حالت کروی بودن در میاد میشه
صاف صاف. زمین کاملاً مسطح.

بعد همه مردم از اول تا آخر در صحرای محشر جمع میشوند

. روزیست که مردم گروه گروه میان در قیامت اون وقت سه دسته می شن مردم .

در سوره واقعه میگه ازواج ثلاثه یعنی مردم در قیامت سه دسته میشوند. یکی از انها

السابقون السابقون هستند انهایی که در ایمان از بقیه بالاتر هستند. مانند حضرت

علی اینا جزو سابقین. دسته دوم اصحاب المیمنه

(فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ)

میمنه ما هستیم شیعیان امیرالمومنین هستند.

دسته سوم اصحاب المشئمه

(وَ أَصْحَابُ الْمَشْئِمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْئِمَةِ)

کسانی که دیگه بی دین بودند فاسق بودن منافق بودن مشرک بودن بهایی بودن وهابی بودند شیطان پرست بودن. سه خدایی بودن چهار خدایی بودن ده خدایی بودن یه زمانی در ایران ۳۶۰ تا بت داشتن در مکه ۳۶۰ تا بت داشتن در هندوستان در ژاپن همین الان در ژاپن آیین شینتو اینا میگن خدای دریا خدای زمین خدای صحرا خدای کوه

در حالی که ما فقط یه خدا داریم لا اله الا الله

حضرت یوسف وقتی که تعبیر خواب اون دو زندانی رو کرد گفت من یه سوال از شما دارم

يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَرَأَيْتَ أَتَفَرِّقُونَ خَيْرَ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

(یوسف ایه 39)

ای دو یار زندان! آیا معبودان متعدد و متفرق بهتر است یا خدای یگانه مقتدر؟

یه خدا بهتره یا چند خدا بهتره؟ معلومه که خدای واحد بهتره و ما همه حاجات و مشکلات رو فقط به خدای واحد می گیم

خدایان متعدّد، عامل تفرقه و پراکندگی، و خدای واحد عامل یگانگی است
فطرت بشر از تفرقه و تشتت بیزار است و یوسف نبی از همین امر برای اثبات توحید بهره گرفته است...

چت با خدا

گفتم: خسته ام

گفتی: لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

از رحمت خدا نا امید نشوید (زمر / 53)

. گفتم: هیچکس نمی دونه تو دلم چی میگذره

گفتی: إِنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ

خدا حائل است بین انسان و قلبش (انفال / 24)

. گفتم: غیر از تو کسی رو ندارم

گفتی: نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

گفتم: ولی انگار اصلاً منو فراموش کردی

گفتی: فَاذْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ

منو یاد کنید تا یاد شما باشم (بقره / 152)

گفتم: تا کی باید صبر کرد؟

گفتی: وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا

تو چه میدونی شاید موعدش نزدیک باشه (احزاب / 63)

گفتم: تو بزرگی و نزديكت برای منه كوچك خیلی دوره! تا اون موقع چيكار كنم؟

گفتی: وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ اِلَيْكَ وَاَصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللّٰهُ

كارهايی كه بهت گفتم انجام بده و صبر كن

تا خدا خودش حكم كنه (يونس / 109)

گفتم: خیلی خونسردی! تو خدایی و صبور! من بنده ات هستم و ظرف صبرم

كوچك ... يه اشاره كنی تمومه

گفتی: عَسَىٰ اَنْ تُحِبَّوْا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ

شاید چیزی که تو دوست داری به صلاح نباشه (بقره / 216)

گفتم: اَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ ... اصلا چطور دلت میاد؟

گفتم: اِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَّوُوفٌ رَحِيمٌ

خدا نسبت به همه مردم مهربونه (بقره / 143)

گفتم: دلم گرفته

-گفتم: بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا

. [مردم به چی دل خوش کردن؟!] باید به فضل و رحمت خدا شاد بود

گفتم: اصلا بی خیال! تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ

گفتم: اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

خدا اونایی رو که توکل میکنن دوست داره (آل عمران / 159)

گفتم: خیلی چاکریم

: ولی اینبار، انگار گفتم: حواست را خوب جمع کن! یادت باشه که

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ

وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ أُنْقَلَبْ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ

بعضی از مردم خدا رو فقط به زبون عبادت میکنند

اگه خیری بهشون برسه، امن و آرامش پیدا می کنن

و اگه بلایی سرشون بیاد تا امتحان شن، رو گردون میشن

اینها در دنیا و آخرت جزء زیانکارانند

و وقتی هم که کج و معوج میریم همیشه میگی

«صد بار اگر توبه شکستی باز آ»

ما از رگ گردن به انسان نزدیک تریم (ق 16)

اعتماد به غیر خدا

جبرئیل در زندان نزد حضرت یوسف آمد و گفت: ای یوسف چه کسی ترا

زیباترین مردم قرار داد؟ فرمود: پروردگار

گفت: چه کسی ترا نزد پدر محبوبترین فرزندان قرار داد؟ فرمود: خدایم

.گفت: چه کسی کاروان را به سوی چاه کشانید؟ فرمود: خدای من

گفت: چه کسی سنگی که اهل کاروان در چاه انداختند از تو باز داشت؟ فرمود:
خدا.

.گفت: چه کسی از چاه ترا نجات داد؟ فرمود: خدایم

.گفت: چه کسی ترا از کید زنان نگه داشت. فرمود: خدایم

گفت اینک خداوند می فرماید: چه چیز ترا بر آن داشت که به غیر من نیاز خود
را باز گوئی، پس هفت سال در میان زندان بمان (به جرم اینکه به ساقی سلطان
اعتماد کردی و گفתי: مرا نزد سلطان یاد کن)

و در روایت دیگر دارد که خداوند به وی وحی کرد: ای یوسف چه کسی آن رؤ
یا را به تو نمایاند؟ گفت: تو ای خدایم

فرمود: از مکر زن عزیز مصر چه کسی ترا نگه داشت؟ عرض کرد: تو ای خدایم

فرمود: چرا به غیر من استغاثه کردی و از من یاری نجستی، اگر به من اعتماد
می کردی از زندان ترا آزاد می کردم به خاطر این اعتماد به خلق، هفت سال باید
در زندان بمانی

یوسف آن قدر در زندان ناله و گریه کرد که اهل زندان به تنگ آمدند، بنا شد
یک روز گریه کند و یک روز آرام بگیرد

مقام رضا از مقامات بالای خداشناسی...

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (مائده 119) مقام رضا یعنی خدایا هر چه تو بگویی! اطاعت می کنم

مقام رضا داشتن یعنی مرافقیر کنی راضیم. مرا پولدار کنی راضیم. مرا ته چاه بیاندازی راضیم. مرا بالابیری راضیم. مرا زندانی کنی راضیم. مرا پادشاه کنی راضیم. مرا بیمار کنی راضیم. مرا سلامت بداری راضیم. مرا قطعه قطعه کنی راضیم. مرا جهنم ببری راضیم. مرا بهشت ببری راضیم. مرا عزیز کنی راضیم. مرا ذلیل کنی راضیم. مرا بخندانی راضیم. مرا بگریانی راضیم. مرا خوشحال کنی راضیم. مرا اندوهگین کنی راضیم...

مانند اسماعیل نبی که به پدرش گفت: پدر جان! آنچه را به ان ماموری انجام بده . که اگر خدا بخواهد مرا صبور خواهی یافت

و از اسماعیل بهتر، حسین عزیز جگر گوشه پیامبر اسلام که فرمود: صبرا علی . بلائک. لا معبود سواک. یا غیاث المستغیثین

زینب کبری (س) مقام رضا داشت

تسلیم و رضا نگر که آن دخت بتول

در مقتل کشتگان چو فرمود نزول

شکرانه سرود که ای خداوند جلیل

قربانی ما به پیشگاه تو قبول

عجب از این مادر شهید

مادر یکی از شهدای دفاع مقدس، گفت: وقتی پسرم شهید شد چند نفر آمدند و با یک مقدماتی خبر شهادتش را به من دادند. ولی وقتی روحیه قوی مرا دیدند به من گفتند که این خبر را من به شوهرم بدهم.

بعد از آن من به اتفاق دوستان فرزند شهیدم به سردخانه رفتیم. قبل از وارد شدن یکی از دوستانش گفت: چون علی همیشه با وضو بود ما هم با وضو داخل شویم. همگی وضو گرفتیم و به سردخانه وارد شدیم. من وقتی جنازه به خون پییده پسرم

را دیدم. گفتم: ماشاءالله. سپس لبها و چشم‌ها و سینه و دستهایش را بوسیدم. و در پایان بر قدم‌هایش بوسه زدم.

اما پیشانی‌اش را بوسیدم چون برای خدا سجده کرده بود. چشمانش را بوسیدم چون وقتی روحانی یا سیدی را می‌دید خوشحال می‌شد و آنها را دوست داشت. لبهایش را بوسیدم و گفتم: علی جان! بسیار ذکر خدا می‌گفتی و با این لبها از امام حسین (ع) زیاده‌ای می‌نمودی. سینه‌اش را بوسیدم زیرا آیات قرآن و حدیث چهارده معصوم (ع) در سینه‌اش بود و گاهی می‌خواند. ضمن اینکه نزدیک سینه‌اش هدف تیر دشمن قرار گرفته بود و از همین جا به شهادت رسیده بود. دستش را بوسیدم زیرا با آن دست‌ها اسلحه برمی‌داشت. بر قدم‌هایش دست کشیدم (زیرا با آنها به جنگ دشمنان خدای رفت)

رضایت این مادر به رضای الهی بسیار مهم است. اینکه انسان هرآنچه خداوند مهربان و حکیم برای او مقدر کند به آن تسلیم باشد و به آن راضی باشد چون می‌داند دوست جز خوبی برای دوست نمی‌خواهد. این همان رسیدن به مقام رضا است که از بالاترین مقامات معرفتی و مقامات معنوی و از مقامات کمال است. و نشان از قبولی این مادر در امتحانات الهی می‌دهد. سلام خداوند بر این چنین مادران.

ولی ان مادری که وقتی خبر کشته شدن فرزندش را به او میدهند از خدا ناراحت میشود و کفر می گوید و نسبت ظلم به خدا می دهد او در امتحان الهی مردود شده است

حضرت ایوب مقام رضا داشت

درباره حضرت ایوب نبی آمده است که هرچقدر بلا بر او نازل شد دست از شکر و حمد الهی برنداشت حتی وقتی همه فرزندانش مردند.. اموالش از بین رفت.. بیماری سختی دچار شد. مردم از دور او پراکنده شدند و.... ولی او هرگز گلایه و شکوه نکرد و به خدا اعتراض ننمود و تسلیم مقدرات خدا بود لذا در امتحان الهی سربلند بیرون آمد

یکی از مهمترین مراحل خدا شناسی مرحله مقام رضا است

یعنی به هرچه خدا برای انسان بخواهد راضی باشد. اگر خدا میخواهد ادم فقیر باشد ادمی راضی باشد. اگر خدا می خواهد ادمی مریض باشد ادم راضی .. باشد. اگر خدا می خواهد ادم عقیم و بی فرزند باشد ادمی هم راضی باشد و روزی امام باقر(ع) به دیدار جابر بن عبدالله انصاری رفت و حالش را جویا شد. جابر گفت: من در حالی هستم که پیری را بر جوانی، بیماری را بر سلامتی و

مرگ را بر زندگی ترجیح می دهیم. **امام باقر(ع) فرمود:** «ای جابر! اما من، اگر خداوند مرا پیر قرار دهد، پیری را دوست دارم؛ اگر مرا جوان قرار داد، جوانی را دوست دارم؛ اگر مرا بیمار کند، بیماری را دوست دارم؛ اگر شفایم دهد، شفا و تندرستی را دوست دارم؛ اگر مرا بمیراند، مرگ را دوست دارم و اگر مرا زنده بدارد، زندگی را دوست دارم

وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (غافر 44)

.کارم را به خدا واگذار کردم که حقیقتاً خداوند آگاه به بندگانش میباشد

چگونه می توان به مقام رضا دست یافت؟

اگر انسان خداشناس باشد می فهمد که خداوند جز خیر از او صادر نمیشود و هیچگاه بد بنده اش را نمیخواهد. خداوند دوست دارد همه بندگانش به کمال... برسند و همه بهشت بروند. همه مومن باشند. همه پاک باشند

ادم خداشناس می فهمد که آنچه که به ظاهر تلخ و بلا و مصیبت نام دارد مانند مرگ عزیزان. از بین رفتن اموال. زندانی و اسیر شدن و بیماری های صعب العلاج و مشکلات خانوادگی و فرزندی که خون به دل والدین می کنند و.... همه درباطن شیرین و خیر و عامل رسیدن انسان به کمال می باشند. لذا هیچگاه به

خداوند حکیم اعتراض نمی کند و می داند دوست جز خوبی برای دوست نمی
خواهد.

ادم خداشناس چون خدا را حکیم می داند. چون خدا را مهربان ترین می
داند. چون خدا را منزله از هر بدی و از هر شر و از هر نادرستی و از هر کجی می
داند بر این اساس به آنچه خدا برای او مقدر کرده است راضی می باشد و هرگز با
خدا قهر نمیکند و هرگز در دل خود نسبت به خدا کدورتی ندارد و...

همه مصیبت های امام حسین علیه السلام آزمونی بود که با صبر و تسلیم
حضرتش در مقابل همه آن فجایع، خداوند حکیم بالاترین درجات معنوی را به آن
حضرت عطا فرمود...

لذا مفسرین آیات آخر سوره فجر را درباره امام حسین علیه السلام می دانند و
حقیقتاً سیدالشهدا مصداق بارز این ایه است

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷) ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸) فَادْخُلِي فِي
عِبَادِي (۲۹) وَادْخُلِي جَنَّتِي

هان ای روح آرام یافته و متین

به سوی پروردگارت بازگرد که تو از او خشنود و او از تو راضی است

پس در جرگه بندگان من در آی

و به بهشت من داخل شو

راههای جلب رضایت الهی

برای جلب رضایت الهی و خشنودی خداوند از بندگانش نشانه هایی وجود دارد

برخی از آنها بدین قرارند

الف. اطاعت خداوند

حضرت موسی علیه السلام گفت: خدایا! از علامت رضایت خود از بنده ات مرا

با خبر کن

خداوند فرمود: وقتی دیدی بنده خود را به اطاعت و بندگی آماده می کنم و او را

از گناه منصرف می گردانم، این علامت رضای من است

ب. خشنودی از قضا و قدر الهی

:امام علی علیه السلام می فرماید

.. عَلَامَةُ رِضَا اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَنِ الْعَبْدِ رِضَاهُ بِمَا قَضَىٰ بِهِ سُبْحَانَهُ لَهُ وَعَلَيْهِ

علی علیه السلام: **نشانه رضایت خدای سبحان از بنده رضایت بنده است** به آنچه

خدای سبحان به سود و زیان او مقدر فرموده است

ج. محبت مساکین

حضرت موسی فرمود: پروردگارا! نشانه خشنودی ات از بندگان چیست؟

خداوند به او وحی نمود: نشانه خشنودی من از بنده ام دوستی او با فقرا و مساکین

و دشمنی او با ظالمان است

رضایت مردم یا خدا؟

بسیارند کسانی که در دو راهیهای زندگی خشنودی مردم را بر رضایت خدا مقدم می دارند. این عمل که نشانه سستی ایمان است، غضب الهی را به دنبال دارد و باعث دور شدن انسان از رحمت خداوند می شود در برخی احادیث به این نکته اشاره شده است؛ از جمله امام صادق علیه السلام فرمود

لَا تُسْخَطُوا اللَّهَ بِرِضَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ وَلَا تَقْرَبُوا إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ بِتَبَاعُدٍ مِنَ اللَّهِ؛

خداوند را به خاطر رضایت و خشنودی احدی از مردم به غضب در نیاورید و با دوری از خدا به مردم نزدیک نشوید.

نویسنده کتاب مرگی در نور می نویسد:

عمویم حاج محمود آقا برایم نقل کردند شیخ احمد دشتی که مقرب آخوند بود تعریف می کرد

در زمانی که وضع مالی آخوند خوب نبود یک شب که آخوند مجلس درس خصوصی داشت و در آن مجلس شاگردان مبرز و مثل میرزای نائینی و مرحوم

سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی و شیخ عبد الله گلپایگانی و عده ای دیگر حضور داشتند وقتی مجلس درس تمام شد ما دیدم سید که از خانواده «روفی عی» بود به اتفاق یک نفر دیگر آمدند خدمت ایشان و آن مرد زائر مقداری وجوهات در آورد و به آخوند داد و ایشان هم پولها را گذاشتند زیر تشک.

ما که ناظر جریان بودیم و سخت هم بی پول بودیم خوشحال شدیم که عن قریب استاد چیزی به همه ما خواهد داد اما به زودی امید ما مبدل به یاس شد زیرا دیدیم بعد از آنکه آقای آخوند پولها را زیر تشک گذاشت آن مرد سید بلند شد و رفت در گوش آخوند آهسته چیزی گفت آقای آخوند قلم و دواتی دم دستش بود به سید اشاره کرد بنویس آن سید هم چیز مختصری نوشت و به آخوند داد وقتی آن را خواندند کاغذ را پاره کردند همه آن پولها را در آوردند و به آن سید دادند و آن سید هم پولها را برداشت و تشکر کنان رفت.

شیخ احمد دشتی می گفت: ما که ناظر این صحنه بودیم نمی دانستیم جریان چیست حس کنجکاوی مان نیز سخت برانگیخته شده بود همه می خواستیم سر از این ماجرا در بیاوریم رفقا جرأت نمی کردند سوالی بکنند و چون من رویم به

ایشان بازتر بود با اشاره رفقا سوال کردم و عرض کردم: حضرت آقا ممکن است
بفرمائید داستان از چه قرار است؟

فرمودند: کدام داستان؟

عرض کردم: اینکه این دو نفر آمدند و یکی پولی داد و شما پس از خواندن نوشته
آن سید آن پول را به آن سید دادید معنای این مطلب را ما نفهمیدیم

آخوند فرمودند: خیلی چیزهای توی دنیا هست معنایش فهمیده نشده و ما نمی
فهمیم این هم یکی از آنها

شیخ احمد می گفت من موضوع را دنبال کردم و یکی دو نفر از حاضرین هم
تایید من می کردند و اصرار کردند که اگر ممکن است ایشان توضیحی بدهد

آخوند فرمودند: حالا که اصرار دارید پس بدانید که آن مرد زائر آمد و چهارصد لیره پول برایم آورد من گرفتم آن سید به من گفت: دو پسر دارد و می خواهد هر دو عروسی کند پول ندارد من به او گفتم بنویس بینم چه مقدار پول احتیاج داری؟ خواستم کسی متوجه نشود او نوشت صد لیره من دیدم این مبلغ برای عروسی دو پسر کافی نیست هر چهار صد لیره را به او دادم

شیخ احمد گفت: وقتی آخوند این مطلب را فرمودند میان شاگردان قیل و قال افتاد و گفتند آقا شما که خودت احتیاج داری و وضع مالی ما را هم که می دانی خراب است ما هیچ شما چرا به فکر خودت نیستی چطور چهارصد لیره را به یک سید دادید و حال آنکه ما می دانیم بچه های شما در مضیقه هستند

ما که داشتیم این اعتراضها را می کردیم ناگهان دیدیم آخوند گریه کرد. ما همه ساکت شدیم و از ایشان معذرت خواستیم،

:آنگاه آخوند فرمودند

ناراحتی من از این نیست که مرتکب جسارتی نسبت به من شده اید افسردگی من
از این جهت است که می بینم زحماتی را که در عرض سالها برای شما کشیدم
همه به هدر رفته زیرا مشاهده می کنم که شماها در رکن اول سلام که توحید
است مانده اید و از آن غافلید و نمی دانید که رزق و روزی را خدا می دهد نه
بنده خدا اگر منظورتان از این حرفها این است که من این قبیل پولها را برای خود
بردارم و پس انداز کنم من احتیاج به پس انداز ندارم وقتی که از خراسان آمدم با
چند تا کتاب آمدم و چیز دیگری نداشتم خداوند این همه نعمت و عزت به من
داده اگر منظورتان بچه های من است که من آنها هم وضعشان خوب است و خدا
رزاق آنهاست شاه همه باید به خداوند اتکاء داشته باشید و امید به او ببندید نه
بکس دیگر من متأثرم از اینکه می بینم شماها خدا را فراموش کرده و به بنده او
چشم دوخته اید (برگی در نور، ص 386)

اگر کسی موحد باشد خداشناس باشد اصلاً نگران فردا نیست که بگه خدا که
هست تا خدا هست من غمی ندارم..

نقل است سید جمال اسدآبادی رو به یه جزیره تبعید کردن بعد یه افسر انگلیسی به سید جمال گفت سید جمال اینجا نه پول داری نه آذوقه داری می‌خوای چیکار کنی گفت شیر هر کجا بره شکارشو پیدا می‌کنه!

در هر حال آدمی که توکل داره توحیدش قویه خداشناسیش عالیه اصلاً ترسی نداره. حضرت امام فرمود هیچ ترس از کسی ندارم. نمی‌دونم ترس یعنی چی ماها که هی نگرانیم هی ناراحتیم از فردا ترس داریم نکنه بی پول بشیم. نکنه دچار مشکل بشیم. چون توحیدمون درست نیست. این که میگن حضرت علی(ع) دوست داشت در تمام نمازها رکعت اول و دوم سوره قل هو الله احد بخواند یکی برای این است که قل هو الله عصاره توحید هست

ما توحیدمونو درست کنیم تمام نگرانی‌هامون برطرف میشه این نگرانی‌هایی که ما داریم مخصوصاً جوان‌ها دارن حتی بعضیا خودکشی می‌کنند چرا خودکشی می‌کنن اگه کسی موحد باشه آرامش دارد نا امید نمیشود. دره‌ارو بروی خود بسته نمی‌داند

نقل است که امام صادق(ع) بالای سر آقای که در حال مرگ بود حاضر شدند دیدند ایشان خیلی نگرانه. سوال کردند چرا نگرانی گفت چند تا دختر دارم

نمی‌دونم بعد از من سر اینا چی می‌اد؟ امام فرمود همون خدایی که اونا رو تا الان بزرگ کرده همون خدا هم اینا رو تربیت می‌کنه. خدارب العالمین است...

ما به اصطلاح ماموریت داریم توحیدمون رو درست کنیم. می‌گیم آقا اصول دین چند تا می‌گند ۵ تا اول توحید. توحید چیه؟ توحید اکثر ماها مشکل داره. امام باقر ذکر لا اله الا الله رو زیاد می‌فرمود. همانطور که خدا معادل نداره ذکر لا اله الا الله معادل نداره خیلی ذکر مهمیه. منتها ذکر می‌کنه که با معنا باشه اگر لقلقه زبان باشه فایده نداره باید سعی بکنیم در خداشناسی به درجات بالا برسیم اصلاً خدا ما را خلق کرده خداشناس بشیم. خلق نکرده ازدواج کنیم خلق نکرده که کار بکنیم خلق نکرده تشکیل خانواده بدیم اینا ابزارن حالا یکی از ازدواج نکرده ولی می‌بینید در خداشناسی خیلی درجات بالا داره. درس خوندن و زندگی کردن و تشکیل خانواده همه ابزارن یه هدف خدا برای ما در نظر گرفته

و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون

من شما را خلق نکردم مگره برای عبادت برای خداشناسی

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند

به اینجا باید برسیم.

نقل است حضرت امیرالمومنین (ع) فرمود من در صدر اسلام یه رفیق داشتم به نام **عثمان ابن مظعون**. خدا در نزدش بزرگ و غیر خدا در نزدش صغیر و کوچیک بود. فقط خدا نه قدرت ها بزرگن نه ثروت ها عظیمن نه انسان ها بزرگن همه انسان ها در مقابل خدا حقیرند میخواد رئیس جمهور باشه میخواد فرمانروا باشه نمرود باشه که خدا با یه پشه از بین بردش. فرعون با یه غرق شدن دو دقیقه تو آب بود خدا از بین بردش

این دعایی که امام زمان علیه السلام فرمود رو همیشه بخونیم **اللهم عرفنی نفسک**. خدایا خودتو به من بشناسان من نمی دونم تو کی هستی عظمت خودت رو اون عظمتی که وقتی امیرالمومنین مقابل خدا وایمیستاد از خوف خدا غش می کرد می افتاد یا حضرت زهرا میگند در نماز تمام بند بند بدنش می لرزید امام حسن وقتی وضو می گرفت رنگش از ترس زرد می شد ولی ماها نه نماز درستی می خوانیم از اول نمازم میریم سراغ همه چیز غیر از خدا. تا وقتی گفتیم السلام علیکم و رحمه الله و برکاته تازه می فهمیم نماز تمام شد روایت این نماز اینجوری میره بالا بالا برمی گرده محکم می خوره تو سر طرف و این نماز بدون حضور قلب به ادم میگه **ضیعتنی ضیعتک الله** تو منو ضایع کردی خدا تو رو ضایع کنه!

این چه نمازی بود خوندی! لا اقل یه رکعتشو با خدا حرف بزنی

فکرمان همش تو مادیات هسش لذا به توحید نمیرسیم. لذا ابر اولیاء خدا نماز با خشوع تمام می خواندند به درجه بالای معرفت انها بر می گشت. اللهم عرفنی نفسک...

ترس از قیامت مانع گناه میشه مانع وابستگی به دنیا میشه...

الَّذِينَ يَوْفُونَ بَعْدَ اللَّهِ وَلَا يُنْقِضُونَ الْمِيثَاقَ * وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ
(يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ)؛ (رعد / 20 و 21

آنان که به عهد خدا وفادارند و پیمان الهی را نمی شکنند و آنچه که امر به «
پیوند آن فرموده است اطاعت می کنند، از خدا می ترسند و از سختی عذاب و
حساب الهی بیم دارند

یکی از ویژگی های اولیای خدا این بوده است که نسبت به قیامت خیلی

می ترسیدند زیرا خود ترس از قیامت مانع گناه میشه مانع وابستگی به دنیا میشه و
برای انسان زهد به ارمغان میاره.

در سوره هل اتی هست می فرماید که **یوفون بالنذر و یخافون یوما کان شره**
مستطیرا اهل بیت کسانی هستند که به نذرشون وفا می کنند اگر انسان نذری کرد
باید وفا کنه

بعضی از افراد هستند سوال می کنند ما نذر کرده بودیم که اگه سر کار رفتیم
مثلا ما اینقدر به فقیر میدیم حالا میشه حاجتمون برآورده شده حالا مابه نذرمون
عمل نکنیم؟

قرآن میگه :

**وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ اُغْرَضْتُمْ
وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾**

و زمانی که در دریا سختی و آسیبی به شما رسد، هر که را جز او می خوانید
ناپدید و گم می شود، و هنگامی که شما را [با سوق دادن]تان به سوی خشکی
نجات دهد [از خدا] روی می گردانید. و انسان [با اینکه الطاف خدا را همواره در
زندگی خود لمس می کند] بسیار ناسپاس است.

ما اگر نذری کردیم عهدی با خدا بستیم باید به عهد و نذرمان عمل کنیم

نقل است آیت الله العظمی بروجردی رضوان الله تعالی چون زیاد عصبانی می شد
عهد کرد که اگر باز عصبانی بشه یک سال روزه بگیره

اتفاقاً یه مورد پیش آمد ایشون عصبانی شدن یک سال در در سن ۷۰ سالگی در
سن بالا روزه گرفتند به عهدشون عمل کردند...

خدا در ایه 40 بقره می فرماید

وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ

و به پیمانم [که سفارش به عبادت و ایمان به همه انبیا به ویژه پیامبر اسلام است]
وفا کنید تا من هم به پیمان شما [که توقع ثواب و پاداش در برابر عبادت و ایمان
است] وفا کنم، و [نسبت به پیمان شکنی] فقط از من بترسید

می فرماید یکی اینکه اهل بیت به عهدشون و نذرشون عمل می کردند و دومین
خصلت می ترسند از روزی که شرش فراگیره یعنی از قیامت بعد میفرماید انا
نخاف خودشون میگوین اهل بیت، ما می ترسیم. **من ربنا** از خدایمان چرا **یوماعبوسا**
قمطیرا روز قیامت یکی از اسمهاش اینه عبوس یعنی همه مردم ناراحتن یه نفر
نیست خوشحال باشه غیر از مومنین .

عبوسا قمطیرا خیلی سخته قیامت. اونقدر سخته میگه بچه‌های کوچیک پیر

میشن بچه‌های کوچیک موهاشون همه سفید میشه هر زن بارداری تا قیامت میشه
بچه رو سقط می‌کنه از بس سخته قیامت

پس یکی از خصلت‌های اولیاء خدا اینه از قیامت ترسانند. میگن حضرت یحیی.
وقتی که کسی درباره قیامت صحبت می‌کرد یه دفعه نعره می‌زد و رو می‌کرد به
بیابان حالا چند روز تو بیابان می‌موند گریه می‌کرد تا اینکه حضرت زکریا
می‌رفت می‌آوردش و زکریا می‌گفت خدایا پسری به من دادی دائم گریان

فرق حضرت یحیی و حضرت عیسی اینا پسر خاله بودن دوتا شون اینی که
حضرت یحیی همش گریه می‌کرد ولی حضرت عیسی هم خنده داشت و هم
گریه میکرد حضرت عیسی مقامش از حضرت یح یکیش بالا اینه که انسان نباید
همش گریان باشه. البته حضرت یحیی ۱۴ ۱۵ سال بیشتر عمر نکردا شهیدش
کردن آره دیگه برای اینکه پادشاه عاشق یک دختری شد که جزو محارمش بود
نبايد باهاش ازدواج کنه از حضرت یحیی حکم خواست حضرت یعقوب حرامه
اون زن که زن فاسدی هم بود کینه اینو به دل گرفت به پادشاه گفت اگر منو
میخوای مهر من سر یحیی پادشاه هم که مست شهوت بود دستور داد به سر
حضرت یحیی را هر کجا که هست در هر حالی که هست. تو معبد داره نماز

می خوانه همون سر نماز سر شو از تن جدا کردم و برای حضرت زکریا چه مصیبت بزرگی خود حضرت زکریارم داخل درخت گذاشتن درخت رو قطع کردن دو تا پیامبری که اینجور پدر و پسر مثل حضرت علی اکبر و امام حسین میگن حضرت یحیی (ع) چند تا شباهت به حضرت امام حسین (ع) داره حضرت امام حسین (ع) شش ماهه به دنیا آمد حضرت یحیی (ع) شش ماهه به دنیا آمد بعد حضرت امام حسین (ع) که شهید شد تا سه روز. هر سنگی رو برمی داشتند زیرش خون بود حضرت یحیی (ع) هم همینجور وقتی شهیدش کردن تا سه روز هر سنگی رو برمی داشت زیر سنگ خون بود. حضرت امام حسین (ع) که شهید شد تا سه روز آسمان گریه می کرد یعنی طلوعش با سرخی بود غروبش با سرخی بود حضرت یحیی (ع) هم همینجور. همانطور که سر حضرت یحیی (ع) را داخل طشت گذاشتن برای پادشاه فاسد بردن سر امام حسین (ع) داخل طشت گذاشتن برای یزید جنایتکار بردند

اولیاء خدا همچون حضرت یحیی تا اسم قیامت را می شنیدند دچار ترس میشدند ولی ما هزار بار قیامت را بشنویم باز عین خیالمان نیست چون ما قیامت را نمی شناسیم. ما همه سرگرم دنیاایم!

طرف همسایه مسجد است یک بار نماز نیامده است من نمی‌دونم اینا از خدا
خجالت نمی‌کشند مگه خدا نگفته این خانه منه مگه نگفتند نماز همسایه مسجد
قبول نیست مگه تو مسجد. تو مسجد نیامدی و سرگرم دنیا هستی. این همه کرونایی
می‌بینم جوان ۳۰ ساله ورزشکار از دنیا رفت بر اثر کرونا. اینهمه جنازه می‌برن
قبرستان ولی بازم عبرت گیر کم است که عبرت بگیره. ما هم باید بریم قبرستان.
عزرائیل نه دکتر می‌شناسه نه آیت الله می‌شناسه نه پولدار می‌شناسه نه فقیر
می‌شناسه نه عالم می‌شناسه نه جاهل می‌شناسه نه قاری می‌شناسه نه رزمنده
می‌شناسه با همه کار داره باید بریم همه مون باید آماده باشیم ولی اکثر مردم
غافلند...

یکی از ویژگیهای مومن این است که از قیامت خوف و هراس دارد

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ^۵

هم آنان که در پنهانی [و خلوت] از پروردگارشان می‌ترسند، و از قیامت در

اضطراب و هراسند

و باز می فرماید: **رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ**

وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ۖ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾ نور

انسان هایی [شایسته] که تجارت و دادوستد از یاد خدا و خواندن نماز و پرداخت زکات بازشان نمی دارد، پیوسته از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیرورو می شود می ترسند «37»

چرا فرشتگان الهی از روزجمعه در هراسند؟

روز جمعه روزی است که ملائکه خیلی از این روز می ترسن. عجیبه باینکه روز جمعه عیده ولی ملائکه از روز جمعه هراسانند! همیشه تا می خواد جمعه بیاد اینا دچار هول و هراس میشن چرا می ترسند

و در روایتی است که نیست فرشته مقربی و نه آسمانی و نه زمینی و نه نسیمی و نه بادی و نه کوهی و نه صحرايي و نه دریائی؛ مگر اینکه بترسند از روز جمعه برای آنکه قیامت در آن بر پا می شود^۶.

جبرئیل از ترس خود را به پیامبر چسباند!

علی بن ابراهیم قمی (رحمه الله) از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده که در زمانی، حضرت رسول صلی الله علیه و آله نشسته بود و جبرئیل نزد آن حضرت بود که ناگاه نظر جبرئیل به جانب آسمان افتاد و ترسی بر وجودش مستولی شد؛ پس خود را به رسول خدا چسباند و به حضرت پناه برد. پس حضرت رسول به آنجا که جبرئیل نظرش افتاده بود، نظر افکند، فرشته ای را دید که مشرق و مغرب را پر کرده بود. پس آن فرشته رو به پیغمبر کرد و گفت یا محمد! من فرستاده خدایم تا تو را خبر دهم که یا پادشاهی را اختیار کنی یا پیامبری را؟ پس حضرت به سوی جبرئیل توجه کرد، دید که آثار نگرانی از چهره جبرائیل رخت بر بسته. جبرئیل عرض کرد: بهتر است که پیام آور و بنده او باشید. پس پیغمبر گفت: می خواهم بنده و رسول خدا باشم. پس آن فرشته با گامهای خود. آسمانهای هفتگانه را درنوردید

هر آسمان را یک گام خود کرد و هر چه بالا رفت کوچک تر شد تا آنکه به اندازه مرغ کوچکی شد. پس حضرت به جبرائیل فرمود: دیدم طوری ترسیده بودی که رنگت تغییر کرده بود؟ جبرائیل گفت: یا رسول الله مرا ملامت مفرما. آیا دانستید که این فرشته که بود؟ این اسرافیل "حاجب الرب" بود و از زمانیکه حق تعالی آسمانها و زمین را خلق فرموده از مکان خود پائین نیامده من او را دیدم که به سوی زمین می آید، گمان کردم که برای بر پا کردن قیامت آمده است پس از ترس قیامت، رنگم چنان تغییر کرد که مشاهده فرمودید. پس چون دیدم که برای امر قیامت نیامده بلکه حق تعالی چون شما را برگزیده و به خاطر عظمت شما او را به نزد شما فرستاده، رنگم به حال اول برگشت و نفسم به سوی من برگشت^۷.

چرا جبرئیل از ترس بیهوش شد؟

قطب راوندی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که حضرت عیسی (علیه السلام) از جبرئیل پرسید: کی قیامت بر پا خواهد شد؟ جبرئیل چون اسم قیامت شنید به لرزه افتاد و از هوش رفت؛ پس چون به حال آمد گفت ای روح خدا، مسئول بساط قیامت، عالمتر از پرسشگر نیست، سپس آیه شریفه ای (۸) را که ذکر شد خواند.^۹

پیامبر با شنیدن نام قیامت رنگ به رنگ می شد

و روایت شده که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله قیامت را یاد می نمود، صدای آن حضرت شدید و رخسار آن حضرت سرخ می شد.^{۱۰}

پهلوانی که با شنیدن عظمت قیامت، دچار تحول شد!

شیخ مفید در ارشاد نقل کرده که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله از غزوه تبوک به مدین مراجعت فرمود، ((عمر و بن معدی کرب)) به خدمت آنحضرت شرفیاب شد، حضرت به او فرمود: اسلام بیاور ای عمرو تا خدا تو را از فزع اکبر و بیچارگی بزرگ نجات بخشیده و ایمن گرداند یعنی

۸. اهل آسمانها و زمین، سنگین و دشوار و گران است، فرا نرسد شما را مگر به یکباره و ناگاه و بدون آنکه شما را خبر دهد
خداوند در وصف قیامت در سوره اعراف آیه ۱۸۷ می فرماید: هُوَ تَقْلُتُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَعْنِي فرارسیدن قیامت در (بر)

۹. تفسیر قمی/ج ۲/ص ۲۷
قصص الانبیاء/ص ۲۷۰

ترسی که بزرگترین ترسهاست . عمرو گفت : ای محمد صلی الله علیه و آله فزع اکبر کدام است ؛ من کسی هستم که نمی ترسم

شیخ عباس قمی (ره) گوید: معلوم می شود عمرو بن معدی کرب ، مردی دلیر و شجاع بوده است ؛ نقل شده که او از شجاعان نامی روزگار بوده و بسیاری از فتوحات مسلمان به دست او واقع شده و شمشیر او به صمصامه معروف بود، که با آن ، به یک ضربت ، پاهای شتر را از هم جدا می کرد و عمر بن الخطاب در زمان خلافت خود از او خواهش کرد که آن شمشیر را نشان او دهد، عمرو آن را حاضر کرد. عمر آن را کشید و بر محلی زد که تیزی آنرا امتحان کند ابدًا اثر نکرد. عمر آن را دور افکند و گفت : این چیزی نیست . عمرو گفت : ای امیر؛ شما از من شمشیر طلبید نه بازویی که با آن شمشیر می زد. عمر از سخن عمرو بدش آمد و او را سرزنش کرد و به قولی او را بزد و (صد البته که عمر مردی خشن و تلخ رو بود و در بسیاری از موارد از پیامبر می خواست تا مردمان را با شمشیر بکشد و پیامبر مانع او می شد

و چون عمرو گفت من از فزع اکبر و بیچارگی و دلهره بزرگ قیامت نمی ترسم ، حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمرو؛ چنین نیست که گمان کرده ای ؛ همانا صیحه ای بلند خواهد شد که مرده ای نماند، مگر آنکه زنده شود و نماند زنده ای مگر آنکه بمیرد، مگر آنها که خدا بخواهد نمیرند. پس یک صیحه دیگر بر ایشان زده می شود که همه زنده می شوند و صف می کشند و آسمان شکافته می شود و کوهها متلاشی و پراکنده می شوند و پاره هایی از آتش جهنم جدا شود و کوه ها افکنده شود؛ پس نماند صاحب روحی مگر آنکه دلش کنده شود و گناهش را یاد کند و مشغول به خود شود، مگر کسانی که خدا خواسته باشد (که چنین نشود)

نوشته اند که فرمود: پس کجایی تو ای عمرو؟ عمرو گفت: همانا من می شنوم امری را که عظیم و بزرگ است^{۱۱}.

چرا موی سر بعضی از مرده ها سفید می شود؟

از روایات بر می آید که به حدی قیامت هولناک و دهشتناک است که اموات و مردگان در عالم برزخ و قبر نیز هول و تکان و بیم و وحشت آن را دارند، به نحوی که بعضی از مردگان که به دعای اولیاء خدا زنده شده اند موهایشان تمام سفید بوده. سبب سپیدی موی آنها را پرسیدند، گفتند وقتی که ما را به زنده شدن امر کردند گمان کردیم که قیامت بر پا شده و از وحشت و هول قیامت تمامی موهای ما سپید شد.^{۱۲}

مردم همه در آن روز مستند!

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا لَهُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (حج / 2)؛ هنگامه روز قیامت چنان است که مشاهده می کنید، هر زن شیرده از هول، طفل خود را فراموش می کند و هر آبستن بار رحم را بیفکند و در آن روز مردم را از وحشت بی خود و مست بنگری، در صورتی که مست نیستند و لکن عذاب خداوند سخت است.

((چنان که شنیده شد هنگام آتش سوزی چادرهای حاجیان در عرفات مادری هنگام دویدن دست کودکش را رها کرد و بعد از مدتی از وحشت و گرمای شعله ها نوزاد در آغوش گرفته اش را نیز رها کرد و خود را به مکان امن رسانید))

وقتی در قیامت چشم پیامبران به شعله های سرکش جهنم می افتد همه از ترس به زانو می افتند

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در بیان شدت و خروش و لهیب جهنم می فرمایند:

ولو زفرت جهنم زفرة لم يبق ملك مقرب ولا نبي مرسل الا خرّ جاثياً على ركبتيه؛ يقول: رب نفسي «و نفسی، حتی ینسی ابراهیم اسحق یقول: یا ربّ انا خلیلک ابراهیم فلا تنسني و اگر جهنم به خروش آید، هیچ ملک مقرب و پیغمبر مرسلی نمی ماند مگر اینکه به زانو در می افتد و می گوید: پروردگارا! نجاتم ده، نجاتم ده. حتی ابراهیم فرزندش، اسحاق، را از یاد می برد و می گوید: پروردگارا! من خلیل تو ابراهیم هستم، فراموشم نکن^{۱۳}.

بنابراین وقتی فرشتگان و پیامبران و اولیاء خدا از قیامت **هراسانند ما هم باید دوباره قیامت مطالعه کنیم قیامت شناس باشیم.**

قیامت شناسی اثرات مثبتی دارد یه اثرش اینه که گناهانمون از بین میره گناه نمی کنیم اثر دیگش اینه که دنیا طلب نمی شویم مثل بعضیا که فقط دارن این خانه ها رو هر روز زیباتر می کنند! مثل کاخ می کنند داخل بعضی خانه ها رو مثل قصر کردن اینها دنیا طلبند و از قیامت بی خبرند

میگند حضرت نوح یه خونه‌ای داشت وقتی می‌خوابید یا پاش بیرون بود یا سرش بیرون. ۲۸۰۰ سال می‌گن عمر کرده. بعد وقتی عزرائیل آمد گفت من اگه می‌دونستم عمرم انقدر کوتاهه اینم درست نمی‌کردم!

نقل است سلمان فارسی ۳۰۰ سال عمر کرد وقتی می‌خواست بمیره ناراحت بود گفتند چرا ناراحتی گفت به خاطر اموالی که دارم گفت پیامبر خدا فرموده هر کسی که مالش کمتر باشه در روز قیامت حسابش آسان‌تره هر کسی که مالش بیشتر باشه حساب و کتابش بیشتره. نگاه کردند دیدند یه آفتابه داره یه دونه قابلمه داره یه دونه پوست پوسفند که شب‌ها روش می‌خوابه همین سه چیزو داره...

۱۴۰۰ ساله قرآن می‌فرماید قیامت نزدیکه.

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿قمر ۱﴾

انصاریان: قیامت بسیار نزدیک شد، و ماه از هم شکافت.

سوال چه جور میشه که ۱۴۰۰ ساله خدا می فرماید قیامت نزدیکه ولی هنوز قیامت نشده؟

گرچه در مقیاس عمر دنیا ممکن است هزاران سال طول بکشد، اما توجه به مجموع عمر این جهان از یکسو، و با توجه به این که تمام عمر دنیا در برابر قیامت لحظه زود گذری بیش نیست منظور از این تعبیر روشن می شود

برای اینکه روز قیامت از یه نفر که مثلاً ۱۰۰ سال عمر کرده در دنیا میگذر چقدر در دنیا بودی میگذه یا یه روز بودم یا نصف روز بودم با اینکه صد سال تو دنیا بوده! لذا 1400 سال برای خدا شاید یک لحظه باشد.

اصل مطلب اینست که ما از قیامت در هراس باشیم **روزی که وقتی در قیامت چشم پیامبران به آتش های جهنم که زبانه میکشه میفته همه به زانو میفتن پیامبران.**

همه پیامبران به پیامبر اسلام پناه می‌برند. پیامبر اسلام به حضرت زهرا می‌فرماید
پیامبران به من پناه بردند چه بکنیم براشون؟ حضرت زهرا می‌فرماید دو دست
بریده حضرت عباس رو شفیع قرار بدهیم

وقتی که این دو دست رو شفیع قرار میدن سختی قیامت از پیامبران برداشته میشه
باز در روایت است که میگه وقتی که جهنم زبانی میکشه هیچ ملک مقرب. و
پیامبر مرسل نیست مگه به زانو در می‌افته. میگه خدایا نجاتم بده حتی میگه
حضرت ابراهیم فرزندش اسحاق را از یاد می‌بره میگه خدایا من خلیل تو ابراهیم
منو فراموش نکن همه پیامبران می‌گن نفسی نفسی پیامبر اسلام میگه خدایا امتی
امتی

البته فقط این مختص به پیامبر اسلام نبوده که راجع به قیامت خیلی حساس بودن
علمای ما اینجور بودن یکی از علما وقتی این آیه شریفه سوره یاسین رو سر منبر
می‌خواند

وَأَمْتَارُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ

یس ایه 59

و. [ندا آید:] ای گناهکاران! امروز [از صف نیکان] جدا شوید

این آیه رو که میخواند سر منبر غش می کرد گاهی می افتاد پایین از منبر بیهوش میشد

آیه قران میگه : هل من مزید ؟

جهنم مگه هوز خیلی جا دارم حالا هر چند میلیارد خدا بفرسته جهنم. جهنم میگه هل من مزید من هنوز جا دارم بفرست!

محدث قمی همین صاحب مفاتیح الجنان. وقتی که به این آیه می رسید **و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون** خدا می فرماید من شما را خلق نکردم مگه برای عبادت

لرزه بر اندامش می افتاد و می فرمود **وا اسفا چقدر غافلیم و چه اندازه از خدا دور افتاده ایم در حالی که هدف عبادت بوده ولی ما مشغول به چی شدیم** ما می بینیم اکثر مردم مشغول به غیر عبادتند. همت آنها فقط خوردن خوابیدن و شهوات است!

عمر گران مایه در این صرف شد تا چه خورم سیف و چه پوشم شتا.

تابستون چه بخورم زمستون چی پوشم

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿١٠١﴾ ﴿الانبیاء﴾

انصاریان: مردم را [هنگام] حسابرسی [آنچه در مدت عمرشان انجام داده اند] نزدیک شده در حالی که آنان با [فرو افتادن] در غفلت [از دلایل اثبات کننده معاد] روی گردانند.

خدا میگه حساب مردم نزدیک شد ولی مردم در غفلت هستند بجز اولیاء خدا
فرزند مرحوم شیخ عباس قمی میگه پدرم شب جمعه پس از نماز شب. مشغول
قرائت سوره یاسین می شد وقتی که به این آیه می رسد **هذه جهنم التي كنتم**
توعدون جهنمیست که بهتون وعده داده شد هی تکرار می کرد هی میگفت اعوذ
بالله من النار پناه می برم به خدا از آتش جهنم چنان منقلب می شد نمی توانست بقیه
سوره رو بخونه همینجور می موند تا اذان صبح مشغول نماز بشه

خب کسی که این حالات خوش رو داره ایا دیگه دنبال دنیا میره؟ دنبال حرام
خواری میره دنبال کلاهبرداری میره دنبال گناه کبیره میره اینا دیگه میشن معصوم
از گناه

امام صادق(ع) درباره سلمان میگه. سلمان داشت تو بازار آهنگران کوفه می رفت
ناگهان دید مردم دور یه نفر جمع شدن جناب سلمان رفت و دید یه جوانی غش
کرده بود مردم دورش جمع شدن مردم سلمانو تا دیدن می شناختن گفتن ای
ابوعبدالله کنیه ایشون بوده این جوان غش کرده شما اهل دعائی اهل کرامتی یک

دعا برایش بخون خوب بشه سلمان کنار جوان رفت تکونش داد جوون چشمشو باز کرد حالش خوب شد. سلمان گفت ای جوان چته؟ گفت ای ابو عبدالله به سلمان گفت من هیچ مریضی ندارم اینا خیال می کنن من غشی هستم من سالمم من دچار انقلاب روحی شدم چون داشتم از بازار آهنگرا رد می شدم دیدم یه آهنگری قطعه آهنگ داخل روی سندان گذاشته چند نفر با پک بر اون می کوبن تا اینو دیدم به یاد این آیه شریفه افتادم در سوره حج.

وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ

حج ایه 21

و برای آنان گرزهایی از آهن [مخصوص] است [که بر سرشان می کوبند].

که میگه ماموران عذاب الهی گرزهای آهنین بر سر جهنمیان فرود میارند به یاد عذاب الهی افتادم از ترس عقل از سرم رفت سلمان دید عجب جوان خوبیه با معرفته. با این رفیق شد گفت تو دیگه برادر من باش خلاصه دیگه پیوسته با همدیگر رفت و آمد داشتند تا اینکه این جوان مریض شده دیگه معلوم شد داره از دنیا میره چون سلمان ۳۰۰ سال عمر کرد او عمرش طولانی بوده مرگ خیلیا

رو دیده ۳۰۰ سال سلمان فارسی عمر کرد خلاصه سلمان بالا سر این جوان که
رفیق شده بود در حال احتضار بود. دید در حال جان دادنه. سلمان رو کرد به
عزرائیل گفت ای ملک الموت با برادر من مهربان باش با راحتی باهاش رفتار کن
بهش سخت نگیر عزرائیل گفت ای ابو عبدالله من با هر شخص مومنی رفیق
می شوم و با او مدارا می کنم و با راحتی جانش را میگیرم.

یکی از گنج های که خدا به ما داده ولی ما قدرشو نمی دانیم قرآن است این قرآن
برای ما همه چی گفته. از پیامبران گذشته. از پادشاهان گذشته. از اقوامی که
بخاطر کفر از بین رفتند.

اینکه چه راهی راه درستیه چه راهی راه نادرستیه برای ما گفته ولی باز می بینیم
با این وجود شما می بینی که اکثر مردم در مسیر نادرستند.

این زن هایی میان و درخواست کمک مالی دارند چون شوهراشون معتاد بوده
خب چرا باید به آقا معتاد بشه چرا چون از قرآن فاصله گرفت هر که از قرآن
فاصله گرفت یا معتاد میشه یا به مشکل دیگه پیدا می کنه

اینقدر آدم ناراحت میشه به خانمی آمد که شوهرش معتاده. طلاق گرفته با به
دختر. میگه حاج آقای دخترم الان از من گوشی می خواد من از کجا بیارم من
یارانه گیرم. چه جور برم به گوشی برای دخترم بگیرم شما بگید یکی از این
مومنین بشه حامی گفتم اینایی که میاند نماز خودشون مشکل مالی دارن اینا
نماز گزارای مستضعفن! پولدارا که میان مسجد! ما 37 ساله امام جماعت
مسجدیم تابحال پولداری ندیدیم بیاد مسجد!

در هر حال شما بدانید هر کسی معتاد شد علت اصلیش اینه که با قرآن قهر بود با قرآن اگر کسی قهر نباشه. هر روز از قرآن تلاوت کنه و به ان عمل کنه هیچوقت معتاد نمیشه

یکی از مسائلی که ما انسان‌ها خیلی کنجکاو هستیم دربارش بدونیم مساله بعد از مردنه!

بعد از مردن چه بر سر ما میاد چه اتفاقاتی برای ما می افته؟ کجا میریم؟

سه تا حادثه در هر انسانی مهمترین حوادث عمرشه. یکی وقتی به دنیا میاد تولد خیلی مهمه دوم مردن دیگه از مردن مهمتر ما نداریم سوم. بعد از مردن بعد از مردن چی میشه کجا میریم یه فرقه‌ای هست در اهل حق به نام خاموشی میگن وقتی ما مردیم دیگه چراغمون خاموش میشه دروغ میگن چراغمون خاموش نمی‌شه

در حدیث نبوی فرمود قبر یا چاهی از چاه‌های جهنمه یا باغی از باغ‌های بهشت یکی از این دو تاست. اهل قرآن خدا به دادشون می‌رسه امیرالمومنین شب اول قبر به دادشون میرسه یا اینکه قبر چاهی از چاه‌های جهنمه وقتی ما را تو قبر می‌ذارن حالا هی کارشناسا بیان نگاه کن چیزی نمی‌بینن چون عالم برزخ دیدنی نیست اینی که خدا می‌فرماید در سوره بقره **یومنون بالغیب** مومن ایمان به غیب

داره غیب چیه یکی همین عالم برزخه شما الان قبر رو باز کنید نه چاه می‌بینی نه باغی ولی به ما گفتن برزخ تو همین قبره

نقل است صبح جوانی در صف نماز جماعت در محضر رسول خدا بعد نماز صبح هی چرت میزد آقا رسول الله فرمود چرا چرت میزنی. چی شده کجا بودی گفت یا رسول الله به یقین رسیدم! حضرت فرمود علامت یقینت چیه گفت از صدای گریه اهل جهنم شب خوابم نمی‌بره انقدر اینا داد می‌زنن فریاد می‌زنن نعره می‌کشن از عذاب. من خوابم نمی‌بره

دختر علامه طباطبایی میگه دیدم علامه نصف شب هی بلند شده تو حیاط راه میره گفتم آقا چرا نمی‌خوابید فرمود صدای تسبیح این. درختها دیوارها نمی‌ذاره من بخوابم تسبیح خدا میگن **یسبح لله ما فی السماوات و ما فی الارض** تمام عالم تسبیح میگن **ولکن لا تفقهون** ولی ادمای عادی صدای تسبیح رو نمی‌فهمند.

غیر از امثال علامه طباطبایی و بعضیا که واقعاً ریاضت کشیدن. علامه ۲۰ سال تا صبح نشسته المیزان نوشت ما گرفتیم خوابیدیم خب معلومه ما هیچی نمی‌بینیم اون ۲۰ سال تا صبح بیدار بوده سختی کشیده. علامه خانه نداشت مستاجر بود. یه نفر آمد محضر علامه طباطبایی گفت حاج آقا این پولو بگیر خانه بخر. علامه گفت من نمی‌خوام. اون اقا گفت هدیه است از خمس نیست علامه قبول نکرد

حالا ما باشیم قبول می کنیم یکی بیاد بگه آقا این پولو بگیر یه میلیاردو بگیر دو
میلیاردو بگیر یه خانه برای خودت بخرما فوری قبول می کنیم! اما علامه طباطبایی
قبول نکرد.

نواب صفوی هم همینجور بود

حضرت آیت الله خزعلی در خاطرات خود آورده است: «شبى نزد او سی هزار
تومان پول برده بودند، تا برای خود یک خانه ای تهیه کند؛ زیرا در آن تاریخ با
سی هزار تومان می شد یک خانه کوچک تهیه کرد. به او گفته بودند که این
مبلغ نه سهم سادات و نه سهم امام و نه از وجوهات دیگر است؛ این هدیه ای
است از ما به شما برای خرید یک باب منزل شخصی برای خودتان تا از اجاره
نشینی رها شوید. شهید نواب پاسخ داده بود که: اگر پول را به این شرط می
دهید نمی پذیرم، ولی اگر بدون شرط بدهید و مرا آزاد بگذارید خواهم پذیرفت
. شخص اهداء کننده پول را بدون شرط تسلیم او نمود. ایشان همان شب پول را
به بیوه زنان، یتیمان و محرومین و پاهنگانی که قبلا آنان را می شناخت توزیع
کرد. گره گشائی و رفع نیاز محرومان، از خصوصیات بارز این شهید راه حق
بود.»

اینها به اصطلاح رسیدن به جاهای بالای معنوی. رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند

پس ما اگر بریم داخل قبر با این چشم چیزی نمی بینیم اگر علامه طباطبایی بره سر قبر می بینه که این قبر مرحوم فلان که دیشب دفن شد یا انشالله باغی از باغ های بهشته مشغول لذات بهشته تا روز قیامت

روز قیامت هم که میشه ،مومن روز عروسیشه میگه روز قیامت روز عروسی مومنه روز خوشحالیشه چون می بینه تمام وعده هایی که در قرآن آمده همه محقق شده. تمام کفارذلیل میشن همه اونا اون روز روز گریه شونه روز ناراحتیشونه . همین ترامپ همین بایدن همین بن سلمان همینایی که افراد بی گناه رو تو همه جای دنیا شهید کردن همینا روز قیامت آنقدر اشک می ریزند که از اشک چشماشون رودخانه جاری میشه آنقدر گریه می کنن اینا ۵۰ هزار سال قیامت طول می کشه اینا همه سرپان ۵۰ هزار سال انقدر گریه میکنن رودخانه جاری میشه

خدا میفرماید

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

عنکبوت ایه 2

آیا مردم گمان کرده اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می شوند و آنان [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟

خیال کردن مردم ول شدن هر کسی هر کاری خواست بکنه! در حالی که تمام کارهایی که ما انجام میدیم همه نوشته میشه تمام ضبط میشه هر حرفی که می‌زنیم نوشته میشه پیامک که میدیم نوشته میشه تمام برخوردهایی که داریم همه ضبط شده آماده است تا اگر خیر بود پاداش بدند اگر بد بود عذاب بشیم!

بیش از هزار آیه در قرآن درباره معاد هست ...

همه ما دوست داریم ببینیم بعد از مردنمون چه خبره

امام صادق علیه السلام فرمود وقتی که یک بنده مومن میمیرد. شش تا صورت وارد قبرش می‌شود انشالله وارد قبر ما هم بشوند که دارای یک نورانیت و بوی خوش و پاکیزگی هستند. این شش تا سه تا خصلت دارند نورانی هستند معطر هستند و پاکیزه هستند یکی از اون نورها وایمیسه سمت راست مرده. یکی سمت چپ یکی مقابل یکی پشت سر یکی کنار پا یکی که از همه زیباتره کنار سر میته

مومن وایمیسه. این شیشمی که مقامش خیلی از همه بالاتره از اون بقیه سوال می‌کنه میگه شما کی هستید معرفی کنید خودتونو. اونی که سمت راست مرده است میگه من نمازم همین نمازهایی که ما می‌خوایم اونی که سمت چپ میگه من زکاتم. روبرویی میگه من روزه ام پشت سری میگه من حج و عمره ام اگه آدم مشرف شده باشه اونی که. کنار پا وایساده میگه من کارهای خیرم. با پا حرکت کرده رفته کار خیر انجام داد بعد اون پنج تا از این که از همه زیباتره و کنار سر میت وایساده میگن تو کی هستی که از همه ما زیباتری؟ جواب میده میگه من

ولایت آل محمد هستم

این حدیث بشارت بود حالا به حدیث انذار یعنی باید بترسیم

نقل است در زمان عمر یک غلامی ارباب خودشو کشته بود خب عمر گفت اینو بکشید چون اربابشو کشته

حضرت علی(ع) خبردار شد غلام رو خواست گفت چرا اربابتو کشتی گفت به زور به من تجاوز کرد حضرت علی(ع) به اولیاء مقتول گفت که ایا مرده رو دفن کردید گفتند بله امام فرمود برید و سه روز دیگه نزد من بیایید و به عمر گفت این غلام رو زندانی کن من کار دارم

خیلی حدیث تکان دهنده است بعد از سه روز امیرالمومنین به همراه عمر رفتن سر قبر مقتول همون اربابی که به دست غلام کشته شده بود حضرت فرمود قبرشو باز کنید قبرشو باز کردن دیدن تو کفن جسد نیست حضرت علی(ع) فرمود الله اکبر تکبیر گفت به خدا قسم از رسول خدا شنیدم که فرمود هر شخصی از امت من لواط کند و بدون توبه بمیرد (حالا اگه توبه کنه خدا می بخشه) او را سه روز بعد از دفن مهلت می دهند بعد زمین او را فرو می برد تا به قوم لوط برساند در شهر سدوم و با آنها محشور شود...و معلوم شد غلام راست میگه و ازادش کردند...

ما اگر نسبت به آخرتمون توجه داشته باشیم تفکر داشته باشیم این می تواند در زندگی ما اثرات مثبتی ایجاد بکند

نقل است حضرت عیسی از یک قبرستانی عبور می کرد و با اون چشم ملکوتیش دید داخل یک قبری خلاصه آتش هست و دارن اون بیچاره رو آتش میزنند و عذاب می کنند. حضرت او را زنده کرد. قبر شکافته شد شخصی را در میان آتش دید. فرمود چه کرده ای که دچار این عذاب شدی گفت مردی بودم به دنبال زن های مردم می رفتم و کارهای ناشایست می کردم و زنا می کردم چون از دنیا رفتم صدایی شنیدم که گفت او را بسوزانید از اون ساعت دارن منو میسوزونند

حضرت عیسیٰ نگاهش به ماری سیاه و عظیم افتاد. پرسید ای مار با این مسکین چه می‌کنی گفت از آن زمان که او را دفن کرده‌اند یک لحظه از او غافل نبودم و بازهری که اگر یک قطره آن را در رود نیل بریزند همه آن زهر قاتل می‌شود بر او مشغولم

بله این نیست که ما رها شده باشیم هر کاری دلمون خواست انجام بدیم همین بن سلمان که این همه جنایت در حق مردم یمن مرتکب شد شما خیال می‌کنید خدا رهاش می‌کند این ترامپ که سردار ما را به شهادت رساند خدا رهاش می‌کند. هر کاری ما انجام بدیم عکس‌العمل دارد کار خوب انجام بدیم عکس‌العملشو

اگه مومن باشه اهل مسجد باشه اهل نماز اول وقت باشه اهل روزه باشه دنبال کارهای زشت نرفته باشه کمک به نیازمندان کرده از اون زمانی که از دنیا میره راحتی او شروع میشه. عزت و احترام فوق‌العاده دارد حدیث داریم که ۳۰۰

هزار فرشته میان استقبالش مرحبا می‌گن بهش. سلام می‌کنن میگن تو در امتحان الهی سربلند شدی

ولی بدا به حال کسانی که اهل نماز نیستن هی مشغول جمع‌آوری پولند وقتی که می‌میرن تازه بیدار میشن میگن ای داد ما چه اشتباهی کردیم بعد میگن خدایا ما را برگردون صدقه میدیم نماز می‌خونیم میگن تمام شده دیگه مهلت تمام شد

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

ملک ایه 2

آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید،
و او توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است

. خداوند در سوره ملک می فرماید ما شما را با حیات و مرگ امتحان می کنیم

بینیم کدام یک از شما در امتحان پیروز میشه

یکی از کسانی که در امتحان الهی که خیلی هم امتحان سختی بود پیروز شد زنی

بود که آرایشگر دختر و زن فرعون بود.

تو آل فرعون تو دستگاه فرعون با اینکه این آدم خیلی دیکتاتوری و طاغوتی بود می گفت **انا ربکم الاعلی** من خدای بالاتر شما هستم بزرگتر شما هستم ولی چند تا مومن تو دستگاه آل فرعون بوده یکی **حبيب نجار** بوده مومن آل فرعون بوده یکی هم این زن ارایشگره. این زنه موحد بود یکتا پرست بود ولی ایمان خودش رو مخفی کرده بود. اما یه دفعه داشت دختر فرعون آرایش می کرد شونه از دستش افتاد گفت بسم الله دختر فرعون گفتش که مرادت که گفتید به نام خدا پدر منه گفت نه اینجا دیگه ظاهر کرد ایمان خودش رو. گفت مرادم الله است که خدای من و خدای تو و خدای پدرتو است

دختر فرعون رفت گزارش داد که آقا این خانمی که آرایشگره ایشون شما را قبول نداره این خداپرسته یکتا پرسته! این فرعون جنایتکار چیکار کرد دستور داد که. یک دونه تنور از مس ذوب شده آماده کردند تنور از مس ذوب شده در اون دمیدند بعد دستور داد این خانم را با بچه هاش چهار پنج تا بچه داشت آوردند کنار تنور. فرعون گفت که خدات کیه گفت خدای من و خدای تو آقای فرعون الله است فرعونم گفت حالا که اینجوریه می دونم بات چه کار بکنم دستور داد که این مادر را و پنج تا بچه اش را داخل تنور مس ذوب شده انداختند

. خب این یک امتحان بود خدا حالا اگه ماها بودیم به ما می گفتن آقا یا دست

بردارید یا شما رو میندازیم توی تنور چه می کردیم واقعاً **ما در صلح و صفا**

مومنین اما در هنگام سخنی معلوم نیست در امتحان الهی بیرون بیاییم

شهید حججی میگن وقتی بدست دوش اسیر شد بش گفتند یا ولایت و نظام
دست بردار یا سرتو می بریم. جواب داد به هیچ قیمت دست بر نمی زارم از انقلاب
و از امام و از جمهوری اسلامی و از خدا و از حضرت علی و از ولایت. داعش
سرشو بریدن

خدا به بعضیا چه ایمانی میده واقعا برای همینه که وقتی که پیامبر رفت معراج
یک بوی عطر احساس کرد. پرسید جبرئیل این بوی عطر مال کیه تو آسمان پخشه
گفت این مال آرایشگر فرعونه مال همون خانمیست که استقامت داشت
قبر غلام علی(ع) هم در امتحان الهی موفق شد.

حجاج خونخوار که 120 هزار شیعه رو کشت ، قبر را احضار کرد و گفت از
مولات علی دست بردار یا سرتو می برم

قبر گفت اتفاقاً مولایم امیرالمومنین به من خبر داد که تو مرا احضار می کنی و
منو مثل گوسفند سر میبری!

قنبر با اینکه غلام سیاهی بوده ولی معرفتش خیلی بالاست بعضیا صورتشون
سفیده ولی معرفت ندارن دلشون سیاهه. اما این ظاهرش سیاه بود ولی دلش
نورانی بود. حجاج سرشو برید مثل گوسفند

اصحاب امام حسین(ع) هم در امتحان الهی موفق شدند

انها تا آخرین لحظه می گفتند ما دوست داریم هزار بار جان داشته باشیم در راه
امام حسین فدا کنیم.

الذی خلق الموت و الحیات لیبلوکم ایکم احسن عملا

خداوند مرگ و زندگی را آفرید تا معلوم شود ما چه می کنیم. چه کسی بهترین عمل را دارد.

یاد مرگ انسان را از گناه دور می کند.

چون در روایت داره هر کسی روزی ۲۰ بار به یاد مرگ بیفته اینو جز شهدا ثبت می کنند اسمشو ولو شهید نشه خیلی یاد مرگ برامون خوبه باعث میشه که انسان دنیا طلب نشه اهل گناه و معصیت نشه در این رابطه روایتی است که آقا وقتی ما مریدیم با این بدنمون چی می کنن چه بلایی سر بدن ما میاد. می دانید که ما وقتی که می میریم روح ما از این جسم به دنیوی خارج میشه وارد یک جسمی میشه به نام جسم مثالی

جسم مثالی فرقتش با این بدن دنیوی اینه که پیر نمی شه مریض نمی شه مثلاً دیوار مانعش نمی شه بعد زمان و مکان نداره زمان درش اثر نمی کنه جسم دنیا پیر میشه مریض میشه فرسوده می شه اما جسم برزخی یه میلیارد سال هم عمر بکنه هیچیش نیست سر جاش. یکسانه ولی این جسم به دنیا بمون توی قبر بالاخره گوشت چربی خون اینا فاسد میشن البته افرادی هستند که اینا بدنشون با معجزه الهی سالم می مانه مثلاً کسی که هر جمعه غسل جمعه بکنه در روایت داریم بدنش نمی پوسه کسی که برای مسجد فرش بگیره مسجد فرش بکنه بدنش تو قبر نمی پوسه کسانی که اهل نماز شب بودن. شهیدی است در تهران به نام شهید عطری میگند بالای قبرش میری قبرش توی عطر میده مادر ایشون می گفت این غسل جمعه اش

ترک نمی شد زیارت عاشورا نماز شبش ترک نمی شد اما بقیه ماها که عادی هستیم اهل این چیزا نیستیم بدنمون بعد از مدتی از بین میره

قبری بوده در قم بعد از صدها سال قطب راوندی بوده که بوده وقتی که می خواستند حرم قم رو تعمیر کنند یه دفعه دیدند بدنش بعد از هفت قرن سال ساده سالم است

آیت الله العظمی اراکی می فرمود:

مرحوم آخوند محمد حسن جلالی نقل کرد: استادم مرحوم آقا شیخ محمد حسین می فرمود: وقتی صدراعظم قریب به زمان مشروطیت، حدود هفت قرن بعد از فوت مرحوم قطب راوندی، صحن حرم مطهر حضرت معصومه (س) در قم را تعمیر می کرد، در اثر تعمیر، روزنه ای به قبر مرحوم قطب راوندی باز شده بود، من رفتم و از نزدیک دیدم دو سر زانوی مرحوم قطب راوندی سالم است، به گونه ای که به نظر می رسید جنازه تازه دفن شده است.

سر خود را داخل قبر کردم و سر زانوی آن بزرگوار را بوسیدم در حالی که اثری از فرسودگی در آن نبود و هیچ تأثیری هم از بوسیدن من در آن بوجود نیامد.

آیت الله اراکی می فرمودند: من قبلاً این داستان را شنیده بودم و این مطلب هم بین مردم قم متواتر بود که جنازه مرحوم قطب راوندی تازه است.^{۱۴}

یا شیخ صدوق میگوید وقتی که بدنش بعد صدها سال سالم بوده حتی این حنایی که روی ناخنش بود مثلاً بعد از ۷۰۰ ۸۰۰ سال هنوز حنای بدنش سالم بود.

سالم بودن جسد شیخ صدوق بعد از نهصد سال

حدود سال 1238 هجری قمری در اثر بارندگی زیاد و جریان سیل، قبر مرحوم شیخ صدوق در شهر ری که در میان سردابی بود خراب شد احتیاج به تعمیر پیدا کرد، موقعی که قبر را برای تعمیر شکافتند، روی لحد باز شد و جسد آن مرحوم نمودار شد، دیدند بدن همانطور مانند روزهای اول دفن تازه و بدون هیچ تغییری مانده، فقط کفن پوشیده شده و شبیه فتیله فتیله به اطراف بدن ریخته بود. مردم همه از علما و مومنین می رفتند آن بدن پاک را در آن سرداب زیارت و مشاهده می کردند که برای تمامی اهالی شهر هیچ گونه شکی نماند حتی برای آنهایی که

با اقتباس و ویراست از کتاب روزنه هایی از عالم غیب^{۱۴}

نمی توانستند بروند هم از کثرت شهرت، یقین حاصل شد. وقتی که این خبر به سلطان وقت فتحعلی شاه رسید، با عده ای از درباریان در آن مکان شریف حاضر شد و برای همه این کرامت واضح و روشن گردید، آن وقت شاه دستور داد قبر را تعمیر نموده و قبه ای با کمال استحکام و با تمام زینت روی آن بنا نمودند که هم اکنون محل زیارت مومنین و شیعیان می باشد

این یه معجزه است بله. کسی که یک نشانه خدا قرار میده که منی که خدا هستم چقدر قدرت دارم این بدنی که باید بعد از یک مثلاً ۳۰ سال ۴۰ سال هیچ اثری ازش نمونه من بعد از هزار سال سالم نگهش می دارم

مثل امام زمان علیه السلام میگویند هر کسی امام زمان رو دیده به شکل یک فرد ۳۰ ساله دیده ۳۰ ساله آقا امام زمان ۱۱۸۰ و خورده ای از عمرش داره می گذره ولی هر کسی امام را ببینه به شکل یک فرد ۳۰ ساله دیده است...

بعد مردن چه بر سر جسد ادم میاد؟

روایتی وقتی که شخصی می میره روح او میگه خدایا به من اجازه بده برم بینم بدنم چی شده خدا بهش اجازه میده میره به طرف قبر می بینه آب از بینی جسدش بیرون زده و از گوش و دهانش سیلان می کنه با دیدن این منظره به گریه

میفته بیچاره من. این است محل غم و اندوه و پشیمانی میره بالا به آسمان بالا میره بعد از ۵ روز دوباره میگه خدا یه اجازه بده برم بینم بدن من چی شد. خدا بهش اجازه میده وقتی که میاد سر جسد بعد از ۵ روز می بینه چرک و زرداب از بینی و دهان و گوشش بیرون زده و به گریه می افته میگه ای بدن بیچاره من در ایام زندگی دنیا هیچ به فکرم بود که توشه ای پیش بفرستم باز به آسمان بالا میره. بعد از هفت روز باز می گرده نگاه می کنه می بینه خون و چرک از دهان و بینی و گوش هایش بیرون زده و کرم به بدن افتاده کرم داره بدن رو می خوره. با گریه و زاری میگه این مکان جای کرم ها و عقرب هایی است که گوشت تو را می خورند و پوست و اعضای تو را از هم می درند. به یاد ایام زندگی باش که هرگاه مریض و گرفتار می شدی دوستان و خانواده ات برایت دعا می کردند چه عطرای می زدی چه ادکلنایی می زدی چه شامپوهایی می زدی چقدر صابون می زدی چقدر حمام می رفتی به خودت می رسیدی حالا این بدن داره می پوسه

اینه دیگه انسان باید از این ها عبرت بگیره و **البته** اسلام دین زندگیه نمیگه همش گریه بکن همش اندوهگین باشه همش غمگین باشه ولی میگه وابسته دنیا نشو مواظب باش این چیزا آدمو از وابستگی نجات میده. اینا عبرت هستند و الا امامان ما لباس های شیک می پوشیدند مخصوصا امام رضا علیه السلام لباس گران قیمت

می پوشید امام صادق لباس گران قیمت می پوشید اسلام نگفته از مواهب زندگی استفاده نکن

نقل است یه نفر آمد محضر پیامبر پولدار بود لباسش کهنه بود فقیرانه بود آقا رسول الله فرمود خدا به کسی نعمت میداد باید اثر نعمت معلوم باشه. چرا اثر نعمت در تو نیست خدا به تو ثروت داده چرا لباس فقیرانه است؟ گفت یعنی یا رسول الله برم لباس گران قیمت بپوشم؟ فرمود آره دیگه ثروتمندی.

اگر ثروتمند خمس زکاتشو بده کمک به فقرا بکنه لباس گران قیمت بپوشه آخه تو چه ثروتمندی هستی که لباس به قول امروزی ۲۰۰۰ تومن نمی ارزه این فرد رفت لباس گران قیمت می پوشید میگفت پیامبر به من دستور داده

نقل است میگویند یک چند تا روحانی می خواستن اول انقلاب از طرف امام برن چین برنامه ای داشتن رسیدن محضر امام گفتن آقا ما اونجا چه جور زندگی کنیم فقیرانه یا مرفهانه! امام فرمود نرید تو مسافرخانه های ارزان قیمت. مکان های فقیرانه نرید. برید جاهایی گران قیمت. پول در اختیار شما قرار میدیم لباس گران قیمت بپوشید که اسلام با عزت باشه.

نقل است نماینده آیت الله بروجردی در مرکز اسلامی هامبورگ آلمان آمد محضر ایشان عرض کرد در آلمان ماشین ندارم. آقای محقق گفت آقا من اونجا

کنار خیابون وایمیستم هیچکی منو سوار نمی کنه! خیلی آقای بروجردی ناراحت شد یه پول زیادی بهش داد فرمود برگشتی آلمان ماشین می خری. ماشین آخرین سیستم. بعد اگر خودت رانندگی بلد نیستی راننده استخدام می کنی اسلام باید عزیز باشه نباید مقابل کفار ذلیل باشیم.

نقل است وقتی پدرمادر و برادرای یوسف آمدند مصر. داخل کاخ و قصر یوسف حضرت یوسف زینت ها را پوشید آمد در مقابل اون دستگاه وزرا همه چشمشون افتاد به حضرت یوسف چه زینت هایی چه لباس هایی گران قیمت خدا بهش گفت خدا بهش دستور داد یا زینت و لباس گران قیمتی ظاهر شو.

اسلام که نگفته بیچاره باش فقیر باش. نقل است امام زمان میاد انقدر پول به مردم میده و انقدر مردم پولدار میشند هر کسی می گرده فقری پیدا کنه زکات بده فقری پیدا نمی کنه. همه مرفه میشند.

شما می بینید بعضی شبها تو مسجد یه خانمی میاد پول می خواد چرا باید این خانم فقیر باشه. این خانم باید تو خانه بشینه بانوی خانه باشه ولی به خاطر مشکلات زندگی پا شده آمده مسجد میگند حاج آقا اجازه بدید مردم یه پولی براش جمع کنیم

. اسلام با فقر مخالفه با ذلت با هر چیزی که باعث ذلت بشه مخالفه

الذی خلق الموت و الحیات لیبلوکم ایکم احسن عملا

آقا رسول الله (ص) فرمودند دیشب یه خواب عجیبی دیدم خواب پیامبر ها با

خواب من و شما فرق داره خواب پیامبر مثل بیداری می مونه. فرمود که دیدم

مردی از امت مرا خواستن عذاب کنند ولی وضو آمد وضو همین وضویی که ما

می گیریم مانع عذابش شد خیال نکن این دستوراتی که ما انجام میدیم
همینجوری خدا یه چیزی گفته همش روی فایده است در عالم دیگر نتیجه شو
می بینیم فرمود شیاطین مردی از امت مرا دچار وحشت کردند ولی ذکر می گفت
و ذکر او را نجات داد این ذکر که میگفت استغفار و تسبیح و تحمید و تکبیر و
تهلیل و صلوات هایی که می فرستید اینا آمدنجاتش داد. دیدم مردی از امتم
مامورین عذاب آمدند سراغش ولی نماز آمد و مانع عذابش شد.

یکروز امامزاده رفتیم امامزاده ابراهیم طاق بستان. جوانی تو امامزاده هی اشاره
می کرد به امامزاده اشکش سرازیر بود. حاجت داشت من فهمیدم این عاشقه آمده
تا امامزاده کمکش کنه به مرادش برسه. خلاصه از امامزاده می خواد که به عشقش
برسه بعدم آمد سراغ ما گفت چیکار کنم به این حاجتم برسم؟ گفتم شما نماز
میخونی گفت نه! ایا اون طرفتم نماز می خونه یا نه گفت چرا دروغ بگم نه نماز
نمی خونه. ولی حرم امام رضا رفته تازه رفتن مشهد گفتم که امام صادق علیه
السلام موقعی که از دنیا خواست بره گفت همه فامیلا رو جمع کنید وقتی همه
آمدند گفت ای فامیل های من کسی که نماز را سبک بشمارد ما ازش شفاعت
نمی کنیم امام رضا هم همین حرف امام صادق رو میزنه فرقی بین امام رضا با امام
صادق نیست گفتم شما از همین امروز شروع کن نماز خواندن گفت یعنی نماز

بخونم حل بشه گفتم اگه انسان نمازش درست باشه خدا بش نظر لطف میکنه و حاجاتشو برآورده می کنه. انسانهای موفق نمازخوان بودند. حضرت امام اگر نماز نمی خوند پیروز نمیشد. حضرت علی اگه نماز نمی خوند پیروز نمی شد. تمام پیروزی ها تمام موفقیت ها مال همین نماز هست شما نماز بخون تا خدا کمکت کنه

ادامه حدیث نبوی:

دیدم مردی از اتمم دچار تشنگی و عطش بود هرگاه می خواست آب بنوشد نمی داشتند ولی روزه ماه رمضان آمد و او را سیراب کرد. روزه گرفتی اونجا به دادت میرسه. دیدم مردی از اتمم را که می خواست به گروه پیامبران که نشسته بودن پیوندد ولی نمی داشتند می گفتند تو که پیامبر نیستی ناگهان. آقا خیلی عجیبه ها غسل جنابت آمد و دست او را گرفت و او را کنار من نشاند غسل جنابت اینقدر ارزش داره

دیدم مردی از اتمم را که مقابل و پشت سرو سمت راست و چپ و پایش تاریک بود و در تاریکی واقع بود حج و عمره آمدند و او را از تاریکی درآوردند و وارد نور کردند. مردی از اتمم با مومنین حرف می زد ولی آنها بهش

اعتنا نمی کردند ناگهان صله رحم آمد و گفت ای مومنین با این حرف بزنید این صله رحم می کرده. آنها با او دست دادند باهاش حرف زدن تحویلش گرفتند. دیدم مردی از امتم که دست و صورت خود را از آتش دور می کرد ولی آتش به طرفش می آمد ناگهان صدقه آمد و جلوی آتش رو گرفت شخصی از امتم از هر طرف آتش به طرفش زبانه می کشید ناگهان امر به معروف و نهی از منکر آمد و او را نجات دادند. مردی از امتم نامه عملش را به دست چپش دادند ولی خوف او از خدا آمد و نامه عملش را به دست راست دادند. مردی از امتم لبه جهنم ایستاده بقول معروف فقط یه هل می خواست تا بیافته تو جهنم ولی امیدش به خدا آمد. امیدوار بود به خدا. نجات یافت. دیدم مردی از امتم افتاد تو آتیش ولی اشک هایی که از ترس خدا ریخته بود آمد و او را از آتش درآورد

مردی از امتم می خواست از پل صراط رد بشه گاهی بر سینه گاهی بر دست و پایش می رفت گاهی معلق می شد ولی صلوات بر محمد و آل محمد نجاتش داد مردی از امتم در بهشت براش وانی کردند چه فایده دارد در بهشت برا آدم نکنند. ناگهان لا اله الا الله آمد و درها را باز کردند و او را وارد بهشت نمودند

امام صادق فرمودند که در روز قیامت اولین عضوی که سخن می گوید رَحِم

است میگو خدا یا هر که مرا وصل نمود توام امروز بین خود و او وصل نما و هر

که در دنیا مرا قطع کرد تو هم امروز قطع نما. لطفش نکن محبت بهش نکن

چقدر الان بین خانواده ها دعوا هست برادر با برادر ۱۰ ساله قهر هو با مادر با فامیل

های دیگه با همسایه. اینا روز قیامت گرفتارند یا باید برن وصل بکنن .

یک کسی می گفت آقا برادرم ۱۰۰ باره میرم به خانه اش نیاد منم دیگه تصمیم

گرفتم نرم گفتم همیشه باید تو بری تا زمان مردن تو برو یه بارم نیامد نیا تا غذا

انجام بده همیشه گفت چون اون وظیفه شو انجام نداد منم وظیفه مو انجام نده اسلام

به ما اجازه قطع رابطه با فامیل نداره حتی اگر پدر ما را اذیت کرد به ما ظلم کرد

حق ما را خورد بازم باید احترام انها را نگه داریم.. کسی اینجا اومد گفت آقا

پدرمون مرده برادر خواهرها همه حق منو بردن نمیدن باید گفت اون در قیامت

خب خدا بررسی می کنه بر خورد می کنه ولی ما وظیفه مون چیه ما می تونیم سر

ارث با برادر و خواهر در گیر بشیم؟ شکایت همو نباید بکنیم آخه شکایت

کیومی کنم شکایت پدر و بکنیم؟ شکایت فرزند رو بکنیم؟ به ریس داد گاه بگیم

شکایت از خانواده دارم؟ مثلا برادرم حق منو خورده؟ نمی شه شکایت کرد. حتی

اگر بحث میلیارد و بحث ثروت زیادی باشه تازه می گفت من نیازی هم ندارما
بگو من نیازی هم ندارم یه

یک کسی می گفت من دچار مشکلاتی شدم شریکم سرم کلاه گذاشته دادگاه
اومده نصف خانه منو برده برای بانک. در حالی که من که نماز می خونم روزه
می گیرم به کسی ظلم نکردم گس این مشکلات از کجا پیدا شده؟

گفتم حتماً یه جا ظلم کردی! بعد از چند روز گفت بله پدرم که از دنیا رفت سر
یه قضیه ارث خواهرمو ندادم.

تمام کارهای عالم روی نظمه. خداوند، عالم را همینجوری رها نکرده که ما هر
کاری دلمون می خواست بکنیم شما دیدید صدام چقدر ظلم کرد آخرش از ته
چاه درش آوردند!

قذافی و مبارک و... اینا هم با ذلت برکنار شدند! یزید چقدر ظلم کرد ۴ سال بیشتر
حکومت نکرد حالا باباش معاویه ۴۰ سال حکومت کرد ولی یزید چهار سال! یا
عمر سعد برای اینکه بشه حاکم تهران مثلاً تهران چیه که بشه حاکمش سر امام
حسین رو برید. حضرت امام حسین بهش فرمود از گندم عراق نمی خوری این
کارو نکن او مسخره کرد امام حسین را و گفت اگر گندم نخورم از جومی خورم
ولی هیچی هر چقدر بعد از کشتن امام حسین رفت تو در بار ابن زیاد و یزید که

تو کوچه‌های کوفه بچه‌های کوفه مسخره‌اش می‌کردن آخرم با ذلت سرشو
مختار برید سر پسرش بُرید! نه دنیا گیرش آمد نه آخرت

چرا ما عاقل نیستیم چرا به فکر آخرت نیستیم این همه اعلامیه ما می‌بینیم آویزون
می‌کنن در این مغازه‌ها در تیر برق‌ها می‌چسبونن آقا فلانی جوان ۳۰ ساله
ورزشکار مرد! پلیسی سر جاده وایساده بود رفقاش رسیدن تو ماشین خواست
بشینه گفتن آقا ما تازه از بیمارستان آمدم کرونا میگیری! گفت ای بابا این حرفا
چیه فردا پلیسه جنازشو بردن قبرستان

هیچ راهی هیچ کسی از مرگ نمی‌تونه فرار کنه حتی ملائکه. تمام مخلوقات
حتی خود عزرائلم جانشو خدا می‌گیره

روایت میگه کسی که **روزی ۲۰ بار به یاد مرگ باشه خدا اسمشو جزو شهدا**
می‌نویسه آقا کسی که اسمش جزو شهدا هست به یاد مرگ هست دیگه
کلاهبرداری میکنه بعضی کاسب‌ها کم فروشنده! مگر در قرآن نمیگه ویل
للمطفین وای بر کم فروش‌ها چرا کم می‌فروشه آقای نانوا مگه نباید تو ۵۰۰
گرم ۶۰۰ گرم طبق قانون بدید چرا ۳۵۰ گرم میدی چرا ۳۰۰ گرم تمام اینا روز
قیامت در بهشت وایمیستن اگه بهشتی هم بشی و اینا نمی‌دارن بری بهشت. مردار
می‌فروشن حیوان‌هایی که سالم بوده مثلاً ذبح شرعی شده نمی‌فروشن کسی

گوسفندی گاوی داشته مرده میاد به قیمت نصف قیمت میده اینم نمیکه حساب و کتابی هست تمام اینا رو حساب به تو و پرنده ما نوشته میشه

آقایی که تلویزیون تو برنامه زندگی پس از زندگی پخش کرد برنامه شو گفت من من با زنم خیلی بد اخلاقی می کردم یک روز از دارست افتادم مردم. خوب یک دفعه عمل بد من رو نشون دادن به شکل گرگی بودای دنیا گفت آنقدر این وحشتناک بود که اصلاً من نمی تونم تصور شو بکنم بالاخره به من اجازه دادن برگردم به دنیا جبران کنم ولی می گفت ۵ ساله به آسمان نگاه نمی کنم چون او از آسمان آمد ان عمل بد من. می گفت ۵ ساله جرات نمی کنم به آسمان نگاه کنم پس یکی از چیزهایی که ما را کنترل میکنه در. اعمالمون و رفتارمون مخصوصاً اولین عضوی که در قیامت در دادگاه الهی علیه ما و به نفع ما یا علیه ما شهادت میده رَحِم است.

هیچ وقت برای مسائل ارثی برای مسائل مالی با برادری با خواهری با فامیلی قطع رابطه نکنید اگر اون ها هم نیامدن شما برید حالا لازم نیست حضوری برید بلکه پیامک بده یه سلامی بهش بکن. شماره کارت بگیرد اگه فامیل فقیری هست. ۲۰ هزار تومان براش ۵۰ هزار تومن براش بفرستید صله رحم صله رحم فقط احوالپرسی نیست

شخصی محضر امام صادق(ع) آمد حضرت فرمود دوبار اجلت رسید ولی چون صله رحم کردی به پسر عموت. خداوند اجلتو تاخیر انداخت **دوبار مرگت رسید** خبر نداری چون یه پولی دادی به پسر عموت همون اجلتو تأخیر انداخت... چقدر الان ما افراد گرفتار تو فامیل داریم این صدقه جلو کرونا را میگیره جلو بیماری های سخت میگیره امتحان کردیم. کسی کرونا گرفته میره با یه صدقه خدا نجاتش میده افرادی بودند خیلی قوی بودن بر اثر کرونا از دنیا رفت شاید اگر اینا صدقه می دادن الان زنده بودند

تا انسان کرونا گرفت فوری صدقه فوری بده. در گذشته پسری تصادف کرد دکتر جوابش کردن پدرش رفت پیش رجب علی خیاط گفت آقا دکتر! پسر منو جواب کردند داره می میره گفت سریع برید اینایی که کارگرایی که کار گیرشون نیومده اینا رو ببر خانه یه گوسفندی سر ببر آبگوشت به اینا بده بعد بگو اینا دعا کنن برای پسرت. این کارو انجام داد پسرش نجات پیدا کرد برگشت به دنیا با یه قربانی کردن. یه مهمانی دادن جلوی مرگو می گیره صدقه جلوی سوختن می گیره جلوی خفه شدن تو آبو می گیره جلو تصادف می گیره صدقه مخصوصاً به فامیل فقیر. هممون تو فامیلامون افراد فقیری می شناسیم مرتب به اونها صدقه بدهیم

امروز یه شری قراره بیاد ما گرفتار بشیم سر از دادگاه و پاسگاه و بی آبرویی و اینا
درباریم با یه صدقه جلوش گرفته میشه

روایت میگه وقتی که امام سجاد (ع) صدقه می داد دست خودش می بوسید.

می گفتن آقا چرا دست خودتو می بوسی می گفت اون کسی که صدقه رو
می گیره خداست نه فقیر. خدا خودش صدقه رو از من می گیره

از ویژگی های مهم پیامبران و امامان و شهدا و علما ربانی این بوده که قسمتی از
اموال خودشون رو برای نیازمندان در نظر می گیرند آیه محمدی گلپایگانی می
فرماید که شهید سرلشکر عباس بابایی. به من گفت من هیچ وقت خمس به
گردنم نمیاد برای اینکه یه مبلغی رو از حقوق برای مخارج ضرور برمی دارم بقیه
رو همه رو به نیازمندان میدم که خمس به گردنم نیاد یعنی انقدر پول تو حسابم
نمی مونه دیگه خمس به گردن من نمیاد

شهید عیسی نظری خیلی کم. اتفاق می افتاد حقوق ایشون به منزل برسد وقتی از
سپاه حقوق می گرفت می رفت سراغ نیازمندانی که می شناخت هم می رفت
ازشون دلجویی می کرد و احوالپرسی می کرد بعد همه پولی که گرفته بود میان
اونها تقسیم می کرد و با دست خالی ولی خوشحال به منزل می آمد

می‌گند که برای رفت و آمدش ایشون یه موتور داشت خانوادش میگند یه روز دیدیم ایشون داره پیاده میاد خانه. پرسیدیم که آقا عیسی موتور کجاست خندید گفت آن را به فردی که برای رفت و آمد خانواده‌اش وسیله‌ای نداشت دادم. اینها خیلی درجاتشون بالا بوداً مثلاً اون چیزی که نیاز داره انسان به نیازمند بده ارزشش خیلی بیشتره.

مثلاً یه کسی یه میلیارد تو حسابشو حالا ۲ میلیونم صدقه میده سه میلیون هم صدقه میده ثواب داره ولی یه کسی هست که درامدش کمه ولی باز به نیازمندان کمک می‌کنه

ما اینجا رفتیم خانواده شهید حجت الاسلام ملکی . خانمش می‌گفت ایشان زنده بود همیشه نصف حقوقش ناپیدا بود. ما نمی‌دانستیم کجا میره این نصف حقوقش. وقتی که شهید شد دیدیم چند تا خانواده بی‌سرپرست آمدن گفتن این شهید ملکی هر ماه به ما پول می‌داد واقعاً یه توفیقیست که انسان حتماً هر ماه به فقرا کمک بکنه

و فی اموالهم حق معلوم للسائل والمحروم

قرآن میگه مومن برای نیازمندان در اموالش یک حقی را مشخص کرده. مثلاً

یه زن و شوهری بودن هر دو شاغل بودن می گفتن فلانی ما ۳۰ درصد از حقوقمون رو نیت کردیم در کار خیر صرف کنیم

گاهی به من می گفت فلان مسجد لامپ لازم نداره؟ مفاتیح لازم نداره؟. فلان جا فلان چیز لازم نداره ما ۳۰ درصد از حقوقمونو برای این کار در نظر گرفته ایم
انفاق بلا را از انسان دور میکنه

نقل است یهودی رد شد آقا رسول الله فرمود این یهودی امروز اجلش رسیده تا شب دیگه کارش تمومه. اما دیدند فردا شده یهودی سرحال و زنده است
گفتن یا رسول الله این که زنده است؟ آقا رسول الله فرمود برید سوال کنید
دیروز چه کار خیری انجام داده. رفتن از یهودی سوال کردن گفتش که من
دیروز صدقه دادم. حضرت فرمود که برید تو پشته هیزمی که آورده از صحرا
بگردید چیه توش. رفتن دیدن یه مار سیاهی توشه. حضرت فرمود این
مار مامورش بوده ولی این صدقه که داده جلوی اجلش گرفته شد

در روایت است پیرمردی بعد یک عمر عبادت، متأسفانه دچار لغزش شد و یک
گناه کبیره ای مرتکب شد اونم عابدی کسی که سال ها عبادت می کرد شیطان
گولش زد به گناه بزرگی مرتکب شد بعد این عابد خیلی پشیمون شد بخودش

گفت چرا من این کارو کردم من ۳۰ سال ۴۰ سال ۵۰ سال عبادت کردم همه رو
بر باد فنا دادم با یه لذت یه ساعتی! عابد از ناراحتی سخته کرد زبانش بند آمد
همینجور ناراحت تو خونه نشسته بود یه فقیری آمد شنید آقای عابد مریضه. آمد
عیادتش این عابد زبان نداشت با دست اشاره کرد گفت آقا برو از این سفره من
نان بردار با دست اشاره کرد اون فقیرم رفت از سفره نان برداشت. بعد تشکر کرد
و رفت. فقیر که رفت عابد هم مُرد. در عالم آخرت بهش گفتن به خاطر اون
زنایی که کردی تمام اعمال باطله ولی به خاطر اون صدقه‌ای که به فقیر دادی
خدا تو رو بخشید از جهنم نجات پیدا کردی

با یه نان نجات پیدا کرد

. خداوند راه رو برای ما باز کرده گفته به این صدقات بلا را از خودت دور کن
جهنم را از خودت دور کن حوادث بدرو از خودت دور کن با یه کمک ناچیز
گاهی انسان می‌کند

بنابراین ماها وظیفه داریم مخصوصاً اونایی که حقوق دارند با خودشون عهد
ببندن بگن خدایا یک سوم یک چهارم یک پنجم از درآمد ماهانه ما صرف فقرا
میشه

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ

و آنان که در اموالشان حقی معلوم است

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

برای درخواست کننده [تهیدست] و محروم [از معیشت و ثروت،]

معارض ایه 23-24

امام صادق (ع) فرمود:

به خدا قسم سه چیز حق است:

اول) در حق هیچکس ستمی نشود که بتواند تلافی کند اما خویشتنداری کند، مگر اینکه خدا به جای آن به او عزت ببخشد

دوم) هیچ بنده ای نیست (بجای درخواست از خداوند) که به مردم رو بیاندازد و خواهش کند، مگر اینکه دری از فقر به رویش باز شود

سوم) هیچ ثروتی بر اثر پرداخت صدقه و زکات کم نمی شود

و فرمود: کسی که (در روز یا شب) صدقه بدهد خداوند او را از غم و غصه،

گرفتار شدن در چنگ درنده، و مرگ بد محفوظ می دارد

و هر که صبحگاهان چیزی صدقه بدهد خداوند شومی آن روز را از او برطرف میکند

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۹ 

یکی از شهدا به نام شهید حیدر حیدری وصیت کرده هر چه برای من می خواهید خرج کنید آن را به فقیران یا به جبهه یا جنگ زدگان یا راههای خیر یا محله یا مسجد یا حمام یا کسی که احتیاج دارد بدهید

این قرآن میگه

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۖ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ ۖ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

بقره ایه 215

از تو می پرسند: چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر مال و مایه سودمندی که انفاق می کنید باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و نیازمندان و در راه مانده گان باشد، و هر کار نیکی انجام دهید، خدا به آن داناست

هر کار خیری انجام بدید خدا خبر داره

شهید حمید حسنی وصیت کرد دارایی های من را هرچند کم است به خانواده های کم بضاعت و یتیمان بدهید که امام صادق فرمود سه چیز است که هر کسی یکیشو بیاره خدا بهشت را براش واجب می کنه

یکی اینکه زمانی که تنگ دسته صدقه بده که ثوابش از زمانی که حساب مالیش پره و صدقه بده مهم تره. اما اون زمانی که نیاز داره و صدقه میده خیلی با ارزشه دوم با همه با گشاد رویی برخورد کند و سوم با انصاف باشه

شهید دیگری به نام بهروز صمدپور وصیت کرد از پدر و مادرم می خواهم پول هایی که اندوخته ام جهت مصارف امور خیریه برسانند که حضرت زهرا فرمود:

سه چیز از دنیای شما رو من دوست دارم یکی تلاوت قرآن ب

خوبه مومن هر موقع بیکار بود شروع بکنه به تلاوت قرآن همین **سیره حضرت**

زهرا(س) بوده فرمود من از دنیای شما سه چیز دوست دارم یکی قرآن بخوانم

دوم اینکه به صورت پیامبر نگاه کنم. حضرت زهرا **(س)** پیامبر(ص) را می شناسد او می داند رسول خدا چقدر عظمت دارد.

. سوم انفاق در راه خدا را دوست دارم. لذا فاطمه زهرا(س) شب عرسی در سن

9 سالگی لباس عروسی را به خانم فقیر می بخشید. همچنین خود و شوهر

و فرزندان سه روز روزه گرفته، افطاری را به فقیر می دهند و خود با اب افطار

می کنند که در این رابطه سوره هل اتی نازل میشود. همین حضرت زهرا ۸۰ هزار

مثقال طلا از فدک بهش می دادن بابت اجاره فدک، همه رو می داد به فقرا

انشالله که ما هم به این اخلاق پیامبر و اهل بیت عمل بکنیم. به نیازمندان کمک

کنیم به بیوه زنان محبت کنیم به بچه های یتیم محبت کنیم

در روایت است از امیرالمؤمنین علی (ع) سؤال شد: (مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ حَسْرَةً؟)

(چه کسی حسرتش از همه بیشتر است؟)

حضرت فرمود: (مَنْ رَأَى مَالَهُ فِي مِيزَانٍ غَيْرِهِ وَ أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهِ النَّارَ وَ أَدْخَلَ وَارِثَهُ بِهِ
الْجَنَّةَ)

فرمود کسی که ثروت دارد ولی در راه خدا خرج نمی کند بعد می میرد و

وارثانش عاقل هستند آنها این اموال را در راه خدا خرج کنند بعد در روز قیامت

این شخص را جهنم می برند و وارثانش را به بهشت میبرند و این شخص خیلی

حسرت میخورد چرا من زنده بودم در راه خدا خرج نکردم؟

کسی که مومنی که لباس لازم داره براش لباس تهیه کنه. تا زمانی که یک تار از لباسی که به اون شخص هدیه داده باقیست این شخص هدیه دهنده در حفظ و زمان خداست خدا میگه من اینو باید حفظش کنم و بر خداوند لازم است سختی مرگ را بر او آسان کند و قبرش را توسعه دهد و روز قیامت که محشور شود ملائکه ازش استقبال کنند بشارت بهش میدن مگر چیکار کرده. یه لباس برای آدمی که لباس لازم داشته تهیه کرد

یا مثلاً شب عید که میشه بچه‌هایی هستن یتیم. نگاه می‌کنند می‌بینند دیگران لباس خوب دارند اینا ندارند کسی میاد و برای این یتیم‌ها لباس میگیره این پاداش زیادی بش میدند.

الذی خلق الموت و الحیات لیبلو کم احسن عملا

حدیث معروفی است همه شنیدید میگن دنیا مزرعه آخرته یعنی هرچی اینجا ما کشت بکنیم اونجا برداشت میکنیم. اگر اعمال ما درست نباشد نباید انتظار پاداش داشته باشیم. مثلاً اگر نماز ما درست نباشه و قبول نشه نباید انتظار داشته باشیم بابت این نماز به ما ثواب بدند. اکثراً نمازهامون بدرد نخور است! نمازهای بدون حضور قلب. بدون خشوع و...

آقا رسول الله فرمود دزدترین دزد کسی است که از نمازش بدزده. نقل است یکی آمد تو مسجد مقابل پیامبر نماز میخوندهمین سرشو می گذاشت زمین فوری سرشوبلند میکرد آقا رسول فرمود نمازش نماز کلاغه این کلاغ تند تند نوک میزنه رو زمین. این نماز به درد نمی خوره آقا مقابل خدا هستی قشنگ ذکر تو کامل بگو . عجله نکن

میگند که در زمان آخوند کاشی اقای وارد مسجد شد و نماز خیلی با عجله ای
خوند. اخوند بعد نماز گفت چکار میکردی؟ اونم زرنگ بود. نگفت نماز
میخوندم که بگه آقا این چه نمازی بود خوندی؟ گفت من فقط آمدم بگم خدایا
من یاغی نیستم فقط گفتم خدا من یاغی نیستم اخوند کاشی خوشش امد..
روایت می فرماید که انسان رکوع نمازش کامل باشه باعث می شود انسان شب
اول قبر دچار وحشت نشه

اهمیت نماز اول وقت. نماز رو باید اول وقت بخونیم و فرق نماز اول وقت با اخر
وقت مثل دنیا و اخرت است. لذا در قران فرموده ویل للمصلین. الذینهم عن
صلوتهم ساهون. وای بر نماز خوانها. ان نماز خوان هایی که نماز رو سبک
میشمرند... یعنی اخر وقت میخوندند.... بعضی افراد موقع اول وقت نماز، به کار
مشغولند در حالی که باید کار را تعطیل کنند و اول نماز بخوانن تا برکات الهی بر
انان نازل شود لذا باید به کار بکویند و وقت نماز است نه اینکه به نماز، بکویند
وقت کار است! خلبان شیرودی با خبرنگاران مختلف مصاحبه داشت یکدفعه
وسط مصاحبه، رفت گفتند هنوز مصاحبه تموم نشده گفت وقت نماز است.
حضرت امام در جلسه سران کشورهای اسلامی وسط جلسه بلند شدند و فرمودند
وقت نماز است. امیرالمومنین در جنگ صفین در زیر تیرهای دشمن اول وقت

نماز می خواند. امام حسین در ظهر عاشورا اول وقت نماز می خواند اینها برای ما درس است

در روایت آمده نماز معراج مومن است یعنی همانطور که پیامبر ما بارها معراج رفتند یعنی به آسمانها بالا رفتند. و با خدا مناجات کردند ما هم اگر نماز مون با حضور قلب باشه میتوانیم عجایب عالم غیب را مشاهده کنیم همانگونه که بعضی از اولیا خدا عجایب رو در نماز می دیدند و به حالتی برسیم که با خدا مناجات کنیم و خود را در محضر خدا ببینیم. اگر فیلم نماز ایه که بهجت را دیده بشید می، بینید ایشان در نماز به گریه می افتند زیرا گویا دارند مستقیم با خداوند حرف می زنند.. ما باید تلاش کنیم درجه نماز مون رو بالا ببریم و در نماز همه توجه را به خدا منعطف کنیم. دیدند امام حسن مجتبی موقع وضو رنگش می پرید علت را سوال می کردند می فرمود میخوام در مقابل خدا بایستم.. یا امام سجاد در نماز انقدر غرق خدا بود خانه اش گرفت ایشان متوجه نشدند یا تیر از پای امیرالمومنین در نماز در آوردند ایشان متوجه نشدند

ناگهان آقایان غرش و نعره شیری را از نزدیک شنیدند...

در نجف رسم بود که طلاب در ایام زیارتی، دسته دسته و بسیاری از اوقات با پای پیاده برای زیارت عتبات عالیات می رفتند و شب را در بین راه به جهت

خواندن نماز شب توقف کرده و هر یک در گوشه ای مشغول نماز شب می شدند.

در یکی از سفرها آقای روحانی پیرمردی که همراه آنها بود بیشتر فاصله گرفت و مشغول نماز شب شد. ناگهان آقایان غرش و نعره شیری را از نزدیک شنیدند و در صدد برآمدند که چه بکنند. دیدند شیر به سوی آن پیرمرد می رود، گفتند: «انا لله و انا الیه راجعون» هیچ کاری نمی توانستند انجام بدهند. شیر رفت و رفت و رفت تا چند قدمی آن آقا ایستاد. آقا هم ظاهراً در رکعت وتر بود، شیر چند دقیقه کنار آقا ایستاد و آقا را نگاه می کرد. آقا هم مانند مجسمه ایستاده بود و هیچ تکان نمی خورد، بعد از دقایقی شیر حرکت کرد و رفت.

چون قدری دور شد، آقایان دوان دوان به خدمت آقا رفتند و بعد از تمام شدن نماز وتر به او گفتند: آقا! از شیر نترسیدی؟ شگفت اینکه پا به فرار نگذاشتی، أحسنت! عجب دل قوی و با جرئتی داری؟ آقا فرمود: بله من ترسیدم، خیلی هم ترسیدم، اما دیدم با فرار کردن از چنگال او نجات نمی یابم، لذا به خود گفتم که پس چه بهتر حال که باید طعمه شیر شوم، در حال مناجات و راز و نیاز با قاضی الحاجات باشم. و با این حال خوب از دنیا بروم.

خوشا به حال کسانی که نماز شب می‌خونن کسی که نماز شب می‌خواند وقتی
که عزرائیل می‌خواد بیاد جانشو بگیره این نماز شب شفاعت می‌کنه از صاحبش
پیش عزرائیل

نماز شب چند کاره است یه کارش اینه که به عزرائیل میگه آقا این اهل نماز شب
بوده کاری باهاش نداشته باش جانش رو به اسانی بگیر. دوم تو قبر که نکیر و
منکر میان. نماز شب به صاحبش میگه بخواب من جواب اینا رو میدم هر سوالی
دارند من جواب میدم دیگه از این بهتر مثل اینکه شما یه وکیل قوی داری وکیل
میره دادگاه همه کارا رو انجام میده شما راحت برای خودت تو خانه میشینی!.
برای چی برای اینکه سالیان سال تو سحرها بلند شده نماز شب خونده. مردم
خواب بودن از خواب ناز تو زمستان. تو تابستون دست کشیده حالا خدا داره
جبران می‌کنه براش

سومین فایده نماز شب وقتی آدم تو قبر مونسى نداره حالا شما الان میری خانه
زنت هست بچه‌ات هست همسایت هست فامیلت هست اما وقتی شما رو بذارند
تو قبر مونسى ندارید اینجاس که نماز شب به کمک ادم میاد. نماز شب میگه
ناراحت نباشی من مونس تو تو قبر اینجای وحشتناک هستم نه یک روز و دوروز
بلکه تا قیامت

اینم یکی از کاراشه بعد روز قیامت که میشه. چون جهنم رو تو عرصه قیامت میارن تمام مردم از این حرارت جهنم عرقشون سرازیر میشه روایت میگه گاهی اوقات بعضی از انسان ها در محشر انقدر عرق می کنن یه رودخانه تشکیل می شه در این جای خیلی سخت ،نماز شب میاد میشه سایه بالا سر آدم. جلوی گرمای آتش رو می گیره. آدم هیچ احساس سختی نمی کنه.

از این بهتر. این از فواید نماز شبه

﴿تَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

(سجده ایه 16)

[ملازم بستر استراحت و خواب نیستند، بلکه] پهلوهایشان از خوابگاه هایشان دور می شود در حالی که همواره پروردگارشان را به علت بیم [از عذاب] و امید [به رحمت و پاداش] می خوانند و از آنچه آنان را روزی داده ایم، انفاق می کنند

این ایه درباره نماز شبه میگه ثواب نماز شب رو فقط خدا میدنه چقدره

سالک بدون نماز شب ره به جایی نخواهد برد

مرحوم ایه الله میرزا جواد ملکی تبریزی می فرماید: استادم [ملاحسینقلی همدانی]
به من فرمود: ((فقط متہجدین هستند کہ به مقاماتی نائل می گردند و غیر آنان به
هیچ جایی نخواهند رسید))

شب مردان خدا روز جهان افروزست
روشان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

:گنج سعادت را از برکت بیداری و دعای سحرگاہی می توان به دست آورد

هر گنج سعادت کہ خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود

همه پیامبران و امامان و اولیاء خدا و علمای ربانی، سحر خیز بودند

بعضی همه شب را بیدار بودند بعضی دوساعت مانده به اذان صبح و طلوع فجر

صادق. بعضی بیشتر و بعضی کمتر

درباره سحر نوزدهم ماه مبارک رمضان که حضرت در آن روز ضربت خوردند روایت شده: بعد از رسیدن به مسجد، حضرت اول با سپیده سحر خدا حافظی کرد: ای طلوع فجر! از روزی که علی به دنیا آمده، نشده تو بیدار باشی و چشمان علی . در خواب؛ اما این شب، آخرین شبی است که چشم علی را بیدار می یابی

عَنِ الْإِمَامِ الرُّضَا (ع) فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ (ع) كَانَ قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ، كَثِيرَ السَّهَرِ، يُحْيِي . أَكْثَرَ لَيَالِيهِ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى الصُّبْحِ وَكَانَ كَثِيرَ الصِّيَامِ

در حدیثی از امام رضا (ع) رسیده است که حضرت علی علیه السلام همواره اندکی از شب را می خوابید. بسیاری از شب ها بیدار بود. بیشتر شب ها از اول شب تا صبح بیدار بود و بسیار روزه می گرفت

بعضی اولیاء خدا اگر سحری خواب می ماندند اون روز رو لباس سیاه می پوشیدند و عزادار می گردیدند



خدا در قرآن به دو گروه چک سفید داده و فرموده است خودتان مبلغش

را بنویسید

یک گروه کسانی هستند که بر مصیبت‌ها صبر می‌کنند. چون این افراد  ثابت کرده‌اند که حقیقتاً خدا را می‌خواهند.

إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (زمر، 10) «

:گروه دوم هم افرادی هستند که نماز شب می‌خوانند 

«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ»

(سجده، 17)

خداوند می‌فرماید هیچ کس نمی‌تواند بفهمد برای این‌ها چه آماده کرده‌ام

آیت الله حسن زاده املی [?]

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

اما کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند،

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا

به زودی با حسابی آسان به حسابش رسیدگی شود،

انشقاق ایه 7-8

مهربانی خدا در قیامت...

یه روایتی است خیلی روایت معروف و شیرین است. و نشان دهنده مهربانی عظیم خداوند مهربانه.

روز قیامت که میشه، خداوند، مومن را می خواد جدای از محشر که دیگران نفهمن یه حساب آسانی ازش می کشه و اعمال بدشم پاک می کنه

امام باقر(ع) در تفسیر آیه «فَاُولَئِكَ يَدْلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ

حسنات یعنی: آنها کسانی هستند که خدا، بدیهای آنان را تبدیل به

نیکی می کند» فرمود: وقتی مؤمن گناهکار را به موقف حساب می آورند، خدا خود از او حساب می کشد. هیچکس از حساب او خبردار نمی شود! خدا گناهان او را یادآور می شود و مومن هم به آنها اقرار می کند. سپس خدا به نویسندگان اعمال دستور می دهد که گناهان او را تبدیل به حسنات کنند و این حسنات را به مردم نشان دهند! مردم وقتی حسنات او را می بینند،

می گویند: این شخص اصلاً گناهی نکرده است! در آخر خدا دستور می دهد، او را به بهشت ببرند.

روایت جالب دیگری است که در قیامت خدا به سوالی از بنده مومنش می پرسد: می گه چرا بنده مومنم من مریض شدم خدا می گه من مریض شدم چرا به عیادت من نیومدی؟ مومن تعجب می کنه. بنده مومن می گه خدایا تو که رب العالمینی تو که پروردگار عالمیانی مریض نمیشی که خدا میفرماید فلان مومن که مریض شد اگر میرفتی عیادتش مرا اونجا میدی. چقدر برای مومن خدا ارزش قائله بعد دوباره سوال می کنه بنده مومنم چرا من گرسنه شدم به من غذا ندادی باز مومن تعجب می کنه می گه خدایا خودت رزاقی رزق همه رو میدی تو که گرسنه

نمیشی میگه فلان بنده من که گرسنه بود اگر بهش غذا می دادی منو اونجا می دیدی. بنده من! من لباس نداشتم چرا به من لباس ندادی چقدر ارزش داره. انسان به عیادت مریضی بره چقدر ثواب داره گرسنه‌ای رو سیر بکنه تشنه‌ای رو سیراب کنه بی لباسی رو لباس بده یه مشکل بنده خدایی رو حل کنه چقدر ارزش داره در پیشگاه الهی. مثل اینکه مشکل خدا را حل کردیم نعوذ بالله مثل اینکه که خدا گرفتاری داشته شما گرفتاریشو حل کردی انقدر خدا مهربان است که بنده مومنش رو مثل خود خودش حساب میکنه ...

روز قیامت، به اطفال مؤمنین گفته می شود که به بهشت بروید! آنها حرکت می کنند ولی در بهشت منتظر پدر و مادر خود می ایستند! به آنها گفته می شود: آنها گناهکارند! کودکان با شنیدن این سخن، ناله سر می دهند... در این حال خدا می فرماید: پدر و مادر آنها را هم به بهشت ببرید.

امام صادق (ع): روز قیامت عده ای بطرف بهشت رفته و درهای آنرا می کوبند! به آنها گفته می شود: شما کیستید؟ جواب می دهند: ما

فقراء هستیم! به آنها می گویند: اول بروید حساب پس بدهید! جواب می دهند شما چیزی بما ندادید تا حساب آن را ازما بکشید! خداوند عزوجل می فرماید: راست گفتند! آنها را به بهشت داخل کنید.

قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيَةٍ مِنْهُ يَوْمَ يُغْتَبَسُ السَّيِّئَاتِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فَيُتْرَكُ يَوْمَئِذٍ الْمَوْتَى وَهُوَ عَظِيمٌ ﴿٤٦﴾ بگو من فقط به شما یک اندرز می دهم که دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید

در این ایه به اخلاص و اینکه باید همه کارهای انسان برای خدا باشد اشاره 1- کرده است.

علامت مخلصین: الف: همه موفقیت‌های خود را از خدا می داند. اللهم مابنا من 2- نعمه فمنا (و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی) قارون می گفت: من! علم من! ثروت من! زحمت خودم! -ب: در مسیر الی الله تشکر یا بدگویی دیگران در او اثر ندارد (لایخاف لومه لائم) -ج: کارهای خیر خود را کوچک می داند ولی خطاها و گناهانش را بزرگ و دچار عجب نمی شود (شیخ عباس نماز عشارا رها کرد) ادم مخلص در کارهای خیر توجهی ندارد که ایا برایش نفع دارد یا نه؟ چون

علی ع در حال روکوع، با اخلاص انگشتر را صدقه داد ایه ولایت نازل شد... - -
د: بخاطر علم و دانش یا ثروت یا ریاست دچار تکبر و غرور نمی شود- مرحوم
قاضی می گفت من هیچی نیستم. آقای بهجت می گفت من گدا هستم! چقدر از
شهادی ما مخلص بودند که بعد از شهادت معلوم شد که در جبهه فرمانده بودند
ولی به خانواده خود نگفتند. چقدر علمای ما مخلص بودند بعضی با امام زمان ع
سر و سری داشتند ولی هیچکس نفهمید بعد از مرگشان معلوم شد

ذ: کارهای خیر و خوب خود را برای دیگران تعریف نمی کند و بصورت ناشناس
کمک می کند مگر گاهی برای یاد گرفتن دیگران. ر: اگر کرامتی داشته باشد
اعلام نمی کند. ز: هرچه خدا او را با بلا امتحان کند بر ایمانش افزوده می شود. س:
خود را از دیگران بهتر نمی داند بلکه دیگران را از خود بهتر می داند. ش: اگر
دیگری اذیتش کرد یا به او بدی کرد مخصوصا اگر فامیل و همسایه بود بخاطر
خدا مقابله به مثل نمی کند. و بخاطر خدا عصبانیت خود را کنترل می نماید (علی
سر عمرو بن عبدود را با تاخیر جدا کرد). ص: اگر فرصت گناه کردن پیدا کرد
برای خدا گناه نمی کند

: باید خدا از همه چیز برای ادم مهم تر باشد...: در سوره توبه هم آمده است

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید، و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمان‌بردار را هدایت نمی‌کند.. در ایه مذکور صراحتاً آمده که باید محبت خدا را بر هر محبتی مقدم بدارید تا سعادت‌مند بشوید والا اگر محبت خانواده و ثروت و امثال آن نزد شما از خدا مهم‌تر است به سعادت نمی‌رسید

داستان ادوارو انیلی پسر سرمایه دار ایتالیا.. ادواردو تنها پسر و وارث «جیانی آنیلی» بود که مالک شرکت سرمایه گذاری «اکسور» بود که این شرکت مالک کارخانه های خودروسازی فیات و فراری و مازراتی و آلفا رومئو و لانچیا و ایویکو بود و مالک شرکت های بزرگ و معروف در صنعت ساختمان سازی و راه سازی و بالگردسازی و طراحی مد و لباس بود و البته چند کارخانه بزرگ تولید قطعات صنعتی و چند بانک خصوصی و چند شرکت تولید لوازم پزشکی

و...هم داشت..خلاصه وضعیتی بود که ادواردو به عنوان وارث این امپراتوری مالی، میلیارد نبود؛ بلکه سوپرمولتی میلیارد بود؛ درآمد سالانه خانواده آنیلی که «خانواده سلطنتی» ایتالیا لقب دارد در سال ۲۰۰۰ حدود ۶۰ تا ۸۰ میلیارد دلار برآورد می شود.

ادواردو از جوانی دنبال ادبیات و مذهب و عرفان و حقیقت بود و معلوم است که خیلی زود هم مسلمان شد؛ «در نیویورک که بودم یک روز در کتابخانه...چشمم افتاد به قرآن. کنجکاو شدم که بینم در قرآن چه چیزی آمده است. آن را برداشتم و شروع کردم به ورق زدن و آیاتش را به انگلیسی خواندم. احساس کردم که این کلمات، کلمات نورانی است و نمی تواند گفته بشر باشد. خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم، آن را امانت گرفتم و بیشتر مطالعه کردم و احساس کردم. که آن را می فهمم و قبول دارم» بعد هم خیلی زود شیعه شد و نامش شد مهدی

ادواردو در ایران چه می کرد؟

ادواردو چند بار به ایران آمد و خب جاهایی هم رفت؛ رفت به دیدار امام خمینی (ره) و پیشانی اش را امام (ره) بوسیدند و با آیت الله خامنه ای هم دیدار کرد و به زیارت امام رضا (ع) هم رفت. نماز جمعه هم رفت؛ سال ۱۳۶۰ بود. ادواردو انقلاب ایران را ستایش می کرد و پر از شور و احساس بود و پس از دیدار با امام (ره) نوشت: «به نام خدای بخشنده مهربان. یک شهروند از ایتالیا امروز به دیدار امام خمینی آمد. او برای ادای احترام به جمهوری اسلامی و شیعیان آمده است. او از بابت آنچه که انقلاب در پیشرفت هدف به نام خدا روی زمین در این عصر انجام داده از رهبر انقلاب تشکر کرد».

!از قضای روزگار

معلوم است ادواردو با ظلم، هر جایی که اتفاق می افتاد و با صهیونیست ها سر سازش نداشت و از حقوق فلسطینی ها دفاع می کرد و از اسلام و تشیع دفاع می کرد. برخی اطرافیانش هم به او هشدار می دادند که مراقب صهیونیست ها باشد، ولی ادواردو چشمش را به روی حقیقتی که دیده بود، نمی بست. این طوری شد که وقتی رسانه ها خبر دادند که پیکرش زیر یک پل پیدا شده و علت

درگذشتش خودکشی و سقوط از ارتفاع ۸۰ متری بوده، خیلی ها باور نکردند. به
ویژه آنکه خواهر زاده ادواردو که وارث و مدیر اموال و ثروت خانواده آنیلی
شده بود «جان الکان» بود که یهودی بود و از قضای روزگار پدر و پدربزرگش
از صهیونیست های فعال و مشهور دوران بودند

روز قیامت برای گنه کاران روز سختی است...

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ * حِكْمَةٌ بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ * فَتَوَلَّ عَنْهُمْ *
يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُكْرٍ * خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ
مُنْتَشِرٌ * مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ؛ به اندازه کافی برای

بازداشتن از بدی‌ها اخبار (انبیاء و امت‌های پیشین) به آنان رسیده است! (این آیات)، حکمت بالغه الهی است، اما اندازه افایده نمی‌دهد! بنابراین از آنها روی بگردان، و روزی را به یادآور که دعوت کننده الهی مردم را به امر وحشتناکی دعوت می‌کند. آنان در حالی که چشم‌هایشان از شدت وحشت به زیر افتاده، همچون ملخ‌های پراکنده از قبرها خارج می‌شوند. در حالی که به سوی این دعوت کننده گردن می‌کشند؛ کافران می‌گویند: امروز روز سخت و دردناکی

است. (قمر / 4 تا 8)

شکایت فرزند از پدر برای نام نامناسب

الان متأسفانه بعضی از. پدر و مادرا مخصوصاً مادران وقتی بچه خدا بهشون میده دنبال اسم های ایرانی و اسم های فرنگی و اسم های غیر مذهبی و دینی هستند خب این به ضرر بچه است میگه روز قیامت همین بچه می تونه از پدر و مادر شکایت کنه میگه خدایا اینا چرا یه اسم خوبی رو من نگذاشتند لذا کسی که اسمش محمده ولی گناهای مرتکب شده پرونده اعمال بدش سیاهه. خدا روز قیامت میگه خجالت نکشیدی اسم حبیب من رو تو بود این همه کار خلاف کردی خجالت نکشیدی ولی من حیا می کنم کسی که اسم حبیبم روش باشه اونو ببرم جهنم. برخی اسم های عجیب و غریب انتخاب می کنند. اقایی مومن میگفت خدا دختری بهمون داده من میگم زهرا بزاریم ولی مادرش میگه نه اسمشو بذاریم پریسا

بنابراین نامگذاری هم در روز قیامت خیلی اثر داره و نام های خوب باعث میشه که به وسیله یک نام خوب انسان از جهنم نجات پیدا بکنه پس شما به هیچ عنوان اگه خدا به تون اولاد داد اسم غیر دینی نزارید. اسم های اسلامی بذارید اسمای خوب بزارید و از هیچی نترسید از این جو سازی بعضی افراد خانواده نترسید. عقب نشینی نکنید محکم سر دین و آخرتون بایستید.

اسمش عوض کردن بچه خوب شد!

در زمان آیت الله بروجردی یه طلبه‌ای زنش میخواست وضع حمل کنه خیلی وضع حملش خطرناک بود دکتري بود در قم گفته بود من این وضع حملو به آسانی انجام میدم ولی شرط داره اسم بچه پسر بود باید اسم منو رو بچه بذارید! مجبوری قبول کرده بودند وقتی بچه بدنیا امد بچه پسر بود اسم دکتري روش گذاشته بودن. اما این بچه همش مريض بود تمام این چند ماه .طلبه رفت خدمت آیت الله بروجردی داستان رو گفت آیت الله بروجردی فرمود اسمشو عوض کن گفت اسمشو عوض کردیم بچه خوب شد

یه حدیثی است خیلی خطرناکه این حدیث میگه در روز قیامت یه نفر می‌برن در دادگاه الهی با توجه به اینکه ایشون نماز خونده روزه گرفته قرآن خونده صدقه داده و... پرونده‌شو میدن دست راستش. حرکت می‌کنه بره بهشت . اما همین که بیاد بره بهشت می‌بینه در بهشت ۱۰۰ نفر ۲۰۰ نفر طلبکار وایسادن میگن آقا ما از این طلب داریم ! اینم اون موقع پول نداره بده به اینا دیگه میگه چکار بکنم از دست این طلبکارا رها بشم برم بهشت؟ میگن از کارهای خوبش بردارید بهشون بدید خب به این طلبکار نماز یک سال بدید به این دومی هم نماز یا روزه یا

عمل خوب دیگر بدید به فلان اینقدر بدید. یک دفعه پرونده اعمال خوبش خالی میشه! پرونده رو میدند دست چپش میگند بفرما برو جهنم.

شخصی می گفت پدر من مسئول کوپن بود متاسفانه اکثراً کوپنها را برای خودش می فروخت آزاد فقط یه سه چهار تا میداد که بگه من کوپن دادم! خب این مثلاً کوپن ۱۰۰ نفر رفته تو بازار فروخته بنا بوده به ۱۰۰ نفر بده که نداده تکلیفش چی میشه این سهمیه‌هایی که میدن الان به این بانک هزار تا شما مثلاً سهمیه وام است به بانک مینگد وام قرض الحسنه به مردم بده اگر بانک بیادو این همه رو بین فامیلای خودش بین اونا که مستحق نبودن تقسیم کنه. در قیامت میاند سراغش و در پیشگاه الهی میگند ما سهمیه داشتیم سهمیه ما رو داد به دیگران اینجوریه مسئله که این حدیث به ما میگه که مواظب باشید اول کارنامه مارو به دست راست ما میدند طبق اون نماز و روزه و کارهای خوبی که کرده ایم ولی تا بخواهیم وارد بهشت بشیم طلبکارها میاند جلو مارو میگیرند!

لذا پیامبر فرمود مفلس کیه گفتن آقا مفلس کسیه که ورشکست شده طلبکاری میاد بجای طلبش فرش رو میبره یکی میاد فلان وسیله رو می‌بره...

رسول خدا(ص) فرمود: مفلس امت من، شخصی است که نماز و روزه دارد ولی روز قیامت در حالی محشور می شود که -در دنیا-

به کسی دشنام داده و یا حق دیگری را ضایع نموده و یا به مال دیگری

تجاوز نموده است! برای جبران از حسناش بر می دارند و به این و آن می دهند و چنانچه حسناش کم باشد، از گناهان صاحبان حق، به حساب اومی گذارند، سپس او را در آتش می اندازند.»

روایت دیگری است: حضرت علی فرمود قنبر این مجرم را ۸۰ ضربه بزن قنبر ۸۲ ضربه زده اشتباهی . دو ضربه اضافه زده بود. حضرت دستور داد قنبر خودش بخوابه و دو تا ضربه شلاق خورد... اگر در دنیا حق الناس را تسویه کنیم از آخرت بری ما اسان تر است...

خیلی خلاصه باید مواظب باشیم حضرت امام را در خواب یا همسرش بود یا سید احمد آقا در خواب دیدند حضرت امام فرمود ما که رد شدیم ولی خیلی سخته حضرت امام با این همه خدماتی که به دین خدا کرده میگه ما رد شدیم ولی .خیلی واقعا سخته

روز قیامت روز خیلی سختیه...

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ * حِكْمَةٌ بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ * فَتَوَلَّ عَنْهُمْ *
يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُكْرٍ * خُشْعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ
مُنْتَشِرٌ * مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ؛ به اندازه کافی برای
بازداشتن از بدی‌ها اخبار (انبیاء و امت‌های پیشین) به آنان رسیده است! (این
آیات)، حکمت بالغه الهی است، اما اندازه افایده نمی‌دهد! بنابراین از آنها روی
بگردان، و روزی را به یادآور که دعوت کننده الهی مردم را به امر وحشتناکی
دعوت می‌کند. آنان در حالی که چشم‌هایشان از شدت وحشت به زیر افتاده،
همچون ملخ‌های پراکنده از قبرها خارج می‌شوند. در حالی که به سوی این
دعوت کننده گردن می‌کشند؛ کافران می‌گویند: امروز روز سخت و دردناکی
است». (قمر / 4 تا 8)

. روز قیامت روز بسیار مهمی است فرماید که صفوف خلایق در قیامت ۱۲۰
صف است ولی طول هر صف مسیر ۴۰ هزار سال باید بره تا طولش پیموده بشه و
عرضش ۱۰۰۰ ساله متاسفانه از این ۱۲۰ صف فقط سه صف مال مؤمنین است و
۱۱۷ کفار و منافقین هستند

خیلی بده‌ها خدایی که اینقدر مهربانه اکثرا کافرند.

خداوند مهربان اینهمه در حق ابلیس لطف کرد ولی ابلیس نافرمانی خدا را کرد!

در حالی که جواب خوبی، خوبی است نه بدی!

خدا اینهمه به ابلیس خوبی کرد و او در نزد فرشته ها مقام بالایی داشت اما خدا

فرمود بر آدم سجده کنید ابلیس نافرمانی کرد گفت انجام نمیدم

همچنین خدا به حضرت آدم گفت این بهشت در اختیارتونه هر غذایی می خواهید

بخورید نه سرما هست نه گرما هست نه نماز می خورای بخونی نه روزه می خورای

بگیری نه خمس بخورای بدی نه زکات می خورای بدی حتی مهریه حوا سه تا

صلوات بود

فقط شما از این درخت نخورید مگه خدا اذیت کرده بود آدم و حوا رو؟ فقط

در مقابل اونهمه نعمتهای بهشت فرمود از این یک درخت نخورید ولی بقیه

درختها ازادید. ولی خب متاسفانه این نفس اماره باعث شد که حضرت آدم و حوا

نافرمانی خداوند مهربانو کردند

یعنی ادم و حوا نمی دونستن خدا آنقدر عظمت و قدرت داره که می تواند اینها

را میلیاردها سال تو اون بهشت نگه داره. آنها گوش به حرف خدا ندادند و گوش

به حرف ابلیس دادند! شیطان بهشون گفت اگر از این میوه درخت بخورید دیگه

هیچ وقت نمی‌میرید! ادم و حوا گوش به حرفش دادند و نتیجه اش این شد که از بهشت اخراج شدند

ابلیس ۶۰۰۰ سال خدا را عبادت کرد وقتی که خدا اخراجش کرد به خاطر اینکه سجده نکرد ابلیس به سوال کرد از خدا گفت خدایا مگر تو به کسی که تو رو عبادت کنه پاداش نمیدی! من از تو در مقابل عبادت‌هام به پاداش می‌خوام و اون اینه که به من تا روز قیامت مهلت بدی

روز قیامت منو جهنم ببر هر غذایی خواستی بکن خدا فرمود باشه مهلت داری. ولی در مقابل مهلتی که به تو میدم به انسان هم فرصت توبه میدم. اگر انسان هزار بار گناه کنه به بار بگه خدایا غلط کردم کمکش می‌کنم نمی‌ذارم که بشر در مقابل توبی سلاح باشه. اگر به ساعت قبل از مردن مثلاً به نفر ۱۰۰ سال گناه کرده انواع گناه انجام داده گناه حق الله. اگر به ساعت قبل از مردن بگه خدایا غلط کردم دیگه نمی‌کنم. خدا می‌بخشتش /

امام صادق علیه السلام: در بنی اسرائیل عابدی بود که هیچ میلی به دنیا نداشت لذا ابلیس ناله ای کرد تا شیاطین بدورش جمع شدند. ابلیس گفت برای فریب این عابد چه روشی را پیشنهاد می‌کنید؟ یکی گفت از راه زنان! ابلیس گفت

میلی به زن ندارد! دیگری گفت از راه شراب! ابلیس گفت میلی به شراب ندارد
. سومی گفت از راه اعمال خوب! ابلیس گفت تو برو و از این راه گمراهش کن
!

شیطانک به کنار محل زندگی عابد رفت و در آنجا مشغول عبادت شد. عابد
متوجه این عابد جدید شده و او را زیر نظر گرفت. بعد از چند روز عابد، سراغ
شیطان عابدنما رفت و گفت چقدر تو خوب عبادت می کنی؟ از کجا به این مقام
رسیده ای؟ گفت من یک گناهی کرده ام. هر وقت بیاد آن گناه می افتم به
عبادت راغب تر می شوم. تو هم اگر می خواهی که مثل من بشوی باید بروی
گناه کنی! عابد گفت چه گناهی؟ گفت برو زنا کن! عابد گفت من که این کار
را بلد نیستم. شیطان گفت من به تو یاد می دهم. داخل شهر می شوی و در فلان
کوچه و فلان خانه، زن فاسدی است، سراغ او می روی! عابد هم به سخن شیطان
گوش کرد و به در خانه زن مذکور رفت. زن مذکور او را به خانه برد ولی از سر
و وضع و چهره عابد فهمید که او اهل گناه نیست. لذا علت تصمیم بر گناه را از
او پرسید. عابد داستان عابدنما را برای او تعریف کرد. زن دلش به حال عابد
سوخت و گفت او عابد نیست بلکه شیطانی است که برای اغوای تو آمده است و
عابد را منصرف نمود. عابد از خانه زن بیرون رفت و زن همان شب بیمار شده و
مرد. خدا به پیامبر آن زمان وحی کرد و به خاطر این که این زن، بنده ما را از گناه

کردن نجات داد برو و او را غسل و کفن نما و نماز بخوان و دفن کن که او

آمرزیده شد (بحار 495/15)

خدایی که انقدر مهربانه که این زن فاسدرو با این همه گناهان کبیره بخشید به

خاطر یک کار خوبی که کرداما با اینهمه مهربانی که خدا داره می بینیم اکثر

افراد با این خدای

خدا در قرآن میگه میگه من تو رو از یه نطفه آفریدم بعد تو دشمن من میشی

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ

آیا انسان ندانسته که ما او را از نطفه ای [پست و ناچیز] آفریده ایم و اینک دشمنی آشکار است؟

خدا انسان رو از یه نطفه گندیده آفریده بعد نمرود میشه! فرعون میشه! نتانياهو

میشه! بن سلمان میشه! ترامپ میشه! صدام میشه! مغرور میشه مقابل خدا

می ایسته. ندای انا ربکم الاعلی می ده!

همینه که روز قیامت از ۱۲۰ خلایق ، ۳ صفش مومند

شما الان مساجد رو نگاه می کنی. وقت نماز میشه چند هزار نفر تو بازار و خیابان

هستند بعد تو هر مسجد تعداد کمی زیر صد نفر برا نماز هستند!

تلاوت قرآن باعث هدایت میشه

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

بقره ایه 2

در [وحی بودن و حَقَانِیَّت] این کتاب [با عظمت] هیچ شکی نیست؛
سراسرش برای پرهیزکاران هدایت است...

قرآن وسیله هدایت همه مردم است؛ «هُدًى لِّلنَّاسِ» همانند خورشید بر
همه می تابد،

ولی تنها کسانی از آن بهره می برند که فطرتِ پاک داشته و در برابر حق
خاضع باشند؛ «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» همچنان که نور خورشید، تنها از شیشه‌ی
تمیز عبور می کند، نه از خشت و گِل. لذا فاسقان، ظالمان، کافران،
دل مردگان، مسرفان و تکذیب کنندگان از هدایت قرآن بهره مند نمی شوند

لذا تا مرحله‌ای از تقوا در وجود انسان نباشد (مرحله تسلیم در مقابل حق
و پذیرش آنچه هماهنگ با عقل و فطرت است) محال است انسان از
هدایت کتابهای آسمانی و دعوت انبیاء بهره بگیرد. «زمین شور هزار
هرگز سنبل برنیارد، اگر چه هزاران مرتبه باران بر آن ببارد». سرزمین
وجود انسانی نیز تا از لجاجت و عناد و تعصّب پاک نشود، بذر هدایت را
نمی پذیرد، و لذا خداوند می فرماید: «قرآن هادی و راهنمای متقیان است

ما کل قرآن رو یعنی ۶۰۰۰ و خورده‌ای آیه قرآن رو هر روز نمی تونیم بخوانیم

پس بعضی از آیات رو که تاکید شده بخوانیم.

یکی از آیاتی که خیلی تاکید شده بخوانیم ایه الکرسی است . حالا چه ثواب‌هایی داره در روایات آمده هر کسی صد بار آیت الکرسی را بخوانه خدا را عبادت کرده یعنی جزو کسانی که خدا را عبادت کرده باز روايته هر کسی بعد از هر نماز واجب عادت کنه آیت الکرسی بخواند. از دنیا نمیره مگر اینکه قبل از مردن جای خودشو تو بهشت می‌بینه و باز روایت شده از پیامبر که اسم اعظم که دعا به وسیله آن مستجاب می‌شه در سه سوره است یکی سوره بقره همین آیت الکرسی است.

یکی سوره آل عمران آیه دوم

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

یکی هم سوره طاهّا

﴿٨﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

پیامبر خدا فرمود هر کسی آیت الکرسی را با زعفران بر کف دست خودش بنویسه و او را بمکه و هفت بار این کارو بکنه از فراموشی نجات پیدا می‌کنه.

امیرالمومنین فرمود آنقدر این ایه مهم هست که اگر بدانید چقدر مهم است هیچ وقت آیت الکرسی را ترک نمی کنید

توصیه شده برای رفع مشکلات خود به آیت الکرسی پناه ببرید اگر مشکلی دارید بیماری دارید اگر تمام درهای عالم به روی شما بسته است چرا از آیت الکرسی غافلید. با ایمان کامل آن را بخوانید و نتیجه بگیرید.

یه آقای گفت من مغازه داشتم هر شب قبل از خواب آیت الکرسی را می خوندم یه شب یادم رفت ولی تو بستر یه مقدار خوابیدم یادم آمد همونجا خوندم صبح رفتم دیدم در مغازه بازه و تمام اساس مغازه بسته بندی شده برای بردن! یه آقای هم اونجا هست تا چشمش به من افتاد گفت آقا مر از اینجا نجات بده. آمدم قشنگ اینا رو آماده کردم ببرم هرچی می کنم در خروجی رو پیدا نمی کن!

نقل است در زمان پیامبر یه عده می خواستن از مسلمونا برن مسافرت آمدن گفتن یا رسول الله (چقدر کار خوبیه قبل از سفر آدم بره پیش یه عالمی آقا ما داریم میریم سفر نصیحتی توصیه دارید بفرمایید) یا رسول الله میریم سفر اگه توصیه ای دارید بفرمایید. حضرت فرمود هر کجا برای شب استراحتماندید. قبل خواب اول آیت الکرسی بخونید. تسبیحات حضرت زهرا رو بگید بعد بخوابید

اینا این کارو انجام دادن رفتن یه جایی دزدا رفتن دنبال اینا از دور گفتند شب اینا خوابیدن خوابشون برد بریم لختشون کنیم. این مسافرها قبل خواب اینا آیت الکرسی خوندن و خوابیدن رئیس دزدا به یکی از دزدا گفت برو ببین اگه خوابشون برده بریم سراغشون. این رفت دید یه دیوار بلندی دور ایناست آمد گفت آقا دور اینا یه دیواره! رئیس دزدا گفت دیوار چیه حتماً ترسیدی آخه تو بیابان دیوار است؟ دزده گفت آقا خودت بیا ببین رئیس دزدا او مد دید بله راست میگه یه دیوار بلندی دور این مسافرهاست اصلاً هیچ راه نفوذی نیست!

دزدا کنار دیوار ماندند همین که روز شد اینا از خواب بیدار شدن دیوارم رفت رئیس دزدا آمد گفت آقا شما جادو گرید؟ گفتند نه! گفت پس این دیوار چی بود دیشب بود اما الان نیست!

گفتند ما به توصیه پیامبرمون عمل کردیم

یه آقای هست گفت من هر موقع ماشینمو پارک می کردم آیت الکرسی می خوندم یه دفعه رفتم گلزار شهدا دیدم مردم هستن گفتم آیت الکرسی برای چی بخونم مردم اینجا کدام جرات می کنند جلو مردم بیاد دزدی کنه از ماشین من

گفت رفتم اومدم دیدم دزد آمده شیشه رو سوراخ کرده و رادیو ضبط رو برده.
البته آیت الکرسی مقامش بالاتره که فقط برای این باشه که دزدگیر باشه آیت
الکرسی تنها دزدگیر نیست بلکه این یکی از هزاران فواید آیت الکرسیه. این ایه
نور است هدایت است ایمان انسان را بالا میبره

حضرت علی فرمود هر کسی که قبل از طلوع خورشید ۱۱ بار سوره قل هو الله و
سوره قدر و **آیت الکرسی** را بخواند خداوند مالش را از هر خطری حفظ می کند
. و باز در روایتی که فرمایند که از امام سوال کردند آیا خوبه ما چهارشنبه بریم
سفر یا دوشنبه بریم فرمود برای از بین بردن حوادث بد در سفر، اول صدقه بده و
آیت الکرسی بخون بعد برو دیگه هیچ مشکلی برات انشاالله پیدا نمیشه

خوبه راننده‌هایی که می‌خوان برن سفر این کارو انجام بدن. آیت الکرسی
بخونند. آره صدقه بدن آیت الکرسی بخوانند البته نوار حرام گوش ندن مواد
مخدر مصرف نکنند تا خدا اونا رو حفظ کنه. واقعاً هم خدا حفظ می‌کنه‌ها در
روایتی است که پیامبر فرمود آیا دعایی را که جبرئیل به من یاد داد به شما یاد
بدهم که به دواى طیب محتاج نشوید حضرت علی گفتند این دوا چیه پیامبر
فرمود آب باران را در ماه نیسان (همین اردیبهشت) بگیرد ۷۰ بار برش آیت

الکرسی و فلق و ناس و کافرون و ۷۱ مرتبه توحید بخونید بعد ۷ روز متوالی از

این آب بخوری شفای هر دردی است

.

شهدا با قرآن انس داشتند...

ولا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

یکی از ویژگی های شهدای بزرگوار ما این بوده است که با قرآن خیلی مانوس بودند همانطوری که. علمای ما اینجور بودن حضرت امام طوری با قرآن مانوس بودند مثلاً سفره می انداختن تا می خواستند لوازم سفره رو بیارن حضرت امام مثلاً به صفحه قرآن می خوند...

نقل است امام رضا علیه السلام هر سه روز به ختم قرآن داشت...

خوبه آدم همیشه به قرآن کوچیک همراهش باشه مثلاً شما رفتید بانک اونجا تو صف هستید تا نوبت هستید میشه چند صفحه قرآن بخونی یا رفتی در تعمیرگاه حتی صف نانوائی میتونی تا نوبت بشه مفداری قرآن بخونی

در جریان عملیات بازی دراز. فرمانده جناب شهید بزرگوار وزوایی با نیروهایش

به سمت قله حرکت کردند دشمن با سلاح سبک و سنگین بچه ها را زمین گیر کرده بود اما محسن مرتب میگفت خدا کمک می کنه نیروهای کمکی می رسند بچه ها بی تاب می کردند آخر سر یکی از نیروها از کوره در رفت و صدایش را

بلند کردو گفت داری با این کار ما را به کشتن میدی کو این نیروهای کمکی!
ما رو چی فرض کردی. محسن وزوایی با آرامش بچه‌ها را دور هم جمع کرد و
خودش سوره فیل را با آرامش خواند و از ما خواست همخوانی کنیم خیلی
عجیبه گوش بدید تا آخرش. با گلوی خشک و لب‌های خشکیده شروع کردیم
سوره فیل رو خوندیم **الم تر کیف فعل ربك باصحاب الفیل...**

همه غرق خوندن این سوره شدیم وقتی به خود آمدیم خبری از شلیک‌های
مداوم دشمن نبود گویا همه سلاح‌ها از کار افتاده بود. دوباره همخوانی کردیم
ناگهان یکی از بالگردهای خودی آمد و تانک عراقی را منهدم کرد و همزمان دو
هلیکوپتر عراقی به هم خوردند و متلاشی شدند ...

باید باور داشته باشیم که خدا یار و یاور مومنین است. ما خلیامون باور نداریم
میگن که **حالا یه لطیفه بگیم**

یک کچلی بود دعانویس بود برای کچل‌ها دعا می‌نوشت همه مو در می‌آوردن
پرسیدن آقا شما این همه کچل‌ها رو مودار کردی خودت چی گفت اینها به من
باور دارند ولی من خودمو باور ندارم.

علی سیفی انس با قرآنش به حدی که در حالت اغماء و موج گرفتگی هم قرآن می خواند

بعد از مجروحیت، حالش خوب نبود. مثل کسانی که صرع دارند، شروع می کرد به دست و پا زدن. اما در این حال شروع می کرد به خواندن قرآن

در بیمارستان دکتر شریعتی اصفهان، بی هوش بود و با صدایی جان سوز قرآن می خواند و مردم و پرستارها بالای سرش جمع شده بودند و گریه می کردند^{۱۵}.

مقاومت با قرآن در سیره شهید سید حسین علم الهدی

در اوج مبارزات انقلاب، یکی از دانشجویان انقلابی توسط رژیم شاه دستگیر شد. برادر خلقانی نقل می کند، به سید حسین گفتیم: فلانی را دستگیر کرده اند، آیا فکر میکنی می تواند در برابر شکنجه ها، مقاومت کند؟

حسین گفت: آیا قرآن می خواند؟

کتاب بیا مشهد، گروه فرهنگی شهید هادی، تاریخ نشر ۱۳۹۵؛ ص ۲۵ و ۲۶^{۱۵}

گفتم منظورت چیست؟

!گفت: اگر با قرآن انس داشته باشد ، می تواند مقاومت کند

نقل است امیرالمومنین یه کلاهی فرستاد برای پادشاه روم که از سردرد می نالید

کلاه سرش گذاشت سردردش رفت کلاه برداشت دوباره سر درد سراغش

آمد. گفت چاقوبیارید هرچی هست تو این کلاهه.

کلاه رو شکافتن دیدن یه کاغذی توش نوشته **بسم الله الرحمن الرحيم** عجب

پس چرا ما میگیریم بسم الله الرحمن الرحيم اثر نمیکنه امیرالمومنین باور داشت

خودش قرآن ناطق بود لذا انشالله سعی کنید همیشه قرآن جیبی همراه داشته باشیم

مثل بعضی از شهدا که همیشه همراهشون قرآن کوچکی بود در فرصت ها انرا می

خواندند و نیرو می گرفتند

همسر شهید بزرگوار حجت الاسلام سید علی اندرزگو میگه ما در سال ۵۱ تو قم

بودیم و شوهرم بیرون رفته بود آمدم دم در دیدم نیروهای ساواک خانه را

محاصره کردند

بعد از ساعتی شوهرم وارد خانه شد گفتم چه جور وارد خانه شدی تو رو دستگیر نکردن گفت وقتی که آمدم دیدم نیروهای ساواک دم در خانه هستند آیه شریفه و جعلنا رو خوندم. اونا منو ندیدن وارد خانه شدم رزمنده‌های ما هم در جبهه از این آیه استفاده می کردند برای اینکه دشمن اونا را نبینه این آیه را تلاوت می کردن باید انسان باور داشته باشه اعتقاد داشته باشه ...

در خانه‌ای که قرآن تلاوت میشه می‌گه از آسمان، ملائکه خانه را به شکل ستاره می‌بینند همینطور که ما نگاه می‌کنیم به آسمان ستاره‌ها رو می‌بینیم ملائکه آسمان خانه‌های که زمین درش قرآن تلاوت می‌شه روشن می‌بیند ولی بقیه خانه‌ها را تاریک می‌بینند. و جالبم اینه که خانه‌ای که درش قرآن تلاوت بشه ملائکه حاضر میشن بعد خاصیتش اینه که تو اون خانه دعوا نیست اختلاف نیست کینه و

عداوت نیست شما الان اخبارو ببینید چون کشور ما مورد تهاجم غرب قرار گرفته الان پدر کشی طرف چند روز قبل تو تهران برای یه خانه ۲۰۰ متری پدرشو کشت یا مادرشو میکشه یا برادرشو میکشه یا خواهرشو میکشه چرا چون تو خانه قرآن تلاوت نمیشه

بنده با دادستان از زندان خرم آباد بازدید کردیم دادستان گفت این آقا رو می‌بینی؟ یه آقایی بود تقریباً ۵۰ ساله دو تا جوان اینور اونورش نشسته بودن تو زندان. تو زندان گفت این آقا این دو تا جوان پسرانش زنشم تو زندان مرکزی. چهار نفر از یک خانواده همه تو زندان چرا چون اهل قرآن و اهل نماز نبودند بعد زندانیا رو جمع کردن تو حیاط ۲۰۰۰ زندانی ما براشون سخنرانی کردیم گفتم می‌دانید چرا اومدید زندان چون اهل نماز نبودید! سعی کنید اهل نماز باشید خانه‌ای که توش نماز خونده می‌شه قرآن تلاوت می‌شه اونجا دیگه جرم و دعوا و اینا نیست کی میاد باباشو بکشه سر ۲۰۰ متر مثلاً خانه و ...

پس این شهدای ما. که اهل قرآن بودند اینا اوج گرفتن و به مقام شهادت نائل آمدند و در پیشگاه خداوند هم زنده هستند و روزی می‌خورند انشاالله ما هم سعی کنیم انس با قرآن به وسیله قرآن انسان اوج می‌گیره